



سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
Ma'rifat-i Shi'a (Shi'a Knowledge)
A bi-Quarterly Research Journal

سردبیر: سید حامد علی زاده موسوی

دبیر تحریریه: محمد علی سلیمانی

صفحه آرا: نادر برقی

طراح جلد: مرتضی فتح اللهی

شماره مجوز: ۸۳۱۵۴

نشانی: قم، خیابان شهید فاطمی

(دور شهر)، کوچه ۱۹، پلاک ۲۷

کد پستی: ۳۷۱۵۶۵۵۷۵۶

سامانه ارتباط مجازی (ایتا، تلگرام):

۰۹۰۵۲۹۹۵۳۴۱

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

آدرس الکترونیکی:

marefatshia@gmail.com

سایت:

www.Shiaknowledge.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیر مسئول: سید مهدی علیزاده موسوی

هیئت تحریریه:

رضا برنجکار

استاد دانشگاه تهران، گروه فلسفه و کلام

امداد توران

استاد یار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی،

گروه فرق تشیع

محمد حسن زمانی

استاد یار جامعه المصطفی، گروه قرآن و

حدیث

محمد تقی سبحانی

رئیس بنیاد فرهنگی امامت (ع)

رضا مختاری

رئیس موسسه کتابشناسی شیعه

سید ابوالحسن نواب

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی

فراخوان

اساتید و پژوهشگران محترم می توانند با ارسال مقالات خود در حوزه مباحث و موضوعات کاربردی و جدید شیعه و با رویکرد اطلاع رسانی و در چارچوب ضوابط با دو فصلنامه همکاری بفرمایند.

راهنمای تدوین، تنظیم و ارسال مقالات

● ساختار کلی مقاله

■ الف) نحوه تدوین متن مقاله

- * **عنوان مقاله:** عنوان مقاله گویا و رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد.
- * **مشخصات نویسنده:** نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته تحصیلی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی.
- * **چکیده:** عصاره مقاله است و بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد. لازم به ذکر است که مقالات با توجه به ماهیتشان می توانند فاقد چکیده باشند.
- * **واژگان کلیدی:** حداقل سه واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارد.
- * **مقدمه:** شامل خلاصه ای از بیان مسئله، اهمیت، اهداف و پیشینه موضوع.
- * **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است ابتدا ابعاد و زوایای مسئله به صورت دقیق توصیف و تبیین گردد و سپس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.
- * **نتیجه گیری:** بیان یافته های حاصل از پژوهش و ارائه راهکارها و راهبردها.
- * **ارجاعات:** با توجه به اینکه مقالات این مجله با رویکردی کاربردی و برگرفته از منابع به روز و اینترنتی می باشد، بدین رو ارجاعات در این مقاله به صورت پاورقی می باشد.

دو فصلنامه علمی معرفت شیعه / ۴

سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

✦ **فهرست منابع:** نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر، سال.

■ **ب) اصول صفحه بندی و نگارش مقاله:**

تعداد صفحات مقالات حداقل ۷ و حداکثر ۱۵ صفحه باشد و با رعایت موارد زیر قابل ارزیابی می باشند:

✦ مقاله باید در محیط نرم افزار آفیس ۲۰۰۷ و ویرایش های بالاتر از آن تایپ شود.

✦ اندازه ها از حاشیه صفحه:

بالای صفحه ۳ سانتی متر، پایین صفحه ۵/۲ سانتی متر، سمت چپ صفحه ۵/۲ سانتی متر، سمت راست صفحه ۵/۲ سانتی متر.

■ **ج) نکات مهم**

✦ مقاله های ارسالی نباید در هیچ کتاب یا مجله دیگری چاپ شده باشد و یا به طور همزمان برای کنفرانس ها و همایش های داخلی و خارجی ارسال شده باشند.

✦ مقالات دریافت شده عودت داده نمی شوند.

✦ در این دو فصلنامه مقالاتی انتشار می یابد که در زمینه شیعه و با رویکردی کاربردی و با توجه به مسائل و مباحث روز جهان تشیع نگاشته شده باشند.

✦ چاپ مقاله در دو فصلنامه منوط به تایید داوران بوده و دو فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.

✦ نسخه word و pdf مقاله باید به پست الکترونیکی marefatshia@gmail.com و یا از طریق پایگاه اینترنتی www.shiaknowledge.com ارسال شود.

✦ نامه پذیرش مقاله صرفاً پس از انجام اصلاحات مورد نظر ارزیابان توسط نویسنده، ارسال خواهد شد.

✦ مقالات رسیده توسط سردبیر بررسی و پس از تایید ارزیابان برای چاپ آماده ارسال می شود.

✦ دیدگاه ها و اطلاعات موجود در مقالات لزوماً مورد تایید مجله نبوده و مسئولیت مقالات بر عهده نویسنده می باشد.

دو فصلنامه علمی معرفت شیعه / ۴

سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲



فهرست مطالب

۷	سرمقاله
۱۱	ظرفیت پژوهی برنامه مطالعات شیعی دانشگاه لایدن هلند سید حامد علیزاده موسوی
۲۹	جریان‌شناسی امامت‌پژوهی در جهان معاصر محمدتقی سبحانی
۴۹	تحول تاریخی مفهوم ولایت در سده‌های نخستین اسلامی کامران محمدحسینی
۶۱	دورنمایی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان جمهوری آذربایجان سید ابراهیم معصومی
۸۳	مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو رضا کاظمی‌راد
۹۳	ظرفیت‌شناسی شیعیان اسماعیلی در تعامل با تشیع اثناعشری سید محمد مهدی جعفری
۱۰۱	رویکردی راهبردی برای حضور فعال تشیع در آینده آفریقا محمد رضا مرتضوی نیا
۱۰۹	آشنایی با شیعه پژوهان: طاهره قطب‌الدین نعیمه خراسانی
۱۱۵	وضعیت‌شناسی شیعیان در روسیه محمد احمدی
۱۲۷	چکیده‌های عربی
۱	چکیده‌های انگلیسی



سرمقاله

انقلاب اسلامی و انفجار انتظارات

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ انقلاب‌های اجتماعی بود و توانست تأثیرات بسیار عمیقی، نه تنها بر عرصه‌های معرفتی و علمی، بلکه در رشد و شکوفایی تشیع به جا بگذارد. اما مشکل اساسی، در رشد نامتوازن حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی انقلاب اسلامی ایران بود. به عنوان نمونه، درحالی‌که انقلاب از نقطه نظر تحول اجتماعی و سیاسی بسیار مورد توجه صاحب‌نظران جهان قرار گرفت و حتی در داخل نیز اندیشمندان حوزه سیاست و مطالعات اجتماعی به بررسی این رویداد پرداختند و از دل آن نظریه‌های مختلفی متولد شد، اما سایر حوزه‌ها به محاق رفت. این بی‌مهری نه تنها در اصل انقلاب اسلامی، بلکه در معرفی تک‌بعدی رهبران انقلاب اسلامی ایران نیز قابل مشاهده است. به عنوان نمونه در همایشی در کشور پاکستان، یکی از اندیشمندان این کشور که در مورد شخصیت حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه پژوهش کرده بود، رسماً از بی‌مهری ایرانیان به رهبر فقیدشان سخن گفت که چگونه شخصیت سیاسی امام آن هم صرفاً در حوزه عمل، بر تمامی ابعاد وجودی ایشان اعم از فقه، عرفان و تفسیر سایه انداخته است. به عقیده وی، بیش از آنکه امام شخصیتی همانند سایر رهبران سیاسی دنیا باشد، شخصیتی کاملاً علمی - عرفانی است. اما حتی خود ایرانی‌ها تلاشی در معرفی شخصیت ایشان نداشته‌اند. درحالی‌که اگر این ویژگی ایشان برجسته‌سازی و پیرامون آن نظریه پردازی می‌شد، به مراتب نفوذ انقلاب اسلامی ایران در دنیا دوچندان می‌گشت.

در مقیاس وسیع‌تر، انقلاب اسلامی ایران ماهیتی اسلامی با گرایش شیعه اعتدالی داشت و با این ایدئولوژی توانست بر رژیم شاه و سپس انبوه مشکلات و موانع که



هریک می‌توانست ملتی را به زانو درآورد، مقابله کند و اکنون پس از چهل سال همچنان به مسیر خود ادامه دهد؛ اما متأسفانه این ویژگی حیاتی، در سایه بعد سیاسی و اقتصادی نادیده گرفته و به خاطر اتخاذ برخی سیاست‌ها - تا حدودی - منحرف شد. به عبارت دیگر، هرچند فلسفه اصلی انقلاب اسلامی ایران، بازگشت به ارزش‌های دینی و فرهنگ اسلامی بود، اما در طول دهه‌های گذشته، علی‌رغم هشدارهای رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، ارزش‌ها و در مجموع فرهنگ به محاق رفت و در پایین فهرست اولویت‌ها قرار گرفت.

جدای از پیامدهای ناگواری که این چرخش در داخل کشور ایجاد کرد، تأثیرهای آن را بر سایر جوامع نیز نباید نادیده گرفت؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران برای سایر ملت‌ها، خوانشی نو از پیوند دین و سیاست بود و در جهانی که به شدت به مادیات وابسته و درگیر چرخ‌دنده‌های بی‌رحم تکنولوژی و صنعت بود، روحانیتی جدید را بشارت می‌داد. همین عامل سبب شد که مکتب تشیع در جهان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جان تازه‌ای بگیرد. از این رو، بدون اغراق باید تاریخ تشیع را به دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن تقسیم کرد. از یک سو مَدِّ شیعی و گرایش به تشیع در میان مسلمانان و غیرمسلمانان و از سوی دیگر، گرایش بسیار مراکز علمی، اعم از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به مباحث شیعه‌شناسی، نشانگر تأثیرات انقلاب اسلامی در عرصه‌های شیعه و شیعه‌شناسی است. البته هدف از مطالعات شیعه‌شناسی همیشه یکسان نیست، بلکه برخی با نگاه دشمن‌شناسی به این مطالعات می‌نگرند و برخی در پی یافتن علل شکوفایی شیعه و ظرفیت‌های آن هستند.

در این نشریه (معرفت شیعه) تلاش شده است تا نشان داده شود چه اندازه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌ها در چند دهه اخیر به مطالعات شیعه‌شناسی رو آورده‌اند. چنین فضایی سبب شده است که انتظارات از جمهوری اسلامی ایران برای حل مسئله‌های فراروی بشر به شدت افزایش یابد و همه به دنبال پاسخ جمهوری اسلامی ایران در برابر مشکلات و بحران معنا باشند که دامنگیر بشر امروز شده است. به عنوان نمونه، در سفر به بنگلادش بسیاری از اندیشمندان، از جمله مسئولان این کشور، از اجرای سند ۲۰۳۰ سازمان ملل در بخش آموزش و مسائل جنسیتی نگران بودند و خواستار



سند جایگزین توسط جمهوری اسلامی ایران بودند. در ورشو لهستان، خبرنگاران نگران بودند از اینکه فرهنگ اروپای غربی به ویژه در عرصه خانواده و سبک زندگی به این کشور ورود نکند و می پرسیدند، ایران چه راهبرد و راهکارهایی برای مقابله با هجوم ویرانگر فرهنگ اروپای غربی دارد و مشخصاً الگوی خانواده تراز را مطالبه می کردند. در کشور هند، پاکستان، ایتالیا، بلاروس، قبرس و... در دیدارهایی که با نخبگان صورت می گرفت، چنین مطالبه هایی انجام می شد و به خوبی آشکار بود که بحران معنا و نبود سبک زندگی متوازن اخلاقی، اندیشمندان کشورها را به سوی یافتن مدل مناسبی سوق داده است.

چنین وضعیتی نشانگر این واقعیت است که رسالت اندیشمندان به این دلیل که امروزه از سویی در عصر بحران معنا و انتظارات جوامع مختلف قرار گرفته ایم و از سوی دیگر، معارف والای اهل بیت علیهم السلام به سراسر جهان نفوذ کرده، دوچندان شده است. به گفته یکی از بزرگان، فرصتی که امروز در اختیار تشیع قرار دارد، در هیچ برهه ای از تاریخ تشیع وجود نداشته است و جالب آنکه حجم بالای دشمنی هایی که با شیعه انجام می شود نیز نشانگر هراس دشمنان از رشد و گسترش آیین حیات بخش تشیع در جهان است. آیینی که در کنار قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، با بهره مندی از اقیانوس معارف اهل بیت علیهم السلام و همچنین با گرایش اعتدالی، می تواند معنای جدیدی را به انسان بی هویت امروز ارائه کند.

سید مهدی علیزاده موسوی
مدیر مسئول



دوفصلنامه علمی معرفت شیعه ۴
سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

ظرفیت پژوهی برنامه مطالعات شیعی دانشگاه لایدن هلند

Leiden University Shi'i Studies Initiative (LUSSI)

Leiden University Centre for the Study of Islam and Society (LUCIS)

| ۱۱ |

سید حامد علیزاده موسوی^۱

چکیده

برنامه مطالعات شیعی، برنامه‌ای است مطالعاتی و پژوهشی که در ذیل مرکز اسلام و جامعه دانشگاه لایدن هلند در حال اجرا است. هدف دانشگاه از راه اندازی این مجموعه، پرکردن خلأهای موجود با گسترش مطالعات شیعه شناسی در تمامی تخصص‌ها، رشته‌ها و رویکردهای آن از طریق برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، سخنرانی، مناظره‌ها، دوره‌های آموزشی تابستانی و دانش‌افزایی در میان دانش‌پژوهان می‌باشد. افزون بر مرکز مطالعات اندیشه و تاریخ اسلامی، مرکز دیگری با عنوان مرکز مطالعات اسلام و جامعه (LUCIS) در ذیل دانشکده علوم انسانی وجود دارد که در بردارنده غالب فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه اسلام و مطالعات شیعی انجام شده در دانشگاه لایدن است. بدین رو فعالیت‌ها و مطالعات شیعی انجام شده در دانشگاه لایدن در حقیقت محصولی مشترک میان این مراکز است. LUCIS در مورد اسلام و جامعه حول دو محور اصلی به تحقیق و پژوهش می‌پردازد: وحدت و تنوع؛ مذاکره اسلام و تفسیر اسلام از درون و بیرون. برنامه‌های تحقیقاتی متعددی توسط مرکز LUCIS صورت گرفته است که از آن جمله اسلام در آسیای مرکزی، شکل بندی دین باستان متاخر، اسلام در شمال آفریقا، گذشته‌های بازمانده، جوامع تاریخی مسلمان، قانون و حکومت در جوامع مسلمان، مطالعات شیعه، اسلام در آسیای جنوب شرقی، اسلام در شمال آفریقا و اسلام در غرب است.

واژگان کلیدی: مطالعات شیعه، دانشگاه لایدن، مرکز مطالعات اسلام و جامعه

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن: Hamed.moosavi2@gmail.com



مقدمه

دانشگاه لایدن در سال ۱۵۷۵ م. تأسیس شد و یکی از دانشگاه‌های تحقیقاتی بین‌المللی پیشرو در اروپاست. این دانشگاه دارای هفت دانشکده است که در لایدن و لاهه قرار دارند:

- باستان‌شناسی؛^۱
- حاکمیت و امور جهانی؛^۲
- علوم انسانی؛^۳
- حقوق؛^۴
- پزشکی / مرکز پزشکی دانشگاه لایدن؛^۵
- علوم پایه؛^۶
- علوم اجتماعی و رفتاری؛^۷



دانشکده علوم انسانی افزون بر پذیرش دانشجو در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم انسانی، مراکز و مؤسسه‌های تحقیقاتی و پژوهشی متعددی را ذیل خود دارد که عبارتند از:

- آکادمی هنرهای خلاق و نمایشی؛^۸

1. Archaeology
2. Governance and Global Affairs
3. Humanities
4. Law
5. Medicine/Leiden University Medical Center
6. Science
7. Social and Behavioral Sciences
8. Academy of Creative and Performing Arts



- مرکز هنر در جامعه؛^۱
- مؤسسه تاریخ؛^۲
- مؤسسه مطالعات منطقه‌ای؛^۳
- مرکز زبان شناسی؛^۴
- مؤسسه فلسفه؛^۵
- مؤسسه هلند مراکش.^۶

در میان آنها، مؤسسه فلسفه مرکزی تحقیقاتی است که اعضای آن همه جنبه‌های فلسفه را مطالعه می‌کنند. این مؤسسه در پژوهش‌های خود به دنبال تعامل اثربخش بین رویکردهای سیستماتیک و تاریخی به فلسفه است. مؤسسه فلسفه دانشگاه لایدن از پنج مرکز تشکیل شده است:

- مرکز فلسفه بین فرهنگی؛^۷
- مرکز فلسفه سیاسی؛^۸
- مرکز مطالعات باستان متأخر و قرون وسطا؛^۹
- مرکز فلسفه قاره‌ای؛^{۱۰}
- مرکز فلسفه نظری.^{۱۱}

ذیل مرکز فلسفه بین‌فرهنگی، مرکزی با عنوان «مرکز تاریخ و اندیشه اسلامی» وجود دارد. پروژه‌های انجام شده در این مرکز، با نظارت مرکز فلسفه بین فرهنگی دانشگاه لایدن است. هدف مرکز تاریخ و اندیشه اسلامی، ترویج مطالعه اندیشه و تاریخ عربی و اسلامی،

-
1. Centre for the Arts in Society
 2. Institute for History
 3. Institute for Area Studies
 4. Centre for Linguistics
 5. Institute for Philosophy
 6. The Netherlands Institute Morocco
 7. Centre for Intercultural Philosophy
 8. Centre for Political Philosophy
 9. Centre for Late Antique and Medieval studies
 10. Centre for Late Antique and Medieval studies
 11. Centre for Theoretical Philosophy



در تمام دوره‌ها و مظاهر مختلف آن است. ضمن آنکه درصدد است با گسترش گفتگو بین متخصصان و محققان اندیشه و تاریخ عربی و اسلامی، مطالعه سنت‌های فکری را در اندیشه عربی و اسلامی به پیش برد.

ذیل این مرکز، برنامه‌ای تحقیقاتی در زمینه مطالعات شیعه در حال انجام است که از آن با عنوان «ابتکار مطالعات شیعی دانشگاه لایدن (LUSSI)» نام می‌برند. در ادامه به معرفی این برنامه خواهیم پرداخت.

ابتکار مطالعات شیعی دانشگاه لایدن (LUSSI)^۱

برنامه مطالعات شیعی، برنامه‌ای مطالعاتی و پژوهشی است که ذیل مرکز اسلام و جامعه دانشگاه لایدن هلند^۲ در حال اجراست. هدف دانشگاه از راه‌اندازی این مجموعه، پرکردن خلأهای موجود با گسترش مطالعات شیعه‌شناسی در تمامی تخصص‌ها، رشته‌ها و رویکردهای آن از طریق برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، سخنرانی، مناظره‌ها، دوره‌های آموزشی تابستانی و دانش‌افزایی در میان دانش‌پژوهان می‌باشد.^۳ در معرفی این برنامه و اهداف آن چنین آمده است:

مطالعه اسلام شیعی در غرب تا حد زیادی در تحقیقات مدرن نادیده گرفته شده است. اولین تلاش هماهنگ در آکادمی برای مفهوم‌سازی مطالعات شیعی به‌عنوان زیرشاخه‌ای متمایز از مطالعات اسلامی در کنفرانس تاریخی ۱۹۶۵ م.

۱. اطلاعات ارتباطی:

آدرس وب‌سایت:

<https://www.universiteitleiden.nl/en/humanities/the-leiden-university-shii-studies-initiative-lussi>

<https://www.universiteitleiden.nl/en/humanities/centre-for-the-study-of-islam-and-society/research-programmes/shi%CA%BFi-studies>

آدرس پستی:

LUCIS, PO Box 9515 , 2300 RA Leiden

تلفن: +31 (0)71 527 2628

ایمیل: lucis@hum.leidenuniv.nl

فیسبوک: [/https://www.facebook.com/leidenshiistudies](https://www.facebook.com/leidenshiistudies)

2. Leiden University Centre for the Study of Islam and Society (LUCIS)

3. <https://www.universiteitleiden.nl/en/humanities/the-leiden-university-shii-studies-initiative-lussi>



که در استراسبورگ فرانسه برگزار شد، انجام گرفت. از آن زمان، مطالعات شیعی به حوزه‌ای پویا و رو به رشد تبدیل شده است که دغدغه‌های گسترده، تمرکز موضوعی و تعهد روش‌شناختی را دربر می‌گیرد. علی‌رغم این رشد نسبی، مطالعات شیعی اغلب در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا و آمریکای شمالی نادیده گرفته می‌شود؛ واحدهای درسی، موقعیت‌های دانشگاهی و مطالعاتی بسیار اندکی در حوزه مطالعات شیعی وجود دارد. در کنفرانس‌ها، سخنرانی‌های عمومی، نشریات و اطلاع‌رسانی در مطالعه اسلام، اسلام شیعی نسبتاً غایب است. این وضعیت به یک درمان فوری نیاز دارد.

بنابراین، هدف این برنامه پرکردن خلأ موجود در آکادمیای غرب است.



اعضای اصلی^۱

شخصیت‌ها و اعضای اصلی این برنامه عبارتند از:

آهاب بدیوی^۲: مدیر و مؤسس برنامه مطالعات شیعی دانشگاه لایدن و استادیار عربی و فلسفه قرون وسطا و تاریخ روشنفکری دوران باستان متأخر.^۳

پروژه مطالعات شیعی توسط آهاب بدیوی ایجاد شده و مدیریت می‌شود.^۴ دکتر بدیوی تحصیلات خود را در رشته تاریخ روشنفکری اسلام و عربی در سال ۲۰۱۴ م. در دانشگاه آگتر به پایان رساند و به مدت سه سال به عنوان مدرس در

رشته تاریخ اسلام و ایران در دانشگاه سنت اندروز تدریس کرده است. وی از سال ۲۰۱۶ م. به عنوان استاد مدعو رشته‌های فلسفه عربی قرون وسطا و تاریخ اسلامی در دانشگاه لایدن

1. <https://www.universiteitleiden.nl/en/humanities/the-leiden-university-shii-studies-initiative-lussi/members>
2. Ahab Badioui, University Lecturer Arabic and Medieval Philosophy and Late Antique Intellectual History;
a.bdaiwi@hum.leidenuniv.nl
3. <https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/ahab-bdaiwi#tab-1>
4. <https://www.universiteitleiden.nl/en/humanities/the-leiden-university-shii-studies-initiative-lussi>



فعالیت داشته و همچنین یکی از اعضای علمی مؤسسه فلسفه و مؤسسه تاریخ و اندیشه اسلامی دانشگاه لایدن نیز می باشد. بیشتر پژوهش‌های وی پیرامون مباحثی چون تاریخ فکری و دینی، فلسفه، الهیات و نسخه‌های خطی شرقی در جوامع اسلامی است. دین، تاریخ و فلسفه در باستان متأخر؛ اسلام اولیه: تاریخ، اندیشه و تعامل با سایر ادیان و گرایش‌های فکری؛ فلسفه عربی قرون وسطا: ابن سینا و پس از آن؛ فلسفه قرون وسطا: متافیزیک، نوافلاطونی و شیوه‌های شناخت؛ تشیع: تاریخ دینی، فرهنگی و فکری و معارف اسلامی و نسخ خطی از جمله موضوعات مورد علاقه وی در حوزه پژوهش و آموزش است.

وی آثار بسیاری را در زمینه مطالعات اسلامی نوشته است که از بین آنها، برخی پیرامون شیعه هستند؛ از آن جمله:^۲

- پیدایش عرفان شیعی در دوره‌های آغازین صفوی: مطالعه موردی کتاب مقامات العرفان و المنازل السائرین نوشته غیاث‌الدین دشتکی (مقاله)؛^۳
- نقش فلسفه در حوزه علمی قم (مقاله ارائه شده در دانشگاه دورهام)؛^۴
- علامه طباطبایی، نه‌ایة الحکمه (فصلی از کتاب فلسفه اسلامی آکسفورد، چاپ انتشارات دانشگاه آکسفورد)؛^۵
- جلال‌الدین دوانی، درباره تثبیت وجود واجب؛^۶
- نکاتی در باب هویت اعترافی فیلسوفان شیراز: صدرالدین دشتکی (م ۱۴۹۸/ق ۹۰۳) و شاگردانش ملاشمس‌الدین خفری (۱۹۴۲/ق ۱۵۳۵) و نجم‌الدین محمود نیریزی (م ۹۴۸/ق ۱۵۴۱)؛^۷

1. <https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/ahab-bdaiwi#tab-2>

۲. برای مشاهده لیست کامل مقالات وی، رک:

<https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/ahab-bdaiwi/publications#tab-4>

3. The Emergence of Shī'ī Mysticism in early Safavid Iran: A Study of Ghiyāth al-Dīn Dashtakī's Maqāmāt al-'ārifīn wa-manāzil al-sā'irīn.

4. The Role of Philosophy in the Seminary of Qom. Durham University.

5. Rizvi S. & Bdaiwi A. (2017), 'Allama Tabatabāi (d.1981), Nihayat al-hikma. In: El-Rouayheb K., Schmidtke S. (Eds.) The Oxford Handbook of Islamic Philosophy. Oxford: Oxford University Press.

6. Bdaiwi A. (2019), Philosophia Ottomanica: Jalal al-Din Davani on Establishing the Existence of the Necessary Being. In: Hani Khafipour (Ed.) The Empires of the Near East and India: Source Studies of the Safavid, Ottoman, and Mughal Literate Communities. New York: Columbia University Press.

7. Bdaiwi A. (2014), Some Remarks on the Confessional Identity of the Philosophers of Shiraz: Şadr



- فلسفه و ضد فلسفه در حوزه علمیة نجف ۱۹۵۵ م. (ارائه در کنفرانس)؛^۱
- نقش فلسفه در حوزه علمیة قم (ارائه در کنفرانس)؛^۲
- مکتب فلسفه تهران (مدخل دایرةالمعارف فلسفه آکسفورد)؛^۳
- مکتب فلسفه اصفهان (مدخل دایرةالمعارف فلسفه آکسفورد)؛^۴

آرنولد مول:^۵ استادیار فلسفه و مطالعات اسلامی^۶



آرنولد (یاسین) مول، مدرس مطالعات اسلامی و فلسفه عربی در مؤسسه فلسفه دانشگاه لایدن و پژوهشگر دکترای تاریخ فکری اسلامی در مرکز مطالعات دینی این دانشگاه (LUCSoR) است. او عضو برنامه مطالعات شیعی دانشگاه لایدن (LUSSI) می باشد. او همچنین مدرس هیات تطبیقی و فلسفه دین در دانشگاه اسلامی علوم کاربردی روتردام (IUASR) و مشاور ارشد تحقیقاتی در مرکز ملی

هلند برای افراط‌گرایی (Landelijk Steunpunt Extremisme) است. وی تألیفات متعددی در موضوعات تاریخ فکری اسلامی، الهیات اسلامی، مطالعات تفسیری، حدیث شناسی، اخلاق اسلامی، اسلام و حقوق بشر و اصلاح طلبی و افراط‌گرایی اسلامی (از جمله بریل، انتشارات دانشگاه آکسفورد، راتلج، دی گروت، ABC-Clio، مجله اخلاق اسلامی، مجله حقوق و جامعه اسلامی، مجله البیان مطالعات قرآن و حدیث، مجله معارف اسلامی

al-Dīn al-Dashtakī (d. 903/1498) and his Students Mullā Shams al-Dīn al-Khafarī (942/1535) and Najm al-Dīn Maḥmūd al-Nayrīzī (948/1541), *Ishraq - Islamic Philosophy Yearbook* 5: 61-85.

1. Bdaiwi A. (2010), *Philosophy and anti-Philosophy in the Seminary of Najaf in 1955: The British Academy*.
2. Bdaiwi A. (2010), *The Role of Philosophy in the Seminary of Qom*. Durham University.
3. Bdaiwi A. (2014), *The Tehran School of Philosophy*. In: Ayduz S., Dagli C., Kalin I. (Eds.) *The Oxford Encyclopedia of Philosophy, Science, and Technology in Islam*. Oxford: Oxford University Press [entry in reference work].
4. Bdaiwi A. (2014), *The Isfahan School of Philosophy*. In: Ayduz S., Dagli C., Kalin S. (Eds.) *The Oxford Encyclopaedia Philosophy, Science, and Technology in Islam*. Oxford: Oxford University Press [entry in reference work].
5. Arnold Mol; a.j.w.mol@hum.leidenuniv.nl
6. <https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/arnold-mol#tab-1>



شیعه، مجله مطالعات قرآن و سنت البرهان) دارد و به ارائه گفتگو، مشاوره و سخنرانی در چندین سازمان (غیردولتی)، مؤسسه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی (از جمله دانشگاه اسنابروک، دانشگاه فرایبورگ، دانشگاه جورج تاون، دانشگاه آکسفورد، ISAR استانبول، UQSIA، CIET، BBSI، انجمن الهیات هلند) پرداخته است. آثار آرنولد مول بیشتر در زمینه مطالعات اسلامی است و در این میان برخی در موضوع شیعه به نگارش درآمده است که از آن جمله، «عاشورا در جهان اندونزی مالایی: دهه محرم در سوماترا به روایت دانشمندان هلندی قرن نوزدهم»^۱ می‌باشد.

مرکز مطالعات اسلام و جامعه (LUCIS)^۲

افزون بر مرکز مطالعات اندیشه و تاریخ اسلامی، مرکز دیگری با عنوان مرکز مطالعات اسلام و جامعه ذیل دانشکده علوم انسانی وجود دارد که شامل تمام فعالیت‌های صورت‌گرفته در زمینه اسلام و مطالعات شیعی انجام شده در دانشگاه لایدن است. از این رو، این فعالیت‌ها و مطالعه‌ها در دانشگاه لایدن، در حقیقت محصول مشترک این مراکز است. تحقیقات LUCIS در مورد اسلام و جامعه دو محور اصلی را در نظر می‌گیرد که اساس برنامه‌های تحقیقاتی این مرکز هستند:

۱. وحدت و تنوع؛ مذاکره اسلام:^۳ این موضوع پیرامون این سؤال است که چگونه افراد، گروه‌ها و جوامع در مناطق مختلف و در طول تاریخ تصمیم گرفته‌اند که مسلمان بودن به چه معناست.

۲. تفسیر اسلام از درون و بیرون:^۴ این موضوع به چگونگی تولید و انتقال دانش درباره اسلام در درون و بیرون سنت می‌پردازد.

برنامه‌های تحقیقاتی متعددی توسط این مرکز (LUCIS) به صورت مشترک با دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف صورت گرفته و تأمین مالی شده است که عبارتند از:

1. Ashura in the Malay Indonesian World The Ten Days of Muharram in Sumatra as Depicted by 19th Dutch Scholars', Journal of Shi'a Islamic Studies, Volume VIII, No. 4 (2015).
2. Leiden University Centre for the Study of Islam and Society
universiteit.leiden.nl/en/humanities/centre-for-the-study-of-islam-and-society
3. Unity and Diversity: Negotiating Islam
4. Interpreting Islam from Inside and Outside



- اسلام در آسیای مرکزی: زیارتگاه‌ها در امتداد جاده ابریشم؛^۱
- اسلام سیار: گردش عقاید در آفریقای اسلامی؛^۲
- شکل‌بندی دین باستان متأخر؛^۳
- اسلام در شمال آفریقا: بازگشتی انتقادی به جوانان؛^۴
- گذشته‌های بازمانده: استفاده‌ها و استفاده‌های مجدد از گذشته در اسلام پیشامدرن؛^۵
- جوامع تاریخی مسلمان؛^۶
- قانون و حکومت در جوامع مسلمان؛^۷
- مطالعات شیعه؛^۸
- اسلام در آسیای جنوب شرقی؛^۹
- اسلام در شمال آفریقا؛
- اسلام در غرب.^{۱۰}

فعالیت‌های اصلی در زمینه مطالعات شیعه

مرکز مطالعات اسلام و جامعه دانشگاه لایدن و همچنین برنامه ابتکار مطالعات شیعه این دانشگاه در برنامه‌های پژوهشی خود، فعالیت‌های بسیاری در قالب سلسله سخنرانی، کنفرانس، کارگاه‌های آموزشی و... را به صورت مشترک با یکدیگر و یا به صورت مستقل انجام داده‌اند که برخی از آنها چنین است:

سخنرانی‌ها

مرکز مطالعات اسلام و جامعه دانشگاه لایدن (LUCIS) و ابتکار مطالعات شیعی این

1. Islam in Central Asia: Shrines along the Silk Road
2. Travelling Islam: The Circulation of Ideas in Islamic Africa
3. Framing Late Antique Religion
4. Islam in North Africa: A Critical Return to Youth
5. Re-presented Pasts: Uses and Re-Uses of the Past in Pre-Modern Islam
6. Historical Muslim Societies
7. Law and Governance in Muslim Societies
8. Shi'i Studies
9. Islam in Southeast Asia
10. Islam in the West



دانشگاه (LUSSI) با همکاری هم سلسله سخنرانی‌هایی را در زمینه مطالعات شیعی برگزار کرده‌اند:

- پذیرش داستان «آیات شیطانی» در آثار علمای شیعه متقدم (قرن ۹ تا ۱۲ میلادی)، دکتر شان آنتونی؛^۱
- موعودگرایی عرفاتی در قرن سیزدهم: سعدالدین حمویة و عزیزالدین نسفی، دکتر الیزابت الکساندرین؛^۲
- هنر جنگ با ابزار دیگر: دفاعیه‌های سید نورالله شوشتری در دفاع از اسلام شیعی در میان امپراطوری‌های عثمانی، صفوی و گورکانی، دکتر سجاد رضوی؛^۳
- علیه صوفیان: فضایل شیعی و حالات بدنی در دوران صفوی، دکتر رولا جوردی ایسیاب؛^۴
- رازداری و مکاشفه در کیمیاگری عربی: نامه‌ای منسوب به ارسطو و «مترجم» مسیحی آن، دکتر سلام راسی؛^۵
- شیعه‌سازی ایران، با علوم غریبه سنی، متیو ملوین کوشکی؛^۶

1. The Reception of the 'Satanic Verses' Story in the Works of Early Shi'ite Scholars (9th – 12th c. CE) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/02/the-reception-of-the-%E2%80%99satanic-verses%E2%80%99-story-in-the-works-early-shi%E2%80%98ite-scholars-9th-%E2%80%93-12th-centuries-ce>)
2. Mystical Messianisms in the 13th Century: Sa'd al-Dīn Ḥamūyeh and 'Azīz-i Dīn Nasafī (28 March 2018) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/03/mystical-messianisms-in-the-13th-century-sa%E2%80%98d-al-d%C4%ABn-%E1%B8%A5am%C5%AByeh-and-%E2%80%98az%C4%ABz-i-d%C4%ABn-nasaf%C4%AB>)
3. The Art of War by Other Means: Sayyid Nūr Allāh Shūshtarī's Polemics in Defence of Shi'i Islam between Ottoman, Safavid and Mughal Empires (26 September 2018) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/09/the-art-of-war-by-other-means-sayyid-n%C5%ABr-all%C4%81h-sh%C5%ABshar%C4%AB%E2%80%99s-polemics-in-defence-of-shi%C5%ABfi-islam-between-ottoman-safavid-and-mughal-empires>)
4. Against Sufi Practitioners: Shi'a Virtues and Bodily States in Safavid Iran (24 October 2018); Rula Jurdi Abisaab (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/10/against-sufi-practitioners-shi%C5%ABfa-virtues-and-bodily-states-in-safavid-iran>)
5. Secrecy and Revelation in Arabic Alchemy: An Epistle Attributed to Aristotle and Its Christian 'Translator' (9 March 2020); Salam Rassi (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2020/03/lussi-seminar-secrecy-and-revelation-in-arabic-alchemy-an-epistle-attributed-to-aristotle-and-its-christian-translator>)
6. Shi'izing Iran - with Sunni Occult Science (12 November 2020); Matthew Melvin-Koushki (<https://>



- تقاطع باطنی‌گری اسلامی و علوم غریبه، لیانا سیف^۱؛
- درمان / سحر امامان: احادیث شفادهی در میان شیعیان دوره‌های اولیه و میانه، آدام بورسی^۲.

کنفرانس

- کنفرانس سالیانه LUCIS: رویکرد شیعه در فضای علمی^۳
- هدف اصلی این کنفرانس، غنی‌سازی گفتگوها بین دانشمندان شیعه و نشان دادن ارتباط مضامین شیعی با گفتگوهای گسترده‌تر در مطالعات اسلامی بوده است. مباحث ارائه شده در این کنفرانس عبارتند از:
- عادی‌سازی مطالعه تشیع: مشارکت شیعیان در شکل‌گیری شریعت اسلامی، رابرت گلیو از دانشگاه آکترز؛
 - بومی‌سازی اسلام شیعی: یادداشت‌هایی از یک فرد خارجی، آب دی یونگ (دانشگاه لایدن)؛^۴
 - مرجعیت دینی زن در اسلام شیعی، میرجام کونکلر (کالج سوئدی برای مطالعات پیشرفته)؛^۵
 - رویکرد بررسی متون شیعی: بازان‌دیشی در کاربرد شکل، کارکرد و محتوا، گردوفارید مسکین زدا (مؤسسه مطالعات اسماعیلیه)؛^۶

www.universiteitleiden.nl/en/events/2020/11/lussi-lecture-with-dr-matt-melvin-koushki

1. The Intersection of Islamic Esotericism and the Occult Sciences. (1 December 2020); Liana Saif (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2020/12/lussi-lecture-with-dr-liana-saif>)
2. Medicine/Magic of the Imams: Traditions of Healing among Early and Medieval Shi'a (14 January 2021); Adam Bursi (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2021/01/lussi-lecture-with-dr-adam-bursi>)
3. LUCIS Annual Conference | Approaching Shi'i Islam in the Academy | 14 & 15 November 2018 <https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/11/lucis-annual-conference-approaching-shi%CA%BFi-islam-in-the-academy>
4. Normalising the Study of Shi'ism: Shi'i Contributions to the Formation of Islamic law; Robert Gleave (University of Exeter)
5. Domesticating Shi'i Islam: Notes from an Outsider; Ab de Jong (Leiden University)
6. Female Religious Authority in Shi'i Islam; Mirjam Künkler (Swedish Collegium for Advanced Study)
7. Approaching the study of Shi'i texts: rethinking the use of form, function and content; Gurdofarid Miskinzoda (Institute of Ismaili Studies)



□ دینداری و فضیلت در تعالیم امام علی علیه السلام: خطبه‌ها و سخنان نهج البلاغه، طاهره قطب‌الدین (دانشگاه شیکاگو)؛^۱

□ بیوه‌های کربلا: مطالعه زنان در تشیع معاصر، ادیت زانتو (دانشگاه آمریکایی عراق)؛^۲

□ درباره یکپارچگی تشیع در مطالعه تاریخ خلافت کلاسیک اهل سنت، دبوراه تور (دانشگاه نوتردام)؛^۳

□ تفسیر ائمه: مشکلات و فرصت‌های مطالعه متون حدیثی شیعه، ادموند هیوز (دانشگاه لایدن)؛^۴

□ الگوهای شیعی پس از هجرت در اروپا، ماتیس ون دن بوس (دانشگاه لندن، بیرکبک)؛^۵

• کنفرانس تاریخی سازی مجموعه حدیثی شیعه^۶

این کنفرانس با توجه به این حقیقت که مطالعه احادیث شیعه توجه بسیار بیشتری را نسبت به آنچه تاکنون به آن پرداخته شده می‌طلبد، برگزار می‌شود. در این کنفرانس، ویژگی‌های مجامع حدیثی شیعه (اثنا عشری، زیدیه، اسماعیلی و...) و همچنین پیوندها و شکاف‌های آنها با مجموعه‌های حدیثی که توسط دیگر روایات مسلمان حفظ شده است، بررسی می‌شود. محور این کنفرانس، دوره‌ای است که در ابتدا مجامع حدیثی شیعه در آن شکل

1. Piety and Virtue in the Teachings of Imam 'Alī: Sermons and Sayings in the Nahj al-Balāgha; Tahera Qutbuddin (University of Chicago)
2. The Widows of Karbala: Studying Women in Contemporary Shi'ism; Edith Szanto (American University of Iraq)
3. On the Integrality of Shi'ism to the Study of the History of the Classical Sunni Caliphate; Deborah Tor (University of Notre Dame)
4. Interpreting the Imams: the Problems and Opportunities in Studying the Shi'i Hadith Corpora; Edmund Hayes (Leiden University)
5. Shiite Patterns of Post-Migration in Europe, Matthijs van den Bos (University of London, Birkbeck)
6. Historicizing the Shi'i hadith Corpus (Leiden, 24-26 June, 2020)
(<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2022/09/lucis-international-conference-historicizing-the-shi%CA%BFi-hadith-corpus>;
<https://www.universiteitleiden.nl/en/news/2020/01/conference-call-for-papers-historicizing-the-shi%CA%BFi-hadith-corpus>)



گرفت و تشریح شد؛ از این رو، به مشارکت‌های مربوط به سال‌های ۷۰۰ تا ۱۲۵۰ م. می‌پردازد. این کنفرانس در سپتامبر ۲۰۲۲ م. برگزار شد و افرادی چون بلال العباس، حسن انصاری، آدموند هیز، سیف‌الدین کارا، کمیل راجانی، دویین استوارت، متیو تریر، روی ویلوزنی^۲ و جورج وارنر^۳ در آن سخنرانی کردند.

• کنفرانس اسلام و فرگشت

این کنفرانس در تاریخ پنجم و ششم جولای ۲۰۲۱ م. به صورت آنلاین برگزار شد. یکی از محورهای مورد توجه همایش، دستیابی به دیدگاه مذاهب مختلف اسلامی از جمله شیعه اثناعشری، اسماعیلی، اشعری و دیگر مذاهب نسبت به نظریه فرگشت (تکامل) بوده است.^۴

• سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اسماعیلیه^۵

این کنفرانس توسط برنامه ابتکار مطالعات شیعی با مدیریت آهاب بیدوی در سال ۲۰۲۱ م. به صورت آنلاین انجام شده است. دکتر علی عسگر علییهای، استادیار مدعو تاریخ اسلام و فرهنگ مادی (دانشگاه تگزاس - دالاس)،^۶ دکتر دانیل بین، استادیار تاریخ و مطالعات دینی (دانشگاه نظربایف)،^۷ دکتر الیشیا کومینس، عضو فوق دکترا (دانشگاه اتاوا)^۸ و سید زیدی (دانشگاه اموری)^۹ کمیته سازماندهی این کنفرانس بودند. از جمله محورهای این کنفرانس عبارتند از:

• مطالعات فرهنگی؛

• باطنی، هرمنوتیک و غیبت؛

1. Mathieu Terrier (Centre nationale de la recherche scientifique)
2. Roy Vilozy (University of Haifa)
3. George Warner (Ruhr University Bochum)
4. <https://www.universiteitleiden.nl/en/news/2021/01/lussi-call-for-papers---islam-and-evolution>
5. Third International Ismaili Studies Conference (2021) Program & Registration (<https://www.universiteitleiden.nl/en/news/2021/03/cfp-third-international-ismaili-studies-conference>)
6. Dr. Ali Asgar Alibhai, Visiting Assistant Professor of Islamic History and Material Culture (University of Texas - Dallas)
7. Dr. Daniel Beben, Assistant Professor of History & Religious Studies (Nazarbayev University)
8. Dr. Alyshea Cummins, Post-Doctoral Fellow (University of Ottawa)
9. Syed Zaidi, Doctoral Candidate (Emory University)



- ادبیات عبادی؛
- تاریخ (اجتماعی، سیاسی و ادبی)؛
- توسعه نهادی؛
- روابط بین ادیان و یا بین فرهنگی؛
- تاریخ فکری؛
- تعاملات درون مسلمانان و درون شیعیان؛
- مطالعات خوجه؛
- رسانه و ارتباطات؛
- مهاجرت، دیاسپورا و فراملی‌گرایی؛
- سیاست؛
- مناسک دینی؛
- مطالعات دینی و اعتقادی؛
- توسعه اجتماعی - اقتصادی؛
- الهیات، فلسفه و متافیزیک (توصیفی و سازنده).
- سمینار
- سمینار شیعه و قرآن: منشأ اسلام بین آخرالزمان و امپراطوری، دکتر امیر معزی؛^۱
- سمینار مکه باید با آتن چه کار کند؟ زبان وحی در رساله‌های اخوان‌الصفاء و دیگر متون اسماعیلیه، دکتر عمر علی د-اونگازا؛^۲
- سمینار نقش روح‌القدس در تفسیر فیض کاشانی، دکتر امین احتشامی؛^۳
- سمینار آخرالزمان و معادشناسی در دوره آغازین اسلام، دکتر جامل ولجی؛^۴

1. 'The Shi'ites and the Qur'an: The Origins of Islam between Apocalypse and Empire' (Leiden, 30.10.19); Professor Mohammed Ali Amir-Moezzi (École Pratique des Hautes Études) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2019/10/workshop-lussi-shiite-and-quran>)
2. What does Mecca have to do with Athens? The Language of Revelation in the Epistles of the Ikhwan al-Safar' and other Ismaili Texts(27 November 2019); Omar Ali-de-Unzaga (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/201911//lussi-seminar-with-omar-ali-de-unzaga>)
3. The Role of the Holy Spirit in Fayd Kashani's Exegesis(9 11 December 2019); Amin Ehteshami (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2019/12/lussi-seminar-with-amin-ehsheshami>)
4. Apocalypticism and Eschatology in Early Islam with Jamel Velji(14 April 2021) (<https://www>.



- سمینار نبوت بعد از محمد: شورشیان علوی آغازین در بستر باستان متأخر، دکتر موشق اساطریان؛^۱
- سمینار آخرالزمان و معادشناسی در دوره آغازین اسلام؛ دکتر دیوید کوک.^۲

کارگاه

- کارگاه آموزشی / دینداری شیعی: نظریه و مادیت از پیشامدرن تا پسامدرن، دکتر ادموند هیز و دکتر رادیکا گپتا؛^۳
- این کارگاه آموزشی توسط دکتر ادموند هیز و دکتر رادیکا گپتا مدیریت و طراحی شد و در آن موضوعات متعددی توسط کارشناسان بحث و بررسی شد که برخی از آنها به شرح زیر است:
- توجیه (دفاع) شیخ انصاری از ظن در عبادات: امارات فقهی، احکام واقعی و ظاهری و مراحل شکل‌گیری احکام، احمد اربابون؛^۴
 - تأویل اسماعیلیه از مناسک دینی: کتاب الرضاع فی الباطن جعفر بن منصور الیمن و تفسیر او از نماز، فارس گیلون؛^۵
 - بازدید از راه دور: توسعه و اهمیت زیارت از راه دور در شیعیان اثناعشری، جورج وارنر؛^۶

[universiteitleiden.nl/en/events/2021/04/lussi-seminar-apocalypticism-and-eschatology-in-early-islam-with-jamel-velji](https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2021/04/lussi-seminar-apocalypticism-and-eschatology-in-early-islam-with-jamel-velji)

1. Prophecy after Muhammad: the Early Alid Rebellions in a Late Antique Context with Mushegh Asatryan (12 May 2021) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2021/05/lussi-seminar-apocalypticism-and-eschatology-in-early-islam-with-mushegh-asatryan>)
2. Apocalypticism and Eschatology in Early Islam with David Cook (17 March 2021) (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2021/03/lussi-seminar-apocalypticism-and-eschatology-in-early-islam-with-david-cook>)
3. Early-career workshop | Shi'i Piety: Theory and Materiality from Premodern to Postmodern | 16 November 2018; Organized by Edmund Hayes and Radhika Gupta (<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/2018/11/shi%CA%BFi-piety-theory-and-materiality-from-premodern-to-postmodern>)
4. Ahmad Arbaboun, Leiden University, "Murtaḍā al-Anṣārī's Justification of Conjectural Worship: legal signals, real and apparent rulings, and the stages of law's formation"
5. Fàrès Gillon, CNRS, Ismaili ta'wīl of religious rites: Ġa'far b. Maṣṣūr al-Yaman's Riḍā' fī al-Bātin and his interpretation of prayer"
6. George Warner, SOAS, "Visiting from a Distance: The Development and Significance of Remote Ziyāra in Twelver Shī'ism"



□ تقویت خونخواهی به عنوان تقوای جدید: شواهدی از تشیع قرن اول تا دوم هجری،
حسن الخویی^۱.



سایر رادیکا گپتا^۲

رادیکا گپتا دکترای خود را در انسان‌شناسی اجتماعی با تمرکز بر حوزه دین در دانشگاه آکسفورد به پایان رساند. بررسی سیاست تعلق و مکان‌سازی در میان مسلمانان شیعه ساکن در امتداد مرزهای مورد مناقشه هند و پاکستان در کارگیل (کشمیر) از جمله پژوهش‌های مطالعاتی وی است. پروژه دوم وی به بررسی اقتصاد سیاسی زندگی مذهبی در هند می‌پردازد. دکتر

گپتا در این پژوهش در میان مسلمانان شیعه در بمبئی تحقیقاتی را در زمینه فضای مقدس، بشردوستی و رسانه‌های مذهبی انجام داده است. او در مرکز مطالعات مدرن هند دانشگاه گوتینگن آلمان نیز به عنوان پژوهشگر فعالیت داشته است.^۳ از وی آثار متعددی در زمینه مطالعات اسلامی و دینی براساس منطقه شبه قاره و قومیت‌های اسلامی صورت گرفته که برخی از آنها در عرصه شیعه بدین قرار است:

- جستجوی دانش از گهواره تا گور: شبکه‌های یادگیری شیعی در هند؛^۴
- آزمایش‌هایی با انقلاب خمینی در کارگیل: شبکه‌های شیعی معاصر بین هند و آسیای غربی؛^۵

1. Hasan al-Khooie, SOAS, UK "Fulfilling Vengeance as the New Piety: The Evidence from 1st-2nd/7th-8th century Shi'ism
2. Radhika Gupta
<https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/radhika-gupta#tab-2>
3. Research Fellow (2013-2017), Centre for Modern Indian Studies, Goettingen University, Germany
4. Gupta R. (2017), Seeking Knowledge from the Cradle to the Grave: Shi'i Networks of Learning in India. In: Jaffrelot C., Louer L. (Eds.) Pan-Islamic Connections: Transnational Networks Between South Asia and the Gulf. London: Hurst and Co.
5. Gupta R. (2014), Experiments with Khomeini's Revolution in Kargil: Contemporary Shi'a Networks



• بیعت و بیگانگی: پویایی مرز در کارگیل^۱

خداداد رضاخانی^۲



تاریخ دان و تاریخ‌نگار دوران اواخر باستان ایران، آسیای غربی و مرکزی، پژوهشگر و استاد تاریخ مؤسسه مطالعات ایران و خلیج فارس در دانشگاه پرینستون.^۳

جهت‌گیری مجدد ساسانیان: شرق ایران در اواخر باستان، انتشارات دانشگاه ادینبرو، ۲۰۱۷ م.^۴ و رویدادنامه خوزستان به زبان فارسی^۵ از جمله آثار وی هستند.

گابریل فن دن برگ^۶



گابریل فن دن برگ، مدرس ارشد دانشگاه در تاریخ فرهنگی آسیای مرکزی و ایران در دانشگاه لایدن و محقق اصلی پروژه NWO VICI ترک‌ها، متون و قلمرو: تولید فرهنگی و ایدئولوژی امپراطوری در اوراسیای مرکزی است. او زبان و فرهنگ فارسی را در دانشگاه لایدن و در دانشگاه دوشنبه تاجیکستان خواند. زمینه‌های پژوهشی او شامل ادبیات فارسی و

between India and West Asia, *Modern Asian Studies* 48(2): 370-398.

1. Gupta R. (2013), *Allegiance and Alienation: Border dynamics in Kargil*. In: Gellner D. (Ed.) *Borderland Lives in Northern South Asia*. Durham: Duke University Press.
 2. Khodadad Rezakhani
 3. <https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/khodadad-rezakhani#tab-1>
 4. *Reorienting the Sasanians: East Iran in Late Antiquity*. Edinburgh: Edinburgh University Press 2017. Honourable Mention: E. Yarshater Book Award, 2018.
 5. *The Anonymous Syriac Chronicle known as 'the Chronicle of Khuzistan', Persian. Translation and historical marginalia (with Sajad Amiri)*, Tehran: Sina, 1395/2016.
 6. Gabrielle van den Berg
- <https://www.universiteitleiden.nl/en/staffmembers/gabrielle-van-den-berg/publications#tab-4>



تاریخ ایران و آسیای مرکزی است. او به‌ویژه در مورد روایات شفاهی اسماعیلیان بدخشان تاجیک و سنت خطی شاهنامه مطالبی را منتشر کرده است. وی همچنین در برنامه ابتکار مطالعات شیعی با آهاب بیدوی همکاری‌های متعددی داشته است. ادبیات کلاسیک فارسی، به‌ویژه شاهنامه و سنت حماسی ایرانی، شمایل‌نگاری در رابطه با ادبیات، بلاغت و جنبه‌های فرم و اجرای شعر کلاسیک فارسی در زمینه‌های معاصر، تاریخ آسیای مرکزی و ایران، به‌ویژه جهان ترک - فارس ۱۰۰۰-۱۶۰۰، سنت نسخ خطی فارسی و سنت‌های شفاهی بدخشان تاجیکی، زبان‌های پامیر و ادبیات تاجیکی قرن بیستم از جمله موضوعات و مباحث مورد علاقه وی است که آثار و فعالیت‌هایش پیرامون آنها بوده است. گابریل همچنین در زمینه مطالعات شیعی نیز در بحث ادبیات و شعر فارسی و شیعی با مطالعات شیعی دانشگاه لایدن همکاری کرده است.

افزون بر فعالیت‌های شیعی انجام‌شده توسط مراکز نام‌برده در دانشگاه لایدن، برخی از دانشکده‌ها و مراکز دیگر این دانشگاه نیز به‌صورت پراکنده فعالیت‌هایی را در زمینه مطالعات شیعی انجام می‌دهند که از آن جمله، کارگاه آموزشی «لایدن در علوم سیاسی: چرا ستیزه‌جویی شیعه نمی‌میرد؟»^۱ و ارائه سخنرانی باعنوان «فهم کشمیر» است.

1. Leiden workshop in Political Science: Why Shia militancy won't die
<https://www.universiteitleiden.nl/en/events/202203//leiden-workshop-in-political-science-why-shia-militancy-wont-die>



جریان‌شناسی امامت‌پژوهی در جهان معاصر در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی

چکیده

جریان‌شناسی امامت‌پژوهی و یا امام‌شناسی را می‌توان به جریان‌ات کهن و ریشه‌دار و پاره‌ای از جریان‌های جدید در دوره معاصر تقسیم کرد. در پیشینه تاریخی تشیع به ویژه در تشیع امامیه با چهار رویکرد یا جریان امامت‌پژوهی مواجه هستیم که این چهار جریان از همان قرون نخستین در عصر حضور به تدریج شکل گرفته و تاکنون امتداد پیدا کرده است و امروز هم طرفدارانی دارد. به عبارتی قطب‌های امامت‌پژوهی تشیع عمدتاً برخاسته از این چهار جریان هستند. البته برخی از دانشمندان شیعه نگاهی ترکیبی دارند و به نوعی بین بعضی از جریان‌ات با یکدیگر جمع کرده و یک تفسیر متفاوت ترکیبی ارائه می‌کنند. جریان محدثان یا تفسیرو حیانی از امامت، جریان متکلمان، جریان فیلسوفان و در نهایت جریان یا رویکرد عرفانی صوفیانه به امامت، چهار جریان اصلی امامت‌پژوهی را شکل می‌دهند. این چهار جریان هر چند آغاز همزمانی نداشتند ولی امروز هر کدام نمایندگان را در تفکر شیعه دارند.

واژگان کلیدی: امامت‌پژوهی، شیعه، جریان‌شناسی، جریان متکلمان، جریان محدثان.



ضمن تشکر از حضرت‌تعالی که دعوت دوفصلنامه «معرفت شیعه» را پذیرفتید. لطفاً برای شروع بحث به صورت کلی جریان‌های موجود در زمینه امامت‌شناسی را بفرمایید.

جریان‌شناسی امامت‌پژوهی و یا امام‌شناسی را می‌توان به جریان‌های کهن و ریشه‌دار و برخی جریان‌های جدید در دوره معاصر تقسیم کرد. در پیشینه تاریخی تشیع به ویژه در تشیع امامیه، با چهار رویکرد یا جریان امامت‌پژوهی مواجه هستیم که از همان قرن‌های نخستین در عصر حضور به تدریج شکل گرفته و تاکنون امتداد پیدا کرده است و امروزه هم طرفدارانی دارد. به عبارتی، قطب‌های امامت‌پژوهی تشیع عمدتاً برخاسته از این چهار جریان هستند. البته برخی دانشمندان شیعه، نگاهی ترکیبی دارند و به نوعی بین بعضی از جریان‌ها با یکدیگر جمع کرده و تفسیر ترکیبی متفاوتی ارائه می‌کنند. اگر بخواهیم این چهار جریان را به ترتیب تاریخی و شکل‌گیری نام ببریم، اولین جریان «محدثان» یا تفسیر وحیانی و درون‌متنی از امامت است. سپس جریان «متکلمان» و بعد از آن، «تفسیر فلسفی» از امامت شکل می‌گیرد که از حدود قرن پنجم هجری آغاز می‌شود و در نهایت رویکرد «عرفانی صوفیانه» به امامت است که از قرن ششم و هفتم صورت‌بندی می‌شود. این چهار جریان هرچند آغاز همزمانی نداشتند، ولی امروزه هرکدام نمایندگان را در تفکر شیعه دارند.

دو جریان منحرف‌شده؛ غلات و مقصره

پیش از ورود به بررسی این چهار جریان و معرفی برخی از مهم‌ترین شخصیت‌های آنها، یادآوری می‌کنم که دو جریان دیگر در تشیع در عرصه امامت شکل گرفت که هرچند در درون تشیع و بین اصحاب امامیه ریشه داشتند، اما به تدریج منحرف شدند و در دوره‌های بعد اساساً به عنوان جریان‌های اصیل شیعی به حساب نیامدند. این دو جریان، یکی جریان «غلات» و دیگری «مقصره» هستند. جریان غلات شخصیت‌های معرفی دارند و حرکت‌هایی هم در قرون نخستین ایجاد کردند که از آن جمله «مغیریه»، «بیانیه» یا «خطابیه» هستند. جریان غلات در نقطه مقابل جریان مقصره است که گاهی به عنوان «بتریه» از آنها یاد می‌شود و یا جریان تندروتری به نام «سلیمانیه» نیز در این گروه قرار دارند که اینها نیز از خطوط جداشده از جریان تشیع اصیل بودند.

نیک می‌دانیم که ویژگی غلات این بود که به مقامات بشری ائمه علیهم‌السلام اکتفا نمی‌کردند و برای آنها اوصاف الوهیت قائل بودند؛ یا به عبارت دیگر، مقاماتی برای آنها قائل بودند که در



حوزه انسانی و خلقی نمی‌گنجید و از این رو، از سوی مذاهب اسلامی طرد شدند. اما جریان مقصره کسانی بودند که به ویژگی‌ها و صفات اصلی نظریه امامت شیعی معتقد نبودند. مقصره، بت‌ریه و سپس سلیمانیه جریان‌هایی بودند که دو ویژگی و باور اصلی داشتند که آنها را از تفکر امامیه جدا می‌کرد؛ نخست اینکه در کنار اعتقاد به حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام، به خلافت شیخین هم (ولو بالعرض) اعتقاد داشتند. آنها می‌گفتند چون حضرت با خلافت آنها مقابله نکرده است، پس می‌توان به نوعی خلافت آنها را به تبع خلافت امام علی علیه السلام پذیرفت. دوم آنکه اوصاف اصلی امامان شیعی همچون عصمت و علم ویژه امام را باور نداشتند. این دو جریان به سرعت از جامعه شیعه کنار گذاشته شدند؛ اما تقریباً می‌توان گفت که بر دو فرقه بزرگ تشیع تأثیر گذاشتند. جریان غلات بر اسماعیلیه اثر گذاشت و امام‌شناسی اسماعیلیه را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار داد؛ هرچند نمی‌توانیم اسماعیلیان را غالیان به معنای اصطلاحی آن بدانیم، اما در اندیشه و دیدگاه‌هایشان بسیار از باطنی‌گری خط غلو متأثر بودند. از سوی دیگر، فرقه زیدیه در تشیع، متأثر از جریان مقصره است. اساساً در تاریخ، اسلاف زیدیه با جریان بت‌ریه یکی شمرده می‌شوند. مثل حسن بن صالح بن حی، علی بن صالح و یا کثیره النواء که از بزرگان خط فکری بت‌ریه هستند و امروزه به عنوان سرآمدان و پیشگامان جریان زیدیه نیز شمرده می‌شوند.

جریان محدثان

از بین چهار جریان اصلی امامت شیعی، جریان محدثان از همان قرن اول آغاز می‌شود و اوج آن از اوایل قرن دوم، یعنی دوران امامت امام باقر علیه السلام است. جریان متکلمان مربوط به نیمه‌های قرن دوم است و تقریباً می‌توان گفت از سال‌های ۱۴۰-۱۶۰ ق. شاهد ظهور متکلمان امامی در عرصه امامت هستیم.

البته جریان محدثان که نماینده رسمی و عمومی معارف اهل بیت علیهم السلام هستند، از همان آغاز امامت امیرالمؤمنین علیه السلام نمایندگانی دارد و اصحاب بزرگ آن حضرت در واقع نماینده جریان محدثان در امامت‌شناسی هستند. شکل‌گیری این جریان را می‌توان به اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم مربوط دانست. دو رویکرد یا دو خرده‌جریان در درون خط محدثان شکل می‌گیرد که یکی تفسیر باطن‌گرایانه یا عمیق‌تر از حوزه امامت را به تصویر می‌کشد. این خرده‌جریان، بیشتر مقامات متعالی اهل بیت علیهم السلام را برجسته می‌کند و تفسیر متعالی‌تری



از جنبه‌های زمینی و نقش‌های این جهانی ائمه علیهم‌السلام را ارائه می‌کند. شخصیت‌هایی چون جابر بن یزید جعفی، مفضل بن عمر و محمد بن سنان معروف‌ترین نمایندگان این جریان در دوره نخستین هستند.

رویارویی این دو جریان در تاریخ، به دفعات گزارش شده است و از قرن چهارم به بعد گزارش‌های روشنی از این دو جریان مشاهده می‌شود؛ برجسته‌ترین نمونه آن گفتگویی است که میان عبدالله بن ابی‌یعفور و معلی بن خنیس در محضر امام صادق علیه‌السلام شکل می‌گیرد که این دو با همدیگر بر سر صورت‌بندی امامت گفتگو می‌کنند. در واقع هرکدام با یک تفسیر از امامت، خدمت امام صادق علیه‌السلام می‌آیند، درحالی‌که هر دو از اصحاب امام هستند. معلی بن خنیس خادم حضرت است و عبدالله بن ابی‌یعفور، یکی از محدثان بزرگ امام علیه‌السلام. آنها اندیشه و عقیده خود را عرضه می‌کنند و حضرت آنها را هدایت و راهنمایی می‌کند. این دو خرده‌جریان در تاریخ تشیع همیشه امتداد پیدا می‌کنند تا اینکه در مدرسه قم و در اندیشه کسانی مانند مرحوم کلینی و شیخ صدوق رحمهما به نوعی میان این دو خرده‌جریان تلفیق صورت می‌گیرد. پس از آن دو عالم بزرگوار، آنچه که در تفسیر محدثان از امامت داریم، این رویکرد تلفیقی و اعتدالی است که سعی می‌کند برداشت روشنی از مقامات و جنبه‌های متعالی اهل بیت علیهم‌السلام ارائه دهد که از اندیشه غالیان فاصله جدی داشته باشد. منتهی پیش از آن می‌توان گفت که یک شکاف و دوگانگی جدی بین این دو جریان وجود دارد و کسانی مانند مرحوم کلینی رحمهما که از نظر طریقت حدیثی به هر دو گروه منتسب هستند، سعی می‌کنند بین این دو جریان جمع نمایند.

می‌دانیم که جریان محدثان در قم اوج پیدا می‌کند، اما به تدریج به حاشیه می‌رود. در مدرسه حله با بزرگانی مانند سید بن طاووس یا حسن بن سلیمان حلی و امثال آن دوباره احیا می‌شود؛ اما دیری نمی‌پاید تا اینکه در جریان «اخباری‌گری» بیشتر نمود و ظهور می‌یابد و می‌توانید در تفاسیر روایی امامیه مثل تفسیر برهان نمونه‌ای از آن را ببینید.

البته در مدرسه اصفهان در عصر صفویه، بزرگ‌ترین نماینده این اندیشه، علامه مجلسی و شیخ حر عاملی رحمهما هستند. دیگرانی هم هستند؛ اما شاید امام‌شناسی علامه مجلسی رحمهما مهم‌ترین الگو و مدل تفکر امامتی محدثان باشد. ایشان در نگرش منظومه‌ای به معارف امامت در بین محدثان عصر خویش، بسیار ممتاز است و برخی از بدفهمی‌های خط غلورا



تصحیح و تعدیل می‌کند. در امتداد علامه مجلسی، جسته و گریخته در حوزه امامت‌پژوهی، شخصیت‌هایی از محدثان داریم که یکی از نمایندگان بزرگ آنها بعد از ایشان، مرحوم فتونی، صاحب ضیاء العالمین است که کتابی با رویکرد حدیثی ولی با قلم تحلیلی نوشته است. در دوره معاصر اگر بخواهیم نمایندگانی از این جریان را نام ببریم، کسی مانند نمازی شاهرودی در مکتب معارفی خراسان در حوزه مشهد، این جریان را نمایندگی می‌کند. سید اسدالله شقی، صاحب کتاب الامامة از دیگر شخصیت‌های بارز جریان محدثان است.

همان‌طور که روشن است، باورمندان به این رویکرد معتقدند که بهترین معارف امامتی را در قرآن و روایات می‌توانیم جستجو کنیم و هر تفسیری که امامت را بیرون از ثقلین ارائه دهد، یا تفسیر ناقصی از امامت است و یا به انحراف می‌رود؛ پس بهتر است بر سنت رسمی و حیانی تکیه کنیم و امامت و ابعاد آن را از دریچه آیات و روایات ببینیم. طبیعی است که در کنار استدلال‌های عقلی که کم‌وبیش در این سنت وجود دارد، عمده مستندات، آیات و روایات است. البته به تدریج هرچه پیش می‌رود، این جریان پخته‌تر و تحلیلی‌تر می‌شود و سعی می‌کنند از امامت منظومه واحد معرفتی را ارائه کنند. این در حالی بود که در گذشته بیشتر به نقل روایات پرداخته می‌شد. شاید در زمان مرحوم کلینی و قبل از آن، مرحوم بقری در کتاب محاسن و نیز مرحوم صفار در کتاب بصائر الدرجات، این منظومه‌نگری در بین محدثان در حوزه امام‌شناسی شکل گرفت. مرحوم مجلسی این بحث را بسیار گسترده‌تر ادامه داد و برخی از معاصران از فقها و متکلمان هم از این سنت بهره بردند و در بین آنها مدافعان جدی دارد.

آیا دو جریانی که شما آنها را خرده‌جریان در جریان محدثان دانستید در زمان حاضر وجود دارند؟ عرض کردم، از آنجایی که مرحوم کلینی تفسیر میانه‌ای بین این دو جریان ارائه داد، آن فاصله و گسست تقریباً از بین رفت و در بیان علامه مجلسی، این دوگانگی‌ها تا حدود زیادی تفسیر یگانه‌ای پیدا کرد.

آیا تفسیر باطن‌گرایان از امامت که آن را از خرده‌جریان در بین محدثان دانستید، با رویکرد عرفانی تفاوت دارد؟

باید به یاد داشته باشیم که تعبیر «تفسیرهای باطن‌گرایی» را مخالفان امامت به کار می‌برند. آنها بر این باورند که آنچه می‌گوییم، تفسیرهایی است از مقامات اهل بیت علیهم‌السلام که در



کلمات خودشان بروز یافته است. مثلاً پیرامون ولایت تکوینی و یا جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در عالم تکوین و تشریح، از ویژگی‌هایی صحبت می‌کنند که متکلمان یا نمی‌پذیرند و یا آن را در دستگاه کلامی خودشان راه نمی‌دهند؛ به همین خاطر گفته می‌شود که اینها باطن‌گرا هستند. خواهیم گفت که جریان عرفانی از این جریان تعالی‌گرای محدثانه متفاوت است. البته در دوره‌های بعد کسانی که دیدگاه صوفیانه یا عرفانی دارند، به این روایات تمسک و آنها را بر مبنای خود تفسیر می‌کنند. چنان‌که گفته شد، جابر بن یزید جعفی، مفضل بن عمر و محمد بن سنان سه شخصیت اسطوره‌ای این جریان (باطن‌گرایی حدیثی) هستند. روایات آنها که در مصادر اصلی امامیه نظیر بصائر الدرجات و کافی آمده و بزرگان ما هم بر عمده آنها صحه گذاشته‌اند، با روایات سایر اصحاب ائمه علیهم‌السلام همخوان است و اساس تفسیرهای عرفانی زیادی قرار گرفته‌اند. خط فکری غلو در قرن‌های بعدی و دوره معاصر، مثل نصیری‌ها و علوی‌ها هم خیلی به روایات این گروه استناد می‌کنند؛ البته نه به روایت اصلی، بلکه به قرائت‌ها و یا نسخه‌هایی که خود آنها از روایات جابر و مفضل دارند.



جریان متکلمان

تقریباً می‌توان گفت که شخصیت محوری و اسطوره‌ای جریان متکلمان در قرن دوم هجری، هشام بن حکم است. نظریه‌پردازی‌های او درباره شرایط و جایگاه امامت، مناظره‌های



بزرگی که او با مخالفان انجام می‌دهد، کتاب‌ها و آثار متعددی که در زمینه امامت نوشته و همین‌طور شاگردان فراوانی که در امامت‌پژوهی تربیت کرده است، نشان می‌دهد که ایشان نقش بسیار زیادی در تقویت و تفسیر این رویکرد دارد. البته در کنار هشام بن حکم، شخصیت‌های دیگری هم هستند؛ مثل مؤمن طاق و نیز هشام بن صالح که همه از متکلمان هستند و نظریه کلامی امامت را توسعه دادند. اما شاگردان هشام بن حکم در پیگیری پروژه کلامی بسیار سهم دارند. سلسله شاگردان او به یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان می‌رسد و امتداد پیدا می‌کند تا می‌رسد به مدرسه بغداد؛ یعنی خاندان نوبختی و سپس شیخ مفید رحمته‌الله در کنار کسانی مثل ابن ابی عقیل که متکلم امامی است و حسین بن جنید اسکافی.

شخصیت محوری مدرسه بغداد، شیخ مفید رحمته‌الله است که تقریباً میراث همه متکلمان را به‌علاوه اندیشه‌های روز آن زمان، یعنی اندیشه‌های معتزلی را کنار هم می‌گذارد و نظریه امامت را یکبار دیگر در قالب یک رویکرد کلامی بازسازی می‌کند. اهمیت هشام بن حکم و شیخ مفید در این دوره بلند تاریخی آنقدر است که می‌دانیم مخالفان از دیرباز وقتی که می‌خواستند امامت را نقد کنند و به‌گونه‌ای طعنه بزنند، نظریه امامت را گاه به هشام بن حکم نسبت دادند و گاهی هم به شیخ مفید. مثلاً می‌گویند مؤسس دیدگاه امامت در امامیه، هشام است. حتی از متأخرین کسانی مانند آلفرد مادلونگ، بعضی از نظریه‌های امامت را ساخته‌های هشام بن حکم می‌داند. در گذشته اگر به منابع اهل سنت نگاه کنید، شیخ مفید به‌عنوان مبدع امامت شیعی معرفی می‌شود. این شواهد نشان می‌دهد که این دو عالم شیعی بسیار در این زمینه نقش داشتند. شیخ مفید به‌خصوص با جریانی که توسط شاگردانش از جمله ابن براج، ابوالصلاح حلبی، سید مرتضی و شیخ طوسی رحمته‌الله راه انداختند، در حوزه امامت از این جهت کاملاً ممتاز هستند؛ به‌طوری که می‌توان گفت اندیشه امامت شیعی تا ظهور علامه حلی رحمته‌الله تقریباً زیر پر وبال دیدگاه شیخ مفید و شاگردش سید مرتضی رحمته‌الله امتداد پیدا می‌کند و آن‌چنان مؤثر است که حتی جریان‌های امامت‌شناسی را در ری و سایر مناطق شیعی تحت تأثیر قرار داده و الگوی تفکر شیعه در امامت برای قرن‌های بعدی می‌شود.

متکلمان همان دیدگاه و الگوی شیخ مفید و سید مرتضی در حوزه امامت را اندکی بیشتر



توسعه و پرورش می‌دهند و می‌توان گفت که ما هنوز در زمینه امامت کلامی، مرهون این دو قطب بزرگ امامت‌پژوهی هستیم (مدرسه بغداد و مدرسه حله) و بعدی‌ها در حوزه کلام هنوز مسئله جدید و عمده‌ای بر دستاوردهای آن دو مدرسه نیفزوده‌اند و همان سنت دارد به شکلی ادامه پیدا می‌کند.

از شخصیت‌های دوره‌های اخیر در امامت‌پژوهی کلامی، علامه میرحامد حسین لکنه‌وی نیشابوری رحمته‌الله است که می‌توان گفت قهرمان مطالعات امامت‌پژوهی در دو قرن گذشته است و بسیاری از امامت‌پژوهان، رهین کارهای او و اساتیدش مثل سید دلدار علی نقوی هستند. بزرگان مدرسه لکنه‌وی از نظر سنت علمی و رویکرد کلامی، تغییری در ادبیات امامت ایجاد نمی‌کنند، ولی کار بزرگ آنان در توسعه امامت، این است که در حوزه امامت خاصه که اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است، روش‌های جدیدی را به کار می‌گیرند و در شیوه‌ها و الگوها تنوع ایجاد می‌کنند و موسوعه‌های بزرگ امامتی ایجاد می‌نمایند؛ ولی از سنت کلامی خارج نمی‌شوند و تقریباً چارچوب جدیدی را هم برجای نمی‌گذارند.

بعد از میرحامد حسین، اگر بخواهیم به یک شخصیت بزرگ در رویکرد کلامی اشاره کنیم، علامه امینی رحمته‌الله است که ایشان هم در همین سنت حرکت می‌کند. در کنار حرکتی که علامه امینی آغاز می‌کند، تلاش‌های بزرگان آل مظفر ستودنی است؛ به‌ویژه مرحوم شیخ محمدحسن مظفر، صاحب دلائل الصدق یا اخوی ایشان شیخ محمدحسین مظفر، صاحب کتاب علم الامام. خاندان مظفر در حوزه امامت‌پژوهی کلامی در دوره معاصر بسیار خوب و عمیق تلاش کردند و البته ناشناخته مانده‌اند. در کنار آنها، خاندان صدر را به عنوان کسانی که در این زمینه کار کردند، می‌توان نام برد؛ هم سید محمد صدر و هم مرحوم شهید محمدباقر صدر.

به‌طور کلی مدرسه نجف در عرصه کلامی در دوره معاصر پیشگام بوده است و در این رویکرد، گوی سبقت را از حوزه ایران ربوده است. اگر قرار باشد حوزه‌های تشیع در دوره معاصر در صد سال گذشته را مقایسه کنیم، سهم حوزه نجف در عرصه امامت‌پژوهی کلامی بی‌نظیر است؛ چون خراسان معاصر، بیشتر نماینده جریان حدیثی در حوزه امامت‌پژوهی است و قم هم به‌ویژه بعد از ورود علامه طباطبایی رحمته‌الله و با حضور کسانی مانند مرحوم شاه‌آبادی و رفیعی قزوینی دیدگاه فلسفی و یا فلسفی - عرفانی در امامت را نمایندگی می‌کند.



رویکرد غالب تفسیری در مدرسه ری چگونه است؟

مدرسه ری اساساً حدیثی - تفسیری است؛ اما وقتی شما آثار اینها را در حوزه امامت می‌بینید، نه تنها رویکرد سید مرتضی در آنجا کاملاً وجود دارد، بلکه تعاریف و ادبیات او تأیید و تأکید می‌شود. ابن شهر آشوب (با وجود اینکه محدث بزرگی است) و حتی قطب راوندی به شدت از ادبیات امامتی سید مرتضی در مدرسه بغداد متأثرند و گاهی اوقات به صورت تلفیقی آثار خود را می‌نگارند؛ یعنی یک بخش آن عیناً ادبیات بغداد را منعکس در بخش دیگر، سامانه‌ای از آیات و روایات را برای امامت بیان می‌کند. غیر از این محدثان متکلم، کسانی هستند که شاگردان بغدادی هستند؛ مثل مقرئ نیشابوی که او اساساً خود، سردمدار اندیشه بغداد در ری بود. از آنها که بگذریم، کسانی مانند طبرسی‌ها هستند که هرچند محدث هستند، اما کاملاً از ادبیات امامتی بغداد متأثرند. برای مثال، اگر شما مجمع البیان را مطالعه کنید، در بیشتر مواضع مربوط به امامت، دقیقاً با التبیان شیخ طوسی رحمته الله علیه که از دانشمندان بغدادی است، یکسان است. اینها همپا و هم‌نفس با ادبیات بغدادی قرآن را تفسیر می‌کنند. در تفسیر ابوالفتوح هرچند محدث است، اما جا به جا با آرای بغدادیان در حوزه امامت همراه است.

جریان فلسفی

جریان فلسفی در امامت به‌طور مشخص از زمان فارابی شروع می‌شود. اینکه فارابی شیعه بوده و یا غیر شیعه، بحث دیگری است؛ اما آنچه او از «مدینه فاضله» - و به تعبیر او از حکیم حاکم به‌عنوان رئیس مدینه - تفسیر می‌کند، تفسیری است که همگام با رویکرد شیعه تلقی شده است. هرچند نظریه فارابی با امامت شیعی فاصله‌هایی دارد و برخی از سخنانش با اندیشه شیعه سازگار نیست، اما چارچوب و روح حاکم بر نظریه فارابی آن‌چنان با امامت شیعی همسویی نشان داده است که بسیاری از محققان معاصر از مورخان عرب و مورخان غربی گفته‌اند که فارابی نظریه امامت شیعی را در فلسفه افلاطونی ارسطویی تثریزه کرده است و معتقدند که اساساً ریشه نظریه مدینه فاضله او، امامت شیعی است. معتقدیم که ریشه‌های مدینه فاضله در آثار افلاطون و ارسطو وجود دارد و آنها سرچشمه نزدیک‌ترین نظریه هستند؛ اما نمی‌شود انکار کرد که فارابی تا حدود زیادی از اندیشه امام‌محور شیعه در مدیریت اجتماعی متأثر بوده است.



به دنبال فارابی، ابن سینا است که او هم به شیعه‌گری متهم است و اسماعیلی‌گری پدرش را شاهد می‌آورند. اینکه در جاهایی خودش نشان داده است که معتقد به افضلیت امیرالمؤمنین علیه السلام است هم یک عامل دیگری است برای اینکه ادبیات امامت در اندیشه ابن سینا به تشیع نزدیک شود. می‌دانیم که تئوری ابن سینایی تا حدود زیادی و نظریه فارابی تا اندازه‌ای در مدرسه حله رسماً جزء ادبیات شیعه می‌شود. یعنی متکلمان ما از علامه حلی تا شاگردان ایشان به خصوص فاضل مقداد، در آثار خود از جمله در *لوامع الهیه* و در شرح باب حادی عشر، به‌طور رسمی آثار فیلسوفانی چون ابن سینا را می‌آورد و به‌عنوان بخشی از ادله نظریه امامت شیعی توضیح می‌دهد. در دوره‌های بعد، این دو دیدگاه کلامی و فلسفی تلفیق می‌شوند و یک صورت‌بندی واحد ارائه می‌شود؛ مثلاً در اندیشه کسانی مانند فیاض لاهیجی، امامت فلسفی با امامت کلامی کاملاً درهم می‌آمیزد.

این تلفیق در چه برهه زمانی انجام می‌شود؟

این رویکرد نخست در شخصیت‌هایی چون ابن ابی‌الجمهور احسائی و تا اندازه‌ای در مدرسه شیراز مشاهده می‌شود، ولی به‌طور مشخص در دوره شاگردان ملاصدرا اتفاق می‌افتد. چهره شاخص آن، فیاض شاگرد و داماد صدرا المتألهین است. بعد از ملاصدرا افراد بسیاری هستند که وقتی از امامت کلامی سخن می‌گویند، از آرای فیلسوفان هم استفاده می‌کنند. این نظریه براساس «انسان مدنی بالطبع» است که برای رفع نیازمندی‌هایش به مشارکت جمعی انسان‌ها احتیاج دارد. این تبیین همان نظریه سیاسی ارسطویی است که بعد از آن در اندیشه ابن سینا به مفهوم امامت تغییر پیدا کرده و در سنت کلامی و فلسفی ما رشد می‌کند.

آیا این دیدگاه در دوران ما هم قائلانی دارد؟

این دیدگاه در عصر ما هم نمایندگان داشته و دارد و شاید بشود مرحوم مصباح یزدی و آیت‌الله جعفر سبحانی را نام برد. یک نمونه دیگر آن، دکتر مهدی حائری یزدی است؛ زیرا تفسیر ایشان هم از امامت، فلسفی است.

جریان عرفانی

جریان چهارم را هم معرفی می‌فرمایید؟



جریان چهارم که جریان عرفانی است، به طور مشخص در تاریخ منتسب می‌شود به شخصیت گمنامی به نام «سید حیدر آملی» که مشخص نیست اساساً استاد او کیست و از چه سلسله‌ای از اندیشمندان شیعی بهره گرفته است. آنچه می‌دانیم، این است که او اولین شارح رسمی شیعی آثار ابن عربی است و به صورت تفصیلی آراء و اندیشه‌های وی را شرح و بسط داده است. اندیشه ابن عربی سه مؤلفه اصلی دارد که هنگام ورود به تشیع، به مؤلفه‌های نظریه عرفانی امامت شیعه تبدیل می‌شوند. نخستین مؤلفه، مفهوم «ولایت» است. در تفسیر عارفانه، یک انسان می‌تواند تجلی و جلوه‌گاه تمام صفات الهی باشد و از این جهت ممتاز بشود. تعبیر «قطب» یا انسان کامل در عرفان نشانگر این جایگاه از راهبری معنوی است. مسئله «فناء فی الله» و «بقاء بالله» هم از مؤلفه‌های امام‌شناسی عرفانی است. این مفاهیم از دریچه ابن عربی تفسیر می‌شود و از طریق سید حیدر آملی یا قبل از آن، کسان دیگری خیلی جزئی وارد ادبیات شیعی می‌شوند و کم‌کم آن‌چنان طرفدارانی پیدا می‌کنند که در دوره‌هایی با عنوان یک قرائت رسمی از امامت قلمداد می‌شود. بعدها کسانی در مدرسه شیراز در توسعه این اندیشه مؤثر هستند؛ ابن ابی‌جمهور احسائی در این تبیین و تلفیق آن با کلام مؤثر است. شارحان شیعی آثار ابن عربی در دوره معاصر، بزرگانی از جمله مرحوم استاد حسن‌زاده آملی رحمته‌الله و استاد آیت‌الله جوادی آملی؟ حظ؟ و شخصیت‌هایی از این دست، این اندیشه را دنبال می‌کنند.

آنچه گفته شد، تبیینی از چهار جریانی بود که هنوز هم در حوزه تشیع وجود دارند و در حال کارکردن هستند.

آیت‌الله جوادی آملی غلبه فلسفی ندارند؟

بیشتر به سمت عرفان تمایل دارند. اساساً باید بگوییم که علامه طباطبایی و برخی شاگردان ایشان، یک مکتب تلفیقی فلسفی - عرفانی دارند. خود علامه در آثار فلسفی به سمت نظریه فلسفی امامت و در آثار عرفانی مثل رساله الولاية به سمت نظریه عرفانی تمایل پیدا می‌کنند.

حضرت امام رحمته‌الله به کدام یک از این چهار رویکرد تمایل داشتند؟

اگر قرار باشد آثار مکتوب ایشان را در نظر بگیریم، مانند علامه مصباح باید بگوییم که به گرایش عرفانی متمایل بودند؛ ولی اگر آثار فقهی ایشان از جمله ولایت فقیه را در نظر بگیریم، یک رویکرد کلامی - فقهی است.



آیا دوره معاصر با همین چهار جریان ادامه پیدا کرده است و یا رویش‌ها و شکل‌های جدیدی در جریان‌های امامت‌پژوهی شکل گرفته است؟

در دوره معاصر در درون جامعه شیعی، دو جریان جدید برمی‌خیزد که تا حدودی از نگره شیعه فاصله می‌گیرند؛ اما به هر حال طرفدارانی پیدا می‌کنند؛ یکی جریان تجدید نظر طلبانه‌ای است که تلاش می‌کند با یک تفسیر حداقلی از امامت، به سراغ آن اندیشه برود. ریشه‌های این جریان تجدید نظر طلبانه به نهضت مشروطه و در واقع آزادی خواهی در ایران و ورود جریان‌های روشنفکری برمی‌گردد. کسروی و حکمی‌زاده، صاحب کتاب اسرار هزار ساله از افراد افراطی در درون این جریان هستند؛ همچنین کسانی مانند سید اسدالله خرقانی و محمد حسن شریعت سنگلجی نیز در این طیف قرار می‌گیرند. آنها تلاش می‌کنند که ابعاد ماورایی شخصیت ائمه علیهم‌السلام را انکار و نقد کنند و شخصیت دنیوی آنها را برجسته نمایند؛ به خصوص آن بخش از شخصیت ائمه علیهم‌السلام که با تفکر مدرنیته بیشتر همراهی و همخوانی دارد که عبارت باشد از اندیشه‌های اخلاقی، معنوی و تا حدودی خلافت سیاسی؛ البته نه به شکل نظریه نصب و یا باور به امام حاکم؛ بلکه با نگاه مشروعیت بخشی به امام از طریق مردم که با دموکراسی و حقوق بشر سازگار است. این جریان سعی می‌کند که یکبار دیگر امامت شیعی را بر این اساس بازخوانی کنند.

جریان دوم به رویکرد تجددگرایانه برمی‌گردد که آن هم به نوعی متأثر از غرب جدید است. این جریان پس از دوره روشنفکران اول و در نسل روشنفکران دوم که با ظهور مارکسیسم و سوسیالیسم در غرب همزمان است، شکل می‌گیرد و تلاشی است برای نشان دادن جایگاه انقلابی امامان و انقلابی‌گری شیعه و تشویق و تحریض جامعه جوان شیعی بر اساس الگوهای چپ‌گرایانه از امامت. شخصیت مشهور این جریان، دکتر علی شریعتی است. تقریباً همه گروه‌های انقلابی دهه چهل و پنجاه شمسی از این دیدگاه متأثر هستند و تلاش می‌کنند تفسیری نوگرایانه و انقلابی از امامت ارائه دهند. با مسامحه می‌توان چهره‌هایی از درون حوزه مانند آقای صالحی نجف‌آبادی را هم جزو این جریان دانست. اینها و همه کسانی که با اندیشه‌های تند انقلابی همراه هستند، سعی می‌کنند از تاریخ ائمه علیهم‌السلام و نظریه امامت تفسیری مبارزه طلبانه، جهادگرایانه، طرفدار تغییرات انقلابی و تحولات اساسی در جامعه ارائه دهند و معمولاً امام در تفسیرهای آنها، رهبری ایدئولوژیک و انقلابی است. در همین



چارچوب است که بین ائمه علیهم‌السلام و مثلاً چگوارا و دیگر شخصیت‌های انقلابی مقایسه‌هایی صورت می‌گیرد.

این دو جریان به انقلاب اسلامی منتهی می‌شود و در آن هم تأثیر می‌گذارند؛ ولی پس از انقلاب اسلامی تقریباً این دو تفسیر به شکل حال و حاضرش کم‌رنگ می‌شود. ارتباط این دو جریان با حوزه علمیة قم و تهران ماجرای بسیار گسترده‌ای است و پژوهش‌هایی هم در این زمینه انجام شده است که خوب است علاقه‌مندان مراجعه کنند؛ از جمله در کتاب آقای رسول جعفریان با عنوان جریان‌های سیاسی و اجتماعی شیعه در ایران.

در کنار این جریان‌های کهن و این دو جریان جدید، حوزه مطالعات استشراق هم مورد توجه است که به تدریج در عرصه امامت هم در حال گسترش است.

آیا می‌توانید شخصیت‌هایی را در این دو جریان نام ببرید؟

اگر بخواهیم نمونه‌های معاصر جریان تجدید نظرطلب را که گاهی به آنها «سلفی‌های ایرانی» یا «وهابیت وطنی» هم می‌گویند، معرفی کنیم، می‌توان از ابوالفضل برقی، سید مصطفی طباطبایی، قلمداران، غروی اصفهانی یا شعار تبریزی نام برد. این افراد را می‌شود نمونه‌های بارز جریان اول دانست. جریان روشنفکری انقلابی هم همین کسانی که تا زمان انقلاب و حتی در آغاز انقلاب از اندیشه‌های شریعتی دفاع می‌کردند، اینها نمونه‌هایی از این دست هستند؛ افرادی مانند حبیب‌الله پیمان، کاظم سامی و...

غرب (استشراق) و امامت‌پژوهی

همان‌طور که می‌دانید، اساساً شیعه‌پژوهی در حوزه خاورشناسی جریانی بسیار جدید است و تا دهه ۷۰ میلادی، مجموعه ادبیات شیعه‌پژوهی در غرب انگشت‌شمار است. البته چند کتاب وجود دارد؛ اما مثلاً وقتی شما به کتاب دونالدسون و کتاب‌های نظیر آن نگاه می‌کنید، بیشتر اینها مطالعات جغرافیایی و جمعیت‌شناسی و آن‌هم نه ناظر به شیعه‌پژوهی، بلکه بیشتر ناظر به مناطق شیعی است؛ یعنی به معنای دقیق کلمه یک نوع ژئوپلیتیک‌شناسی شیعه است.

آیا قرائت این خاورشناسان از اسلام، قرائت اهل سنت نیست؟

بله، همین‌طور است؛ یعنی هر جا اسلام‌شناسی گفته شده و هر جا از مؤلفه‌های اسلام



صحبت کردند، عمدتاً مستندات اهل سنتی دارد. به یک تعبیر می‌شود گفت که تا دهه هفتاد میلادی برای غربی‌ها، اساساً موجودیتی به نام شیعه وجود ندارد. کسانی که در این زمان کار می‌کردند، سفیران یا مستشارانی بودند که در ایران حضور داشتند؛ مثلاً فردی کاردار انگلیس در ایران است و به تناسب شغلش شروع می‌کند اطلاعاتی را می‌نویسد و عرضه می‌کند؛ و یا کسی در بغداد مسئولیتی دارد و به علاقه خود وارد این بحث‌ها می‌شود؛ اما به هر حال هرچه هست، تک‌نگاری‌های خیلی پراکنده است و مطالعات کلاسیک روشمند در باب تشیع تا دهه هفتاد میلادی تقریباً وجود ندارد. پس از انقلاب اسلامی، مذهب شیعه برای دنیای غرب مسئله جدیدی شد. گروهی که تا قبل از آن تصور می‌شد یک فرقه و اقلیت رو به اضمحلال است، ناگهان به محوری برای حرکت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌شود. از اینجاست که شیعه‌شناسی برای غرب شکل می‌گیرد و ادبیاتی در این خصوص تولید می‌شود.

از منظر بحث ما، یعنی جریان مطالعات در حوزه امامت، می‌توان مدعی شد که امامت‌شناسی و امامت‌پژوهی در عرصه شیعه‌پژوهی هم مقوله جدیدی است. اگر قرار باشد بین موضوعاتی که برای شیعه‌پژوهان غربی مهم قلمداد شده است مقایسه کنیم، امامت جزو آخرین موضوعاتی است که ذهن آنها را درگیر کرده است. درعین حال به نظر می‌رسد که به دلیل اینکه آنها کم‌واقف می‌شوند که مقوله امامت جنبه محوری در فرهنگ و تفکر شیعه دارد، ادبیات امامت‌پژوهی روز به روز گسترش پیدا می‌کند.

موضوعات پیش‌تر از امامت چه بوده‌اند؟

مطالعات اولیه شیعه‌پژوهان یا در حوزه قرآن‌پژوهی یا در زمینه فقه و مؤلفه‌های فقه شیعی است و یا در عرصه تاریخ تشیع یعنی اصالت و هویت شیعه. بخش بزرگی از این پژوهش‌ها برمی‌گردد به مطالعه منشأ پیدایش تشیع و یا شخصیت‌های بزرگ شیعی؛ یعنی کارکردن بر روی امثال شیخ مفید، علامه حلی و دیگران؛ و بعدها وارد مطالعه شخصیت‌های بزرگ حدیثی ما مثل صدوق، کلینی، صفار و برقی شدند. اما اینکه امامت به عنوان یک موضوع محوری مورد بحث قرار بگیرد، این به تدریج در حال شکل‌گیری است.

در زمینه امامت‌پژوهی در غرب و مطالعات خاورشناسان، چه رویکردهایی وجود دارد؟

اگر قرار باشد یک تقسیم‌بندی یا رویکردشناسی در این زمینه داشته باشیم، به نظر سه رویکرد



مطالعات امامت‌پژوهی را در غرب می‌توان تشخیص داد؛ یکی حوزه بحث‌های مطالعات تاریخی است، برای کسانی که از روش‌های تاریخی سراغ مباحث امامت آمدند؛ چنان‌که در سایر حوزه‌ها هم این روش‌های تاریخی معمول و متداول و در اینجا هم به‌کار رفته است. شخصیت‌هایی مانند ژوزف فان اس، مونتگومری وات، ویلفرد مادلونگ و شاگردان ایشان مثل خانم اشمیتکه، این نگاه تاریخی را دنبال می‌کنند. چنان‌که جناب آقای مدرسی طباطبایی هم متأثر از همین نگاه و رویکرد است.

نوع دوم از مطالعات، مطالعات پدیدارشناختی است. منظور از مطالعات پدیدارشناختی، کسانی هستند که وارد ادبیات علمی شیعه به‌خصوص روایات شیعه شدند و تلاش کردند تا از دریچه متون حدیثی وارد شده از اصحاب ائمه علیهم‌السلام و در متون رجالی و امثال آن به شیعه‌شناسی بپردازند. این افراد تلاش کرده‌اند تا امامت شیعه و آنچه در شیعه رایج است را از درون متون شیعی و با یک نگاه پدیدارشناسانه استخراج کنند. شاید مهم‌ترین شخصیتی که در این زمینه کار کرده است، اتان کلبرگ باشد. او اولین فرد از محققان غربی است که مستقیم وارد متون اصلی شیعه می‌شود، ادبیات روایی شیعه را بازخوانی و سعی می‌کند مؤلفه‌های اصلی آن را در قالب مقالات تولید کند. تقریباً حجم زیادی از ادبیات ناظر به متون اصلی و اولیه شیعه را او گزارش کرده است. البته ایشان شاگردانی دارد و کسانی هستند که این پروژه را (به‌خصوص تا جایی که می‌دانم بیشتر در زمینه شیعه‌پژوهی اسرائیل) دنبال می‌کنند.

نوع سوم، زمینه مطالعات باطن‌گرایانه در امامت شیعی است. این رویکرد را ابتدا هانری کربن کلید زد. او به‌تعبیر خودش، در عرفان شیعی که اصیل‌ترین لایه تشیع است، متمرکز شد؛ ابتدا از سید حیدر آملی شروع کرد و سپس وارد شخصیت‌های بعدی شد؛ به ملاحظه را پرداخت و نهایتاً به شاعران بزرگ شیعی بازگشت. اینها کسانی هستند که از این دریچه امامت را دنبال می‌کنند. قبل از او، نیکولسون در عرفان شیعه وارد شد. کار اصلی او تصوف بود؛ اما ظاهراً پروژه ایشان به هر دلیلی به جایی نرسید و در حد چند مقاله و یا سمینار تمام شد و از خود او چیزی ندیدیم. رویکرد وی هم عرفان صوفیانه بود. البته افراد دیگری مانند ویلیام چیتیک آمدند و این کار را در عرصه عرفان شیعی ادامه دادند. امروز مهم‌ترین نماینده این نوع مطالعات در امتداد مطالعات کربن، محمدعلی امیرمعزی است که این رویکرد



را مجدداً برجسته و زنده کرده است و شاگردانی را نیز در این زمینه تربیت می‌کند. البته لازم به ذکر است که یکی از کارهایی که ایشان می‌کند، برخلاف هانری کربن که عمدتاً به میراث عرفانی و صوفیانی می‌پرداخت، دو جهت جدید را به این حوزه‌ها وارد کرده است؛ یکی بازگشت به میراث حدیثی امامیه است و خوانش این میراث با نگاه باطن‌گرایانه و دوم، احیای جریان‌های غالبانه یا استناد به میراث خط غلو و تفسیری متناسب با همان نگره‌های باطن‌گرایانه عرفانی. محور اصلی پایان‌نامه دکترای ایشان با عنوان «راهنمایان الهی»، کتاب بصائر الدرجات صفار است؛ چون معتقد است در بین محدثانی که آثار امامتی آنها مانده است، صفار اصیل‌ترین نگره‌ای است که در تاریخ تشیع وجود داشت و دیگر نگره‌ها، حتی نگره‌های کلینی و صدوق تحت تأثیر عوامل بیرونی هستند. از نظر او، اگر بخواهیم نزدیک‌ترین قرائت شیعی به امامت را پیدا کنیم، باید سراغ بصائر صفار برویم. البته ایشان وقتی بصائر را هم می‌خواند، تحت تأثیر ادبیات غلات و نصیریّه این متون را قرائت می‌کند. یعنی پس‌زمینه ذهن ایشان دو چیز است؛ یکی تفسیر غالبانه از امامت که سنت کهنی است که فقط در نصیریّه و علوی‌های معاصر باقی مانده است و دوم، تفسیرهای عرفانی است که در سنت هانری کربن پژوهش شده است. این دو مقوله را ایشان معیار قرار می‌دهد و وارد ادبیات حدیثی و تاریخی دوران تشیع می‌شود و سعی بر خوانش آن دارد. او این چنین به امامت باطن‌گرایانه غالبان رسمیت می‌بخشد.

کتاب بصائر به چه زمانی برمی‌گردد؟

صفار از مشایخ و استاد کلینی است. تقریباً می‌توان گفت که ۶۰ الی ۷۰ درصد ادبیات «کتاب الحجّة» کافی اعم از روایات، عناوین و ابوابش مرهون بصائر الدرجات است.

جهان عرب و امامت‌پژوهی

آیا در جهان عرب و فضای اهل سنت نیز جریان امامت‌پژوهی وجود دارد؟

این سؤال یادآوری خوبی بود. پیرامون امامت شیعی اثر خاصی نداریم. در دهه شصت و هفتاد میلادی در کنار مطالعات کلام اسلامی و کلام شیعی و نیز مطالعات فلسفه اسلامی، در زمینه امامت شیعی نیز مجموعه مطالعات خوبی در «الازهر» شروع شد و عده‌ای به مطالعات امامت شیعی روی آوردند؛ اما شاید تحت تأثیر فاصله‌ای که بین ایران و مصر ایجاد شد یا به دلیل نفوذ تأثیرگذار جریان‌های وهابیت و سلفیه در مصر یا به هر دلیل دیگری، این



سلسله مطالعات ادامه پیدا نکرده است. در مقابل، یک جریان مطالعه انتقادی افراطی آغاز شد که از درون حوزه سلفی شروع می‌شود؛ چه آنهایی که به‌طور وسیع در دانشگاه «مدینه» و «ام‌القری» عربستان پایان‌نامه‌هایی را در مقاطع مختلف در نقد امامت شیعی نوشتند و چه آثاری که در حوزه عربی - آفریقایی نوشته می‌شود، مثلاً در حوزه مراکش، امامت شیعی نقد می‌شود یا در سودان چند نفر از اساتید آنجا اساساً متصدی نقد امامت شیعی می‌شوند. آن جریان اعتدالی علمی الازهر، عملاً جای خود را به این جریان تندرو داده است که هنوز هم ادامه دارد.

غیر از این حرکت انتقادی که حمایت‌ها از آن مشخص است که از ناحیه خاصی صورت می‌گیرد، شاهد جریان مطالعاتی امامتی نیستیم. البته جریان دیگری در زمینه روشنفکری عرب وجود دارد که به نوعی از بحث‌های شیعه‌پژوهی غربی متأثر است. این جریان بر منشأ تشیع و به‌طور کلی ریشه‌های شکل‌گیری فرق اسلامی، از جمله فرق شیعه کار می‌کند. این جریان سعی می‌کند ریشه‌های تشیع را به آیین‌های گنوسی و یا به تفسیرهای غالیانه و یا تأثیرات قومی و قبیله‌گی در ایران قدیم برگرداند.

آیا اینها عملاً تکرار همان دیدگاه‌های ضد شیعی است؟

عمدتاً تکرار آنهاست؛ ولی تفاوتش در این است که برخلاف غربی که غالباً به این ظرایف تاریخی تشیع ورود ندارد، اینها سعی می‌کنند که وارد متون کلامی و متون تاریخی شیعه شده و زوایای تاریک تاریخ تشیع را هم دنبال کنند.

لطفاً از چهره‌های این جریان هم نام ببرید.

سه چهار نفر این رویکرد را دنبال کرده‌اند که یکی از آنها، محمد جابری است که در نقد عقل عربی خود بخشی از آن را به این بحث اختصاص داده است. افراد دیگری هم وارد این فضا شده‌اند؛ اما اینجا نمی‌شود گفت که ادبیات علمی کاملاً برجسته‌ای شکل گرفته باشد.

آینده‌پژوهی امامت‌شناسی

آیا می‌توانیم نوعی آینده‌پژوهی از امامت‌پژوهی به خصوص با رویکرد غربی آن داشته باشیم؟ بله؛ فکر می‌کنم مسئله امامت هم در درون آکادمی رسمی شیعه هم در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های رسمی و هم در کانون آکادمی‌های شیعه‌پژوهی در حال یک حضور جدی



است؛ هم در قالب‌های سنتی و هم در حوزه مطالعات جدیدش. در عرصه مطالعه امامت، در نخبگان جامعه شیعی حرکت‌های تجدیدنظرطلبانه در دو سوی تفسیر باطنی و معنوی از امامت و یا تفسیر ظاهری و حداقلی از امامت ایجاد شده است. به نظر در آینده نزدیک شاهد یک ادبیات امامت پژوهی دیگری باشیم. احتمالاً ابزارها و روش‌شناسی‌های آن با نوع نگاهی که در دوره معاصر وجود داشته است، متفاوت باشد.

در دو دهه آینده یقیناً یکی از نقطه‌های تمرکز مطالعات شیعی در غرب، مباحث امامت خواهد بود و این به یک معنا هشداری به جامعه علمی شیعه است که به استقبال این بحث برود و سعی کند زمینه‌های گفتگو و ارتباط علمی قوی را با این پژوهشگران ایجاد کند. اگر این اتفاق نیفتد و از طرف ما دست مشارکتی جهت همکاری‌های علمی داده نشود، قطعاً محافل علمی و اندیشه‌های دیگران هست که تأثیرگذار باشند و جریان امامت پژوهی غربی را سوق دهند؛ زیرا همه می‌دانیم که آنها هم از نظر قدرت سیاسی و هم از نظر قدرت مالی از ما قوی‌تر هستند. پس امامت پژوهی قطعاً در دو سه دهه آینده یکی از موضوعات اصلی مطالعات است.

همان‌طور که مستحضر هستید، در پژوهش‌های امروزی غربی‌ها، «مرجعیت» یکی از موضوعات مهم است؛ آیا موافق هستید که در پژوهش‌های آنها مقوله امامت می‌تواند ارتباط معناداری با مرجعیت پیدا کند؟

بله؛ همین‌طور است. در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، عمده مطالعات غربی‌ها در ساحت سیاسی است؛ یعنی عمدتاً دنبال پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شیعه هستند. هرچه زمان می‌گذرد، به تدریج وارد فقه شیعه می‌شوند و فقه و حقوق شیعه را بررسی می‌نمایند؛ چون حس می‌کنند از این جهت خیلی مهم است که زیرساخت‌ها را مورد پژوهش قرار دهند. کم‌کم سراغ نظریه‌هایی مانند مرجعیت، ولایت فقیه و امثال اینها می‌روند که باز هم با رویکرد سیاسی است. امامت به دلیل جنبه زیرساختی که نسبت به جامعه شیعه و نهادهای شیعی دارد، الان مورد توجه است؛ یعنی بسیاری از افرادی که در حال حاضر در زمینه امامت پژوهش می‌کنند، عمدتاً سراغ همین نکته می‌روند. یک نقل قول وجود دارد که ظاهراً مستند هم هست و چند نفر نقل کرده‌اند؛ مبنی بر اینکه هانری کربن وقتی که حرکت و نهضت انقلابی امام خمینی علیه السلام را شنید و پس از آن، انقلاب به پیروزی رسید، کلا پروژۀ خود را کنار گذاشت و از آنچه اتفاق افتاد بسیار غصه دار بود؛ زیرا



تلقی هانری کربن این بود که ولایتی که شیعه قبول دارد، ولایت باطنی است و به دنبال تقویت آن ولایت باطنی، معنوی و متعالی و به یک معنا، حذف رویکردهای خلافت سیاسی بود و از آنجا او می‌خواست پروژه تشیع را به نفع معنویت‌گرایی جدید غربی تفسیر کند. درست مشابه آنچه غرب با بودیسم، هندوئیسم و کنفوسیوسیسم کرد و البته همین کار را با باستان‌شناسی ایران و جریان زرتشت کرد.

واقعیت این است که غربی‌ها همزمان با مطالعات باستان‌شناسی ایران و شرق‌شناسی، به سراغ تصوف، شاعران و میراث سنتی ما رفتند و به یکباره حجم بسیار زیادی از مطالعات و پژوهش‌ها در این خصوص انجام شد؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین تصحیح متون عرفانی ما را غربی‌ها انجام دادند. بسیاری تحلیل‌شان این است که اساساً نوع مطالعات غربی در خصوص تصوف ایران و تصوف شرقی که انجام داده‌اند، پروژه‌ای بود برای بازخوانی غربی از میراثی که درون مایه ایرانی و شرقی داشته است. هانری کربن با این نگاه وارد جهان تشیع می‌شود که هم میراث باطن‌گرایانه شیعه را برجسته کرده و یک تفسیر باطن‌گرایانه از تشیع ارائه کند و هم بتواند این میراث را به غرب منتقل کرده و به قول خودش، خلأ معنویت غرب را با آن جبران نماید. اما وقتی اینها متوجه می‌شوند که امامت شیعی یک لایه دیگری هم دارد، فقط لایه باطنی نیست و لایه ظاهری خلافت و امامت در کشور ما زنده است، از موضع و تصمیم خود عقب می‌کشند؛ زیرا این، همان بُعدی است که برای آنها به نوعی خطرناک است. لایه خلافت سیاسی و امامت سیاسی برایشان دلچسب نیست؛ بلکه به عنوان یک آلترناتیو برای پروژه سیاسی غرب به آن می‌نگرند. یعنی عملاً می‌خواهند و ترجیح می‌دهند که این بخش از امامت را کنار بگذارند و یا به یک معنای دیگری بشناسند. من فکر کنم نه تنها الان، بلکه در آینده هم غرب بر روی این بخش سرمایه‌گذاری کند.



تحول تاریخی مفهوم ولایت در سده‌های نخستین اسلامی

مقایسه مفهوم ولایت نزد شیعه و صوفیه

گزارشی از کتاب:

**Walāya in the Formative Period of
Shi'ism and Sufism, A Comparative Analysis**

Shayesteh Ghofrani, First published 2023, by Routledge

کامران محمدحسینی^۱

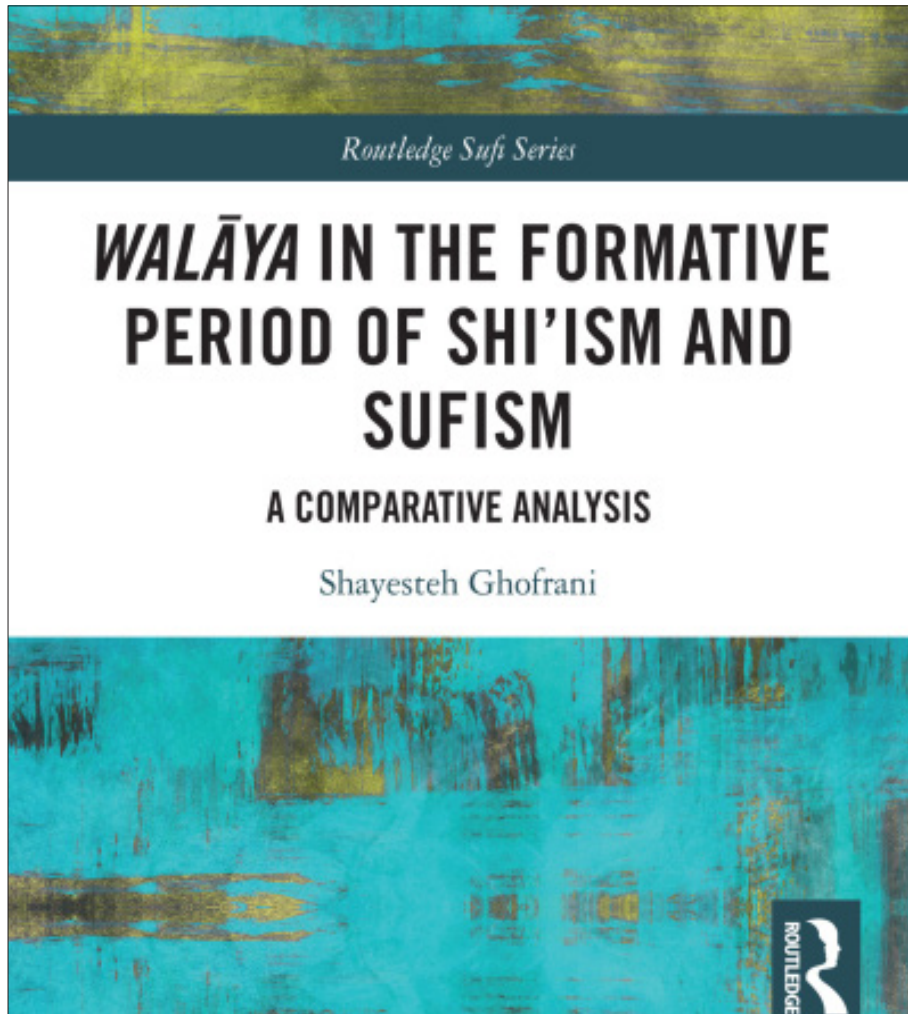
چکیده

کتاب «ولایت در عصر شکل‌گیری تشیع و تصوف» بر مقایسه شیوه فهم شیعیان و صوفیان از مفهوم ولایت تمرکز کرده است. نویسنده ابتدا تطور تاریخی مفهوم ولایت را نزد شیعیان بررسی کرده و سپس همین مسیر را در آثار متصوفان پیش گرفته و در پایان کتاب فصلی را در تطبیق و مقایسه این دو گروه آورده است. عزیمت‌گاه اصلی نویسنده در تحلیل مفهوم ولایت چه در تشیع و چه در تصوف، مفهوم مرجعیت یا اتوریته است. از نظر نویسنده، مفهوم ولایت در ابتدا مفهومی سیاسی بود اما با گذشت زمان جنبه‌های متافیزیکی و کیهان‌شناختی یافت و معنای الهیاتی به آن افزوده شد. کتاب سلیم بن قیس هلالی، اولین کتابی است که مورد بررسی قرار گرفته است. دومین اثر شیعی، کتاب الايضاح فضل بن شاذان است. در کتاب الايضاح نیز مانند کتاب سلیم بن قیس برداشت سیاسی از مفهوم ولایت که منظور از آن جانشینی و خلافت پیامبر پس از وفات آن حضرت بود جایگاه مرکزی داشت. مفهوم ولایت در عصر غیبت از یک مفهوم صرفاً سیاسی کم‌کم به یک مفهوم الهیاتی با ابعاد متافیزیکی تبدیل شد. این اتفاقی بود که آغاز آن را در کتاب المحاسن برقی و تکامل آن را در کتاب الکافی کلینی می‌توان پی گرفت. نزد صوفیان نیز نظریه ولایت نوعی نظریه جانشینی پیامبر بود و آنچه برای صوفیان در کانون توجه بود بیشتر رهبری معنوی و دینی جامعه اسلامی بود. این کتاب تطور مفهوم ولایت را در سه اثر از آثار نخستین جریان تصوف اسلامی مطالعه می‌کند. نخست کتاب الصدق ابو سعید احمد بن عیسی الخراز (م. ۲۸۶ ق.م)، دوم کتاب تفسیر قرآن العزیز سهل التستری (۲۸۳ ق.م) و سوم کتاب سیره الاولیای الترمذی (۲۹۵ ق.م).

۱. پژوهشگر و دکتری تاریخ، دانشگاه تهران؛ k.mohammadhoseini@gmail.com



واژگان کلیدی: شیعه، صوفیه، ولایت، مرجعیت، حکومت



بدین سبب مذاهب دو گروه مزبور [اسماعیلیه و متصوفه] با یکدیگر درآمیخت و سخنان آنان به هم مشتبه شد و عقایدشان همانند گردید. در سخنان متصوفه موضوع اعتقاد به «قطب» پدید آمد و آن به معنای رئیس و بزرگ عارفان است. چنان‌که می‌پندارند تا هنگامی که قطب زنده است، ممکن نیست کسی به پایه او در معرفت نایل آید و پس از آنکه جان به جان آفرین تسلیم می‌کند، دیگری از اهل عرفان جانشین او می‌شود.



ابن سینا در فصول تصوف کتاب اشارات بدین معنا اشاره کرده و می‌گوید: آستان حق منزّه است از اینکه آبخوری برای هر آب جو باشد. ... گفتار مزبور عیناً همان عقاید رافضیان است درباره توارث امامان و بین چگونه طبایع این گروه عقیده مزبور را از رافضیان ربوده و بدان گرویده‌اند. سپس به ترتیب وجود ابدال پس از این قطب قائل‌اند، همچنان‌که شیعه به «نقیبان» قائل است. حتی ایشان هنگامی که لباس فرقه تصوف را برداشتند تا آن را یکی از اصول طریقه و مذهب خود قرار دهند، آن را به علی ع نسبت دادند و این هم از همان معناست (پیروی از رافضیان).^۱

شبهت یا نزدیکی برخی جنبه‌های اندیشه صوفیان و شیعیان امر پوشیده‌ای نیست؛ تاجایی که موضوع پژوهش‌های بسیاری قرار گرفته است. کتاب «ولایت در عصر شکل‌گیری تشیع و تصوف» نیز با هدف مقایسه شیوه فهم شیعیان و صوفیان از مفهوم ولایت، یکی از پژوهش‌هایی است که بر این موضوع تمرکز کرده است. ویژگی قابل توجه این کتاب، پیگیری تطور تاریخی مفهوم ولایت نزد شیعیان و صوفیان است؛ به این معنا که آنچه محل تحقیق است نه مفهوم ثابت و احتمالاً تکامل یافته‌ای از ولایت نزد تشیع و تصوف، بلکه شناخت مسیر تکامل و تحولی است که این مفهوم در سیر تطور تاریخی این دو گروه گذرانده است. تلاش نویسنده برای ترسیم تصویر پویایی از تحول تاریخی مفهوم ولایت، از جزئیات تاریخ اندیشه چه در تشیع و چه در تصوف نخستین پرده برمی‌دارد. لازم به ذکر است که یادداشت حاضر، گزارش کوتاهی از این کتاب است که صرفاً جهت آشنایی جامعه نخبگان با رویکردها و دیدگاه‌های آکادمیک غرب ارائه شده است. گزارش کتاب به منزله تأیید و پذیرش دیدگاه‌های ارائه شده در آن نیست. پژوهشگر و مسئولان دوفصلنامه بر این باورند که چنین مقالاتی زمینه را برای نقد علمی و ارائه پژوهش‌های علمی و کارشناسانه در بیان دیدگاه اصیل شیعی و اسلامی از سوی پژوهشگران مسلمان و داخلی فراهم می‌سازد.

کتاب ولایت در عصر شکل‌گیری تشیع و تصوف نوشته شایسته غفرانی^۲ را انتشارات راتلج در سال ۲۰۲۳ به چاپ رسانده است. این کتاب در اصل رساله دکتری نویسنده با راهنمایی رابرت گلیو^۳ است که در سال ۲۰۱۴ در دانشگاه اکستر^۴ از آن دفاع کرد. کتاب غیر از مقدمه

۱. ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۹۸۳

2. Shayesteh Ghofrani
3. Robert Gleave
4. Exeter



پنج فصل دارد:

- ولایت در تشیع آغازین
- توسعه مفهوم ولایت در تشیع آغازین
- ولایت در تصوف آغازین
- توسعه مفهوم ولایت در تصوف آغازین
- مطالعه تطبیقی مفهوم ولایت در تشیع و تصوف

محدوده زمانی مورد بررسی در این کتاب، به طور مشخص، دوران پس از وفات رسول خدا ﷺ - تا پایان سده سوم و اوایل سده چهارم قمری را دربر می‌گیرد. از میان آثار شیعی که مفهوم «ولایت» در آنها بررسی شده است، کتاب سلیم بن قیس هلالی قدیمی‌ترین کتاب است. کتابی که علی‌رغم گفتگوها درباره اصلت آن، به گفته نویسنده، متنی کهن از عقاید شیعی است که حداکثر در پایان عصر اموی یا ابتدای عصر عباسی نوشته شده است. این نخستین کتابی است که شاهد مستندی درباره فهم شیعه در آن زمان درباره مفهوم ولایت ارائه می‌کند. کتاب بعدی، الايضاح فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) می‌باشد. این دو کتاب پیش از عصر غیبت نوشته شده‌اند. دو کتاب دیگر که در این کتاب بررسی شده‌اند، آثاری است که پس از آغاز عصر غیبت به رشته تحریر درآمده‌اند؛ یکی در عصر غیبت صغرا بانام المحاسن نوشته احمد بن محمد خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) و دیگری در عصر غیبت کبرا با عنوان الکافی اثر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ ق) هستند.

نویسنده این کتاب از میان میراث تصوف در سده‌های نخست شکل‌گیری، مفهوم ولایت را در سه کتاب صوفیان با نام‌های الصدق اثر ابوسعید الخراز (م ۲۷۹ یا ۲۸۶ ق)، تفسیر قرآن سهل تستری (م ۲۸۳ ق) و سیره الاولیاء نوشته محمد بن علی ترمذی (م ۳۱۸ یا ۳۲۰ ق) بررسی کرده است.

وی ابتدا تطور تاریخی مفهوم ولایت را نزد شیعیان (در محدوده آثار پیش‌گفته) بررسی کرده و سپس آن را در آثار متصوفان واکاوی کرده است. در پایان کتاب نیز فصلی را در تطبیق و مقایسه این دو گروه آورده است. نویسنده کتاب تأکید می‌کند که شباهت‌های اندیشه ولایت در تشیع و تصوف، لزوماً به معنای انتقال و صدور یک مفهوم از یک دسته به دسته دیگر نیست؛ بلکه آنچه شباهت‌ها و تفاوت‌ها را می‌آفریند، شرایط اجتماعی و محیط فکری است



که این گروه‌ها در آن می‌زیستند.

نقطه عزیمت نویسندگان در تحلیل مفهوم ولایت - چه در تشیع و چه در تصوف - مفهوم «مرجعیت» یا «اتوریت» است. هردو گروه شیعه و صوفی بنابر برداشت نویسندگان، از رهگذر مفهوم ولایت به دنبال توضیح ویژگی‌های جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در عصر بعد از آن حضرت بوده‌اند. نظریه ولایت در حقیقت نظریه جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. چیزی که توضیح می‌داد، این بود که چه کسی می‌تواند مرجعیت سیاسی، دینی و معنوی جامعه مسلمانان را برعهده بگیرد. چنان‌که خواهیم دید، در طول حدود سه سده نخست هجری، برداشت شیعه و صوفیه از جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله تغییراتی داشت.

ولایت نزد شیعیان (از سیاست دنیوی تا رهبری متافیزیکی)

تصویری که نویسنده کتاب از تحول مفهوم ولایت در شیعه ارائه می‌دهد، به طور خلاصه چنین است: مفهوم ولایت در ابتدا مفهومی سیاسی بود. به این معنا که «ولی»، جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و مرجع دینی و سیاسی پس از او بود. اما با گذشت زمان، این مفهوم جنبه‌های متافیزیکی و کیهان‌شناختی آشکاری یافت و از معنای سیاسی آن کاسته و به معنای الهیاتی آن افزوده شد.

کتاب سلیم بن قیس هلالی از قدیمی‌ترین کتاب‌هایی است که مفهوم شیعی ولایت در آن بازتاب یافته است. نویسنده ضمن اشاره به اختلاف نظرهایی که درباره اصالت کتاب و کیستی نویسنده آن مطرح است، در نهایت معتقد است که این کتاب احتمالاً یکی از نخستین آثار به جامانده از شیعیان است که زمان تألیف آن، حداکثر به پایان عصر اموی و ابتدای عصر خلافت عباسی می‌رسد. در نتیجه این کتاب می‌تواند آینه‌ای از نخستین برداشت شیعی از ولایت باشد. در این کتاب، «ولی» به معنای جانشین سیاسی و دینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود و استدلال اصلی بر ولایت علی علیه السلام تأکید بر نص و انتخاب آن حضرت از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشت. سلیم بن قیس هلالی برای اثبات ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بر ماجرای غدیر خم و انتخاب او از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند. در این برداشت، مفهوم ولایت ارتباط و هم‌نشینی مستقیم با مفهوم «وصایت» داشت. به نظر نویسندگان، این مفهوم با فرهنگ قبیله‌ای جامعه عرب متناسب و تأثیرپذیر از این سنت عربی بود که جانشین فردی که در قبیله بزرگی و مرجعیت سیاسی یا معنوی داشت، به طور سنتی به فردی



از خاندان او منتقل می‌شد. همین برداشت از جانشینی و ولایت در زمان نگارش کتاب سلیم بن قیس غلبه دارد. امامت از طریق وصایت تعیین و در نسل امامان یکی پس از دیگری منتقل می‌شود. امام علی علیه السلام وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و هریک از امامان بعدی، وصی امام پیش از خود است. به ادعای نویسندگان، در کتاب سلیم بن قیس ماجرای غدیر خم نه همچون فرمانی الهی، بلکه بیشتر همچون اعلام و انتخابی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیم شده است. از این رو، در ادبیات این کتاب، منکران ماجرای غدیر خم و غاصبان حق علی علیه السلام با اینکه گناهکار بودند، اما به کفر متهم نشده‌اند. همین ویژگی نشان می‌دهد که مفهوم ولایت نزد سلیم بن قیس، با سیاست و خلافت در جامعه اسلامی گره خورده و کمتر به قلمرو ایمان مرتبط است.

دومین اثر شیعی که در این کتاب بررسی شده، الايضاح فضل بن شاذان نیشابوری است. در الايضاح نیز مانند کتاب سلیم بن قیس، برداشت سیاسی از مفهوم ولایت که منظور از آن جانشینی و خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از وفات آن حضرت بود، جایگاه مرکزی داشت. اما فضل بن شاذان برای اثبات ولایت امامان شیعه، تنها بر مفهوم وصایت و انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم اکتفا نکرد. او اساس دیگری را برای توجیه و اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام به کار گرفت که آن، علم ولی یا امام بود. ممکن است یکی از دلایل چنین رویکردی این باشد که در آن زمان، گروه‌های سیاسی دیگری جز اهل بیت علیهم السلام نیز بودند که ادعای خویشاوندی یا وصایت از پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح می‌کردند (عباسیان) و اکتفا به عنصر وصایت، شاید به تنهایی نمی‌توانست شیعه را بر رقبای خود برتری بخشد.

در نظر فضل بن شاذان چیزی که باعث می‌شد فردی مقام امامت یا ولایت داشته باشد، دانش ویژه‌ای بود که هیچ فرد دیگری به آن دسترسی نداشت. این دانش ویژه تنها از سوی پیامبر به علی علیه السلام و از او به امامان دیگر منتقل می‌شد. شیوه انتقال علم در کتاب الايضاح به وضوح روشن نمی‌شود؛ اما او از علمی سخن می‌گوید که در صحیفه موجود است. صحیفه‌ای که تنها نزد امامان است و معلوم نیست آیا یک کتاب واقعی است یا یک مفهوم نمادین. مسئله مهم این است که علمی که به امامان منتقل شده است، چیزی جز تفسیر قرآن نیست. نه تنها قرآن، بلکه حتی تفسیر آن نیز به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طریق وحی اعطا شده بود و همین تفسیر بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام منتقل کرد. از این منظر تنها مرجع فهم درست قرآن، علی علیه السلام و جانشینان او هستند. شایان توجه است که فضل بن شاذان



دخالت هرگونه عامل غیبی در انتقال علم به امامان را انکار می‌کند. او تصریح می‌کند که شیعه مدعی نیست که به امامان الهام می‌شود، بلکه آنچه علم امامان را متمایز می‌کند، همان علم پیامبر ﷺ است که به ایشان انتقال یافته است و این علم، چیزی جز تفسیر قرآن نیست. فضل می‌نویسد:

ما کان عنده [امام] الا ما فی کتاب الله لان کتاب الله یجمع العلم کله الذی یحتاج الیه الناس فی امر دینهم فکل ما کان فی الصحیفه فهو تفسیر لما فی کتاب الله^۱

فضل بن شاذان در زمانه‌ای می‌زیست که اهل سنت و جماعت در قلمرو فقه و تفسیر به رأی و نظر رو آورده بودند. علما جانشینان پیامبر اسلام ﷺ شناخته می‌شدند که می‌توانند بر اساس فهم خود از قرآن، دین را تفسیر و عرضه کنند. نظریه فضل بن شاذان دقیقاً در برابر چنین رویه‌ای قرار داشت. این نظریه هرگونه برداشت از دین غیر از مسیر پیامبر و ولی را نامعتبر می‌دانست. از این رو، فضل بن شاذان با الهام حتی در حیطه تفسیر نیز موافق نبود. الهام چیزی نبود که به امام اختصاص داشته باشد و ممکن است دیگران نیز مدعی دریافت الهام باشند. به همین دلیل، فضل از علم ویژه‌ای سخن می‌گفت که تنها در اختیار اهل بیت پیامبر ﷺ بود.

عصر غیبت

مفهوم ولایت در عصر غیبت از یک مفهوم صرفاً سیاسی، کم‌کم به مفهومی الهیاتی با ابعاد متافیزیکی تبدیل شد. این اتفاقی بود که آغاز آن را در کتاب المحاسن برقی و تکامل آن را در کتاب الکافی کلینی می‌توان پی گرفت. به گفته نویسنده، شاید در عصر غیبت، به بحث درباره اثبات امامت و وصایت نیازی نبود؛ چون این موضوع در جامعه شیعه پیش‌تر تثبیت شده بود. افزون بر آن، این ایده که امام تنها مرجع دینی جامعه اسلامی است و مرجعیت علمی و معنوی او به تحقق رهبری سیاسی اش وابسته نیست، قبلاً در عصر امام صادق ﷺ شکل گرفته بود.

برخی محققان برآنند که احمد بن محمد بن خالد برقی کتابش را در ابتدای عصر غیبت صغرا و در قم نوشته است. او در عصر سخت‌گیری‌ها بر شیعیان از بغداد به قم آمد. به نظر نویسنده، شاید قم محیطی بود که از قرارگرفتن امامان در مقام رهبری جامعه سیاسی آن

۱. ابن شاذان، الايضاح، ص ۲۰۶.



روزگار ناامید شده بود؛ از این رو، مفهوم ولایت در حال ورود از بعد زمینی و سیاسی به قلمرو کیهان شناختی بود و جایگاهی فرازمینی به خود گرفت. این تحول با ایجاد مفاهیم تازه که ویژگی‌های امام را توضیح می‌داد، نزد برقی و کلینی امکان پذیر شد. در این دوره، مخالفتی که پیش‌تر فضل بن شاذان با الهام اعلام کرده بود، کنار گذاشته شد. کلینی مدافع ایده الهام خاص به امامان برای انتقال علم الهی بود. بنابر نظر کلینی، علم الهی به وحی محدود نبود. بخشی از علم الهی در شب قدر بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد و همین رویه برای امامان نیز وجود داشت.

ولایت در کتاب المحاسن در بخش «کتاب الصفوة» مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش از کتاب المحاسن، از نوع خلقت خاص انبیا و امامان سخن گفته می‌شود و مفهوم ولایت با داستان آفریش پیوند می‌خورد. احادیثی در این بخش از کتاب نقل شده است که براساس آن، خداوند انبیا و امامان را از خاک مخصوصی از اعلالین آفرید. قلب مؤمنان نیز از همین خاک و باقی بدنشان از خاک‌های پایین‌تر آفریده شده است.

عنصر دیگری که در کتاب برقی به مفهوم ولایت پیوند می‌خورد، میثاق الهی بر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در عالم ذر و روز میثاق است. این دو عنصر در روایاتی به هم می‌پیوندند که در آنها تصریح شده است که خداوند مؤمن را از نور خود آفریده و از مؤمنان بر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام میثاق گرفت. حتی بر همین اساس، روایاتی در کتاب المحاسن وجود دارد که براساس آن، عدد شیعیان از زمان خلقت برای همیشه مشخص است و کسی با تلاش و کوشش به ردیف شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام در نخواهد آمد. براساس این روایات، هدایت با ولایت گره خورده است. ولایت تکلیفی نیست که مسلمان باید انجام دهد، بلکه حق یا لطفی است که خداوند بر مؤمنان حقیقی‌اش ارزانی کرده است. به این ترتیب، اعتقاد و شناخت ولایت تصمیمی ارادی نیست، بلکه فیضی است که خواست خدا که در وقایع عالم ذر ریشه دارد. همچنین در این کتاب است که نخستین بار ایمان با حب اهل بیت علیهم‌السلام مرتبط شده و این حب همچون یکی از ارکان ایمان مطرح شده است.

به نظر می‌رسد آنچه در عصر غیبت صغرا و کبرا (عصر زندگی برقی و کلینی)، برای جامعه شیعی اهمیت اساسی یافته بود، ایجاد تمایز محکمی بین شیعیان و غیرشیعیان و نیز طرح



مفاهیمی بود که به انسجام درونی بیشتر این گروه می‌انجامید. تأکید بر سرشت مشترک شیعیان و پیمان در روز ازل، آشکارا چنین کارکردی داشتند. مفاهیمی که شیعه را نه تنها از غیرشیعیان، بلکه حتی از دیگر گروه‌های اسلامی و حتی از دیگر انسان‌ها متمایز می‌کرد و از این گروه، تصویر قومی برگزیده می‌ساخت. به‌گفته نویسنده درحالی‌که شیعه در آغاز خود را همچون اقلیتی در جامعه مسلمانان می‌یافت، در این زمان ولایت امتیاز ویژه‌ای شناخته شد که خداوند تنها به گروهی از برگزیدگان خویش اعطا می‌کرد.

ولایت نزد صوفیه

ولایت نزد صوفیه، هرچند کمی دیرتر از شیعیان، ولی به سرعت در آثار صوفیان جا گرفت و نقشی اساسی در ترسیم سلسله مراتب معنوی ایفا کرد. صوفیان نیز نظریه ولایت را نوعی نظریه جانشینی پیامبر ﷺ می‌دانستند، ولی ویژگی‌هایی داشت که او را شایسته جانشینی آن حضرت می‌ساخت؛ جز اینکه آنچه برای صوفیان در کانون توجه بود نه رهبری سیاسی جامعه توسط ولی، بلکه بیشتر رهبری معنوی و دینی جامعه اسلامی بود. برداشت صوفیه از همین ویژگی‌ها بود که در طول زمان تحولاتی یافت.

این کتاب تطور مفهوم ولایت را در سه اثر از آثار نخستین جریان تصوف اسلامی مطالعه می‌کند؛ کتاب الصدق ابوسعید الخراز (م ۲۸۶ق)، کتاب تفسیر قرآن العزیز سهل التستری (۲۸۳ق) و کتاب سیره الاولیاء ترمذی (م ۲۹۵ق). همه این کتاب‌ها، در نیمه یا نیمه دوم سده سوم هجری قمری نوشته شده‌اند؛ با این حال، بین کتاب نخست و کتاب دوم و سوم تفاوت‌های مهمی در بحث از ولایت مشاهده می‌شود.

کتاب الصدق خراز، نخستین اثری است که به شکلی نظام‌مند از راه عرفانی برای دستیابی به قرب الهی سخن می‌گوید و سلسله مراتب سالکان این راه را ترسیم می‌کند. راهی که از نظر خراز از صفات اخلاقی صدق، صبر و اخلاص می‌گذرد. در تعریف او، ولایت بالاترین مراتب قرب الهی و بر علم متکی است؛ اما علم ولی، علمی نیست که خداوند به ولی اعطا یا الهام کرده باشد. خداوند نقش راهنما دارد؛ اما علمی به سالک نمی‌بخشد. از این رو، سلوک و رسیدن به عرفان، راهی است که برای همگان باز است و گزینشی در کار نیست. به عبارت دیگر، مقام ولایت نتیجه علم غیبی یا الهی نیست؛ بلکه نتیجه علم و فهم انسان از خداوند است.



مفهوم ولایت نزد سهل تستری با عناصر کیهان‌شناختی آمیخته می‌شود و به داستان آفرینش گره می‌خورد. در این ترسیم جدید بر نوع خاص آفرینش ولی و عهد خاص خداوند با او در روز میثاق تأکید شده است. به همین خاطر، میثاق ازلی در تصوف با مفهوم ولایت پیوند می‌خورد. خداوند در عهد روز الست از انسان‌ها پیمان فرمان‌برداری گرفته است؛ اما بیشتر مردمان - جز انبیا و اولیا - چنین عهدی را فراموش می‌کنند. خداوند با اولیا که در خلقت از نور محمدی پرتو گرفته‌اند، میثاق دیگری بسته است. میثاق آنها، یادآوری میثاق ازلی به انسان‌ها و ابلاغ امر و نهی الهی است. اولیا و انبیا در این وظیفه مشترک‌اند، جز اینکه انبیا وظیفه ابلاغ دین را نیز برعهده دارند. اولیا نیز به مانند انبیا از نوعی علم الهی برخوردارند. برداشت از علم نزد تستری نسبت به آنچه خراز بیان می‌کرد، تفاوت عمده‌ای دارد. خراز علم را نه اعطایی از سوی خدا، بلکه کسبی از سوی سالک می‌دانست. سالکی که به مرتبه آخر سلوک می‌رسید، علم و معرفتی از ذات الهی می‌یافت که او را در ردیف اولیا قرار می‌داد. اما اولیا نزد تستری - چنان‌که گفته شد - از پیش خلقت متمایزی دارند و از امتیاز اعطای علم از طریق الهام برخوردارند. به عبارت دیگر، اولیا نیز مانند پیامبران از نوعی وحی بهره‌مندند، اما وحی به پیامبر از طریق نزول فرشته صورت می‌گیرد و وحی به اولیا خفی است که همان الهام می‌باشد. ترمذی نیز همین ایده را پی گرفته و از مفهوم محدث بودن اولیا سخن می‌گوید. از نظر او، شیوه‌های اعطای علم به اولیا که همان تحدیث است، شامل الهام، بصیرت و سکینه قلبی می‌شود.

نتیجه‌گیری

ولایت به طور کلی - چه نزد شیعه و چه نزد صوفیه - راه‌حلی برای مسئله مرجعیت و رهبری در جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ و پاسخی به این پرسش بود که پس از پیامبر ﷺ چه کسی باید رهبری سیاسی و علمی جامعه اسلامی را برعهده داشته باشد. تفاوت عمده تشیع و تصوف این بود که تشیع از همان آغاز بر جانشینی سیاسی تأکید داشت، اما تصوف (در دوره مورد بحث) ولایت را امری سیاسی نمی‌دید. مهم‌ترین عنصر و ویژگی ولی برای هر دو گروه که او را شایسته جانشینی پیامبر ﷺ می‌کرد، صفت علم و معرفت بود. در نتیجه مسائلی همچون نوع علم و معرفت ولی و نوع دستیابی او به آن، از پایه‌های مهم بحث از ولایت نزد شیعه و صوفی شد.



تطور مفهوم ولایت نزد شیعه و صوفیه - چنان‌که در این کتاب ترسیم شده است - شباهت‌های مهمی دارد. مفهوم ولایت در تشیع در اصل، مفهومی سیاسی بود؛ با گذر زمان از مرکزیت سیاسی آن کاسته شد و به جنبه معنوی و متافیزیکی آن افزوده شد. در طول زمان، این مفهوم با داستان خلقت و میثاق الهی پیوند یافت و باور به آن، یکی از ارکان اسلام دانسته شد. نزد شیعیان از عصر غیبت نوع خاص و متمایز خلقت امامان مورد توجه قرار گرفت و بر میثاق ازلی که خداوند برای اقرار بر امامت اهل بیت علیهم‌السلام از مردمان گرفته بود، تأکید شده بود.

شبهه چنین تطوری در مفهوم ولایت نزد صوفیان نیز در همان سه قرن نخست هجری رخ داد. مفهوم ولایت در ابتدا بالاترین مرتبه کمال در مراحل سیر و سلوک عرفانی بود. مرتبه‌ای که با تلاش سالک به دست می‌آمد، از پرورش نفس با صفات اخلاقی آغاز می‌شد و به علم و معرفت الهی منتهی می‌گشت. معرفتی که حاصل تلاش و کسب سالک بود. هرچند علم و معرفت، ولی را از دیگر صوفیان و از مردم عادی متمایز می‌کرد و او را در جایگاه جانشینی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نشانده، اما این درجه از معرفت را هر کس با تلاش خود می‌توانست به دست آورد. با گذشت زمان، عناصر جدیدی در ترسیم مفهوم ولایت و رابطه آن با نبی به اندیشه صوفیه وارد، بر نوع خاص آفرینش ولی که پرتویی از نور محمدی را با خود داشت و بر میثاق الهی که در یوم‌المیثاق از ولی و نبی گرفته می‌شد و از میثاق سایر مردمان متفاوت بود، تأکید شد. بنابراین، ولایت نوعی عطیه الهی بود که به برخی افراد از روز ازل اعطا شده بود و دیگران را از آن نصیبی نبود.

منابع:

ابن خلدون، عبد‌الحرمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.

ابن شاذان، فضل، الايضاح، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۲



دورنمایی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان جمهوری آذربایجان

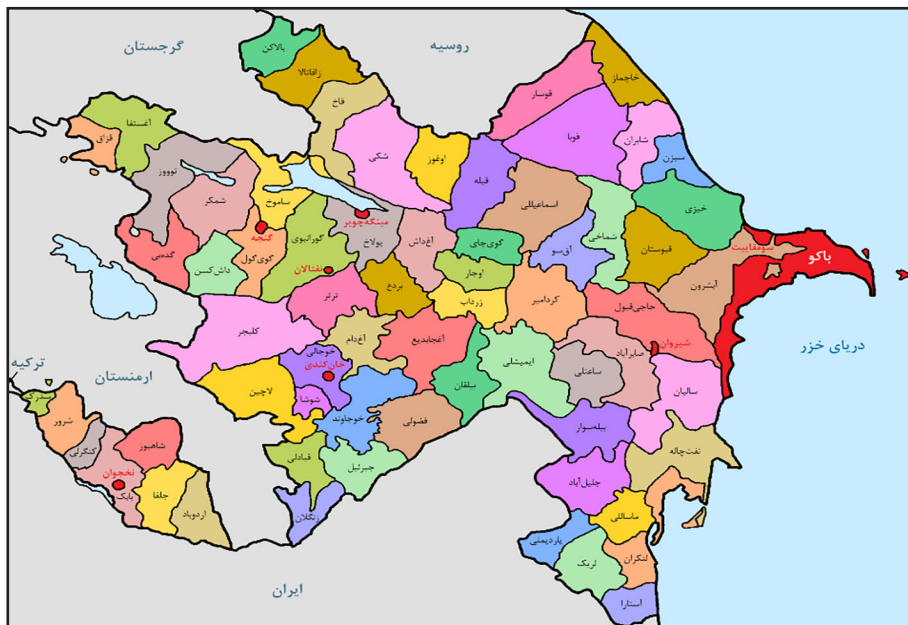
(شیعیان جمهوری آذربایجان در گذر زمان)

سید ابراهیم معصومی^۱

چکیده

کشور آذربایجان با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر با اکثریت مسلمان و ۸۵ درصد شیعه، دومین کشور شیعی جهان اسلام است که در مرزهای شمالی کشور جمهوری ایران واقع شده و اشتراکات مهم فرهنگی، دینی و تاریخی با ایران دارد. این کشور بعد از استقلال از شوروی که در دوران حاکمیت کمونیسم تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی و ضد دینی قرار گرفته بود، درصدد بازگشت به هویت خود و به دست آوردن هویتی مستقل از دوران شوروی بوده است. یکی از مسائل مهم پیرامون این کشور، وضعیت ادیان و مذاهب به ویژه دین اسلام و مذهب شیعه در آن است؛ مخصوصاً با توجه به اینکه قانون اساسی آن لائیک بوده و دین از دولت جداست. همین مسئله، اهمیت آشنایی با وضعیت شیعیان در این کشور را در چندین می‌کند. در این سپهر، اهمیت آشنایی با وضعیت شیعیان در حوزه های: دین، اجتماعی، فرهنگی، آئین مذهبی و سایر مولفه های شیعیان را در آن دیار را برای ما دو چندان می کند، از این رو، این مقاله با رویکرد توصیفی و روش میدانی (نیمه ساختارمند) و کتابخانه‌ای به وضعیت شیعیان این سرزمین پرداخته است.

واژگان کلیدی: وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی، شیعیان، جمهوری آذربایجان، وضعیت دینی



مقدمه

اسلام در قرن هفتم میلادی توسط مسلمان در قلمرو قفقاز گسترش یافت. جمهوری آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی در سالیان قدیم بوده و هنوز هم به لحاظ قومی با تاریخ اسلامی و میراث درخشان معماری و هنر شیعی ارتباط دارد. بیش از پنج هزار مکان با معماری اسلامی و مطابق با مذهب شیعه در این جمهوری موجود است. این کشور با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر با اکثریت مسلمان و با ۸۵ درصد جمعیت شیعه، دومین کشور شیعی جهان از نظر نسبت شیعیان به کل جمعیت است. با این وجود، تفکر شیعی در جمهوری آذربایجان بسیار متفاوت از تشیع در کشورهایی چون ایران و عراق است. جامعه شیعی در آذربایجان تحت تأثیر نظام سیاسی سکولار در دهه‌های گذشته، چه قبل و چه بعد از استقلال، چندان نسبت به معارف عمیق تشیع آگاهی لازم را ندارند. از این رو، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی شیعیان جمهوری آذربایجان پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ م. عدم جایگاه دین در حکومت است. در سال ۱۹۷۶ م. فقط شانزده مسجد و یک مدرسه علوم اسلامی در جمهوری آذربایجان به ثبت رسیده است؛ در حالی که در پایان شوروی این رقم به دو بیست واحد افزایش یافته و امروزه این رقم به حدود بیش از دو هزار مسجد و تعداد زیادی مدارس اسلامی و یک دانشکده اسلامی به نام «دیارتیمان الهیات» در ترکیب دانشگاه دولتی باکو فعالیت دارد (رضایی، ۱۳۹۷: ۶۴).



سکولاریسم بعد از اعلام جدایی دین از سیاست در دهه نود میلادی، هنگامی که ابوالفضل ایلچی بیگ و حیدر علی اف رئیس جمهور این کشور بودند و کوشش‌هایی را نیز برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با ترکیه و سایر کشورهای غربی آغاز کردند، به سرعت توسعه پیدا کرده بود. حمایت‌های ترکیه در سیاست‌های خارجی خود از جمهوری آذربایجان در جنگ اول قره‌باغ، این کشور را به سوی ترکیه جذب کرد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ۶۰)؛ بنابراین، فرایند دولت‌سازی سکولار در جمهوری آذربایجان ادامه یافت. در راستای نظارت و کنترل فعالیت‌های مذهبی، ثبت سازمان‌های دینی به کمیته اداره دینی واگذار شد که این اختیار را دارد که فعالیت‌های مذهبی گروه‌هایی که قوانین جمهوری آذربایجان را رعایت نمی‌کنند، به حال تعلیق درآورد. به علاوه این کمیته بر انتشارات، واردات و توزیع ادبیات دینی نظارت دارد (همان، ص ۴۸۹-۴۹۴).

به لحاظ تنوع دین در جمهوری آذربایجان، مسلمانان ۹۷ درصد، ارتدوکس روسی، ارتدکس ارمنی و دیگر ادیان ۳ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ در دهه نود میلادی، فعالیت‌های فرقه‌های مختلف مسیحی، بودایی و کریشنایی در این کشور گسترش یافت که همین مسئله اعتراض مردم به مقامات آذربایجانی را در پی داشته است. میسیونرهای خارجی به طور فعالانه داوطلبانی به تازگی ایمان آورده بودند و از میان خانواده‌های فقیر جمهوری آذربایجان انتخاب و آموزش می‌دادند. دولت ادیان بیگانه را به عنوان تهدیدی برای هویت ملی آذری‌ها می‌دید. لذا گروه‌هایی که به ادیان جدید به ویژه مسیحیت انجیلی و گروه‌های میسیونری وارد می‌شدند، بدون ثبت در اداره کمیته دینی باقی می‌ماندند، اما در این کشور اجازه فعالیت غیررسمی را نداشتند. هرچند آنها درباره جلوگیری از فعالیت‌هایشان از جمله آزار و اذیت عبادت‌کنندگان، جریمه‌های اجباری و... شکایت داشتند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۹: ۶۲).

۱. مذهب شیعه و وضعیت شیعیان

مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به مذهب اکثریت مردم (۸۵ درصد) تبدیل شد. امروزه شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری‌ها) از حیث توانمندی جمعیتی، بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری‌های



شیعه مذهب است. جمهوری آذربایجان از این حیث وضع برجسته‌ای در بین کشورهای شیعه دارد. حاکمیت در آذربایجان به شکل ریاستی است و اختیارات اصلی در دست رئیس جمهور شیعه قرار دارد و رؤسای قوای دیگر نیز از حیث قومی و مذهبی شیعیان آذری هستند. افزون بر اینها سایر اهرم‌های قدرت نظیر نمایندگان مجلس، شهرداران، نظامیان بلندپایه و رسانه‌های گروهی نیز در دست شیعیان است (واحدی، ۱۳۸۶: ۸۱).

استقلال جمهوری آذربایجان و تشکیل دولت ملی توسط شیعیان، فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضد دینی شوروی خارج شوند و مذهب خود را احیا کنند. این رویداد توسط عوامل خارجی در منطقه قابل تقویت بود که بهترین فرصت در این خصوص، وجود کشوری قدرتمند و تأثیرگذار همچون جمهوری اسلامی ایران بود که بر پایه ایدئولوژی انشعاب یافته از مذهب تشیع اداره می‌شود. ارتباط آسان شیعیان آذربایجان با ایران به ویژه مناطق آذری نشین، عامل خارجی دیگری بود که سبب تقویت روحیه مذهبی در شیعیان آذربایجان می‌شد. سفرهای زیارتی شیعیان آذربایجان به ایران به ویژه به مشهد مقدس و تحصیل طلاب علوم دینی این کشور در حوزه‌های علمیه ایران، به خصوص جامعه المصطفی العالمیه نیز می‌توانست سبب تحکیم جایگاه شیعه در آذربایجان شود. همچنان که بسیاری از افرادی که پس از تحصیل در آن مرکز و سایر مدارس دینی ایران به آذربایجان بازگشته‌اند و در ترویج معارف اصیل اهل بیت علیهم‌السلام کوشیده‌اند؛ اما ورود برخی از چهره‌های غرب‌گرا در صحنه سیاست جمهوری آذربایجان، فضای سیاسی این کشور را به سمت غرب‌گرایی سوق داده است.

یکی از مهم‌ترین حزب‌هایی که می‌توانست جریان ساز باشد، «حزب اسلامی آذربایجان» (صدای اسلام) است که می‌توان آن را قوی‌ترین نهاد مردمی دین‌مدار در آذربایجان نامید. این حزب که ایده دولت‌گرایی دینی و ایدئولوژی تشیع را دنبال می‌کرد، همواره در برابر دولت سکولار و غرب‌گرای باکو موضع انتقادی داشته است. این حزب که در سال ۱۹۹۲ م. رسماً به ثبت رسید، در سال ۱۹۹۶ م. با شدیدترین محدودیت‌های دولتی روبه‌رو شد و رهبران آن دستگیر شدند. مرکز تجمع اعضا و فعالیت اصلی حزب اسلامی آذربایجان، شهرک نارادان در نزدیکی باکو است. این مکان از قدیم چهره مذهبی داشته و محل تحصیل و پرورش علمای دینی بوده است. دینداران نارادان تاکنون چندین بار در برابر سیاست‌های ضد دینی دولت باکو به شدت مقاومت و در برخی موارد دولت را به عقب‌نشینی از برنامه‌های



سخت‌گیرانه‌اش وادار کرده‌اند. علاوه بر حزب اسلامی آذربایجان، گرایش‌های دین‌مدار به‌ویژه در مطالبه حق آزادی فعالیت‌های دینی در برخی دیگر از احزاب و گروه‌های سیاسی نیز وجود دارد. حزب «سوسیال دموکرات آذربایجان» و «جبهه خلق آذربایجان» (شاخه کلاسیک) در این زمره هستند. شیعه‌گری آذری‌ها علاوه بر رویکردهای سنتی و مبتنی بر عادت‌های عامیانه مردم که در بین طرفداران حزب اسلامی رایج است، گاهی در اشکال روشنفکرانه و مترقی نیز تبلور می‌یابد. جریان مذهبی منتسب به «حاجی ایلقار ابراهیم اوغلو» (رئیس اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر) مهم‌ترین جریان شیعی مدرن در آذربایجان است (همان، ۸۸).

۲. هویت ملی و قومیتی شیعیان

در اوایل قرن بیستم میلادی، روشنفکران سکولار آذری کوشیدند تا از راه فعالیت سیاسی، آموزش و آثار مکتوب خود نوعی اجتماع ملی در این منطقه پدید آورند. آرمان‌هایی همچون مردم‌گرایی، ترک‌گرایی و دموکراسی در این دوره بسیار رواج یافته بود. فرهنگ مردم جمهوری آذربایجان بنا به موقعیت جغرافیایی و میراث تاریخی متأثر از فرهنگ‌های مختلف منطقه قفقاز و غرب آسیا، از جمله فرهنگ‌های ایرانی، ترکی، روسی و اسلامی است؛ اما امروزه فرهنگ غربی با شدت در حال گسترش است.

به جز اکثریت آذربایجانی، مردم ملت‌های دیگری مانند ارمنی‌ها، کردها و تالشی‌ها در جنوب و شرق و لرگی‌ها، یهودی‌ها و تات‌ها در شمال به گوناگونی زبان‌ها و فرهنگ رایج در این کشور افزوده‌اند. ایجاد هویت ملی آذری در واکنش به رژیم استعماری و بهره‌کشی براساس مفاهیم نژادی، عناصری از هردو سنت‌های اسلامی و غیراسلامی و همچنین آرمان‌های غربی همچون لیبرالیسم و ناسیونالیسم را دربر گرفته است. همچنین مفهوم هویت ملی آذری در دوره شوروی ترویج داده می‌شد. میراث فرهنگی نوشتاری یا مکتوب و بسیاری از چهره‌های تاریخی در عرصه‌های هنر و سیاست به تقویت و تأیید تلاش برای ایجاد یک ملیت مستقل در پایان عمر رژیم شوروی پرداختند.

۳. رواج تشیع در جمهوری آذربایجان

ظهور دولت صفوی موجب رسمیت یافتن تشیع و احیای هویت و وحدت مناطق گوناگون ایران شد. رواج و تداوم تشیع در جمهوری آذربایجان را می‌توان در سه دوره متفاوت بررسی



کرد؛ نخست، از زمان ظهور صفویه و رسمیت تشیع تا زمان اشغال این مناطق توسط روسیه تزاری؛ دوم، از زمان اشغال این کشور تا فروپاشی اتحاد شوروی و سوم، از زمان استقلال تاکنون (جعفریان، ۱۳۸۸: ۶۴۲).

۱-۳. اسلام و تشیع در دوره تزارها در جمهوری آذربایجان

پس از شکست ایران در نبرد با روسیه و امضای معاهده‌های ننگین گلستان و ترکمان چای، آذربایجان به اشغال روسیه درآمد. روابط روسیه تزاری با اسلام و مسلمانان در آذربایجان تا حد چشم‌گیری توسط نقطه نظرات کلیسای پرو-اسلاو تعیین می‌شد. میسیونرهای مسیحی پرو-اسلاو عموماً در مناطق مختلف آذربایجان که اسلام ضعیف بود و مسلمانان با مسیحیان درآمیخته بودند، فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. در این دوره تزارها با هدف نظارت و کنترل مسائل دینی و نیز قطع رابطه مسلمانان آذربایجان با حوزه‌های دینی ایران و عراق و نیز مراجع تقلید، «اداره مسلمانان قفقاز» را تأسیس کردند. روسیه تزاری نیز برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان، به تحریک و ایجاد تفرقه بین آنها می‌پرداخت و به منظور استحاله فرهنگی مردم آذربایجان در فرهنگ روسی، مدارس روسی را تأسیس کرد و به آنها زمین، رتبه نظامی، نشان، حقوق بازنشستگی به علما برای جلب حمایت آنان اعطا کرد. در اواخر دوره تزار، جمهوری آذربایجان تحت تأثیر روشنفکران مسلمان به سمت سکولاریستی شدن پیش رفت. در فاصله بین سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۷م. افرادی ظهور کردند که در مجلات و جراید محلی برخی از مراسم‌های شیعی مانند برپایی مراسم عاشورا و برخی سنت‌های قدیمی و مذهبی را نقد کردند. در مقابل این تحركات، علمای دینی با نوشتن برخی مطالب سعی می‌کردند عدم مخالفت دین با علم را نشان دهند (جباری، ۱۳۸۹: ۲۸ و ۲۹).

۲-۳. تشیع در دوران کمونیسم در جمهوری آذربایجان

با سقوط تزار به مدت هفتاد سال کمونیسم بر مناطق مسلمان‌نشین به ویژه آذربایجان سایه افکند و به اجبار، دین و مذهب برای مدتی از صحنه عمومی جامعه کنار رفت. حکومت شوروی سابق در این دوره برای جلوگیری از تجمع مردم برای انجام اعمال دینی، مساجد را ویران کرد. در سال ۱۹۳۰م. بیشتر مساجد تعطیل شدند و یا کاربری آنها تغییر داده شد و با قطع ارتباط مناطق مسلمان‌نشین با سایر ملت‌های مسلمان و ایجاد نفاق و اختلاف بین شیعه و سنی، اندیشه دین‌افیون ملت‌ها را گسترش دادند. در جنگ جهانی دوم، به صورت



موقت حکام وقت دست از برنامه‌های خود برداشتند؛ اما با پایان یافتن جنگ، اعمال محدودیت‌ها دوباره آغاز شد و تا سال ۱۹۶۰م. تمام فعالیت‌های مذهبی و انجام واجبات دینی به صورت مخفیانه انجام می‌شد.

سیاست شوروی در این سال‌ها، مبتنی بر نوعی تسامح بود تا از اسلام به نفع دولت بهره ببرد. از سیاست‌های دیگر آنها در آذربایجان برای قطع پیوندهای دینی و تاریخی مردم با گذشته اسلامی و ایرانی، برهم‌زدن ترکیب قومی و مذهبی منطقه با اسکان آرامنه و روس‌ها بود. در برخورد با تشیع، از سوی کمونیسم‌ها دو نوع رفتار مشهود بود؛ از یک سو مانند سایر مذاهب، تشیع نیز از صحنه اجتماعی بیرون رانده و به امری خصوصی در منازل تبدیل شد و با تعطیلی مساجد، مراسم‌های شیعی مانند عزاداری عاشورا نیز ممنوع گردید. از سوی دیگر، نفوذ مذهب در زندگی خصوصی افراد افزایش یافت؛ حتی در برخی محله‌ها به آموزش دینی محدود برای کودکان اقدام می‌شد. تداوم تشیع در آذربایجان در عصر استیلای کمونیسم را باید در ادامه برخی سنت‌ها جستجو کرد؛ مسائلی مانند تدفین و اعمال و مراسم مربوط به آن، ختنه، ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن و... در بقای ظاهری تشیع در این کشور نقش داشت (رضایی، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

۳-۳. تشیع در دوران بعد از استقلال جمهوری آذربایجان

جدایی از حکومت مسکو برای جمهوری آذربایجان، همانند سایر ملل مسلمان جماهیر شوروی نقطه عطفی برای برقراری روابط با جهان اسلام بود. این تجدید حیات اسلامی در سراسر کشور مسئله‌ای تابع از تأثیراتی بود که از ایران، ترکیه و برخی از کشورهای عربی در داخل کشور ایجاد می‌شد. پس از استقلال این کشور در ۱۹۹۱م. دین به تدریج به عرصه زندگی مردم بازگشت و با آنکه بسیاری از مقامات این کشور از افراد بازمانده دوره حکومت شوروی سابق بودند و خط و مشی بی‌دینی و ملی‌گرایی را در پیش گرفتند، ولی در کنار آن، بنا به دلایل گوناگون، سعی کردند برای مشروعیت و مقبولیت خود از اسلام به عنوان چارچوب خاص خود استفاده نمایند. مردم این کشور به صورت اسمی مسلمان و شیعه بودند؛ با این حال، عاملان شریعت به ندرت در میان آنها مشاهده می‌شدند. با این وجود، دین و مذهب در خاطره مردم به روش‌های گوناگون حفظ شده بود؛ چنان‌که در حرکات استقلال طلبانه مردم این کشور، شعارهای اسلامی مطرح شد و در بقای دین در جمهوری



آذربایجان، باید از تلاش‌های شیعیان و مؤمنان و نقش مراسم‌های مذهبی مرسوم و سنتی شیعیان مانند عزاداری‌ها، سفره‌های احسان، سفره‌های منتسب به ائمه اطهار علیهم‌السلام و... نام برد. اما بعد از چند سال (جنگ قره‌باغ اول به بعد) که غرب‌گرایان در آذربایجان حاکم شدند، تحت تأثیر تفکرات جدایی دین از سیاست، فضای اجتماعی کشور برای دینداران محدود و دین‌گرایی در عرصه اجتماعی و ورود آن به عرصه سیاست ممنوع شد.

۳-۴. مناطق مهم شیعه‌نشین در کشور آذربایجان

۳-۴-۱. نارداران

نارداران با جمعیت ۸ هزار و ۳۰۰ نفر در ۲۸ کیلومتری شمال شرقی باکو قرار دارد و یکی از کانون‌های مهم حرکت اسلامی در قفقاز و جمهوری آذربایجان بوده و در تمام کشور آذربایجان از نظر پایبندی به اعتقادات دینی و رعایت آداب و رسوم سنتی از جاهای دیگر مشهور و ممتاز است. زیارتگاه «بی‌بی رحیمه خاتون»، خواهر امام رضا علیه‌السلام در این روستا قرار دارد. این روستا هم‌اکنون نیز یکی از مراکز مهم دینی شیعیان است. (توفیق اسداف، ۱۴۰۰)



مراسم عزاداری شیعیان در کنار امامزاده رحیمه خانم



۲-۴-۳. شماخی

شماخی با ۱۰۶ هزار و ۴۰۰ نفر جمعیت، از شهرهای معروف، شاعرپرور و خوش آب و هوای جمهوری آذربایجان است. در روزگار صفوی، دارای مدرسه علمی بوده و مساجدی هم در این شهر قرار داشته است. یکی از مراکز اصلی زبان فارسی در آن نواحی، شهر شماخی است. (توفیق اسداف، ۱۴۰۰)

۳-۴-۳. گنجه

شهر گنجه ۳۳۵ هزار و ۶۰۰ نفر جمعیت دارد که در ۳۶۵ کیلومتری غرب باکو قرار دارد. این شهر تاریخی جزو شهرهای مذهبی آذربایجان است. گنجه از محله‌های مختلفی سامان یافته است که در هریک از آنها طوایف - به اصطلاح - قومیت‌های گوناگون زندگی می‌کنند. محلات تات قشلاق، زرابی، چای قیراغی، تات لار و... از آن جمله هستند. گنجه زادگاه شاعر و عارف بزرگ پارسی، «نظامی گنجوی» است. در خلال جنگ‌های ایران و روسیه در قرن نوزدهم میلادی، این شهر به همراه شهرهای دیگری از قفقاز به خاک روسیه اضافه شد. مقبره امامزاده ابراهیم، فرزند امام باقر علیه السلام، نظامی گنجوی و مسجد تاریخی شاه عباس در این شهر قرار دارند (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۷/۲).



امامزاده ابراهیم فرزند امام محمد باقر (ع) در شهر گنجه



۵-۳. علما و شخصیت‌های شیعی آذربایجان

جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از مناطق مهم شیعه نشین در جهان اسلام، علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام معرفی کرده است. این علما در خارج از کشور خود هم مشهورند؛ چنان‌که در عراق، ایران، سوریه، عربستان سعودی و... علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم برعهده گرفته‌اند. آنان علاوه بر تأسیس مدارس در کشور خود، در سایر کشورها هم حوزه‌های علمیه‌ای را بنا کرده‌اند. مساجدی نیز در کشورهایی مثل عراق و ایران، به واسطه و کمک این بزرگان ساخته شده است. از جمله علمای آذربایجان می‌توان به شیخ عبدالله فاضل لنکرانی، پدر آیت الله محمد فاضل لنکرانی، آیت الله شیخ عبدالغنی بادکوبه‌ای، آیت الله ملامحمد فاضل ایروانی، مرحوم آیت الله صابری همدانی و... اشاره کرد. همچنین مؤثرترین شخصیت‌های شیعی در آذربایجان افرادی از جمله: حاج شاهین، شیخ سردار، حاج اهلیمان، حاج رامیل، حاج علی اکرام، محسن صمداف (رئیس حزب اسلام) و حاج القار ابراهیم اوغلو (رئیس اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر) هستند. حاج مظفر و حاج علی اکرام، هر دو به نوبت در منصب ریاست حزب اسلام فعالیت کرده‌اند (همان، ۳۸-۴۰؛ مصاحبه با ابراهیم عیوض اف، ۱۴۰۰).

۶-۳. مساجد و مراکز فرهنگی دینی کشور آذربایجان

۱-۶-۳. مساجد

پیش از استقرار نظام کمونیستی در جمهوری آذربایجان، حدود دو هزار مسجد فعال بود که بیشتر آنها در دوران شوروی سابق تعطیل و یا تغییر کاربری دادند. اما پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، بسیاری از مساجد بازگشایی شدند. دینداران در شهرها و روستاها به تعمیر، بازسازی و احداث مساجد پرداخته و تلاش کردند کارکردهای مساجد را به آنها بازگردانند. بنابر اعلام رئیس کمیته امور دینی دولت آذربایجان مساجد، زیارتگاه‌ها و مکان‌های مذهبی در این کشور فعالند که از این تعداد، هشتصد مسجد به طور دائم فعالیت دارد که سیصد مسجد از سوی دولت مجوز فعالیت دریافت کرده است و نزدیک به هزار مسجد نیز بدون مجوز فعالیت می‌کند (جباری، ۱۳۸۹: ۲۶۲).



به نقل از خبرگزاری آران، ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷). براساس آخرین آمار اعلام شده از سوی هیئت کمیته دولتی همکاری با سازمان های دینی جمهوری آذربایجان، در حال حاضر ۲ هزار و ۲۴۶ مسجد در جمهوری آذربایجان وجود دارد که از این میان ۲۱۰ مسجد در نخجوان است. از جمله مساجد معروف آذربایجان می توان به مساجد نظیر مسجد تازه پیر، مسجد جامع ایچری شهر، مسجد کربلایی عبدالله، مسجد مشهدی داداش و مسجد اژدر بیگ (مشترک شیعیان و اهل سنت) اشاره کرد. البته چندین مسجد هم مخصوص اهل سنت است که معروف ترین آنها مسجد ابوبکر، مسجد عاشور، مسجد لژگی ها، مسجد شهیدلر و مسجد یاسامال می باشد (گزارش نشست هیئت کمیته دولتی همکاری با سازمان های دینی جمهوری آذربایجان، ۱۴ تیر ۱۳۹۶، منتشر شده در سایت خبرگزاری بین المللی قرآن).



مسجد بی بی هیبت

۲-۶-۳. مدارس دینی و حوزه های علمیه در آذربایجان

در دهه گذشته در جمهوری آذربایجان، چندین مدرسه علمیه فعال بودند؛ مدرسه صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روستای نارداران، مدرسه امام حسین علیه السلام در جلیل آباد،



مدرسه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شهر ماسالی، مدرسه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در گوی چای، مدرسه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در نخجوان، مدرسه فاطمیه عَلَيْهَا در باکو، مدرسه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در شهر باکو (مشداقا)، مدرسه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در گوی تپه، مدرسه زینبیه در جلیل آباد، مدرسه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در نفت چاله و مؤسسه قرآنی لنکران. بیشتر این مدارس با جامعه المصطفی مرتبط بوده‌اند که هم‌اکنون به دلایل مختلف توسط دولت جمهوری آذربایجان بسته شده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۱/۲؛ مصاحبه با توفیق اسداف کارشناس هادی تی وی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی، مهرماه ۱۴۰۰).

۳-۶-۳. مهم‌ترین مؤسسه‌های شیعه در جمهوری آذربایجان

الف) دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری؛ رئیس این دفتر حجت الاسلام سید علی اکبر اجاق‌نژاد است. فعالیت‌های این نمایندگی عبارتند از: تأسیس مدارس، فرستادن طلاب به جامعه المصطفی، تألیف، تحقیق و ترجمه کتب و مقالات دینی و مذهبی، مبارزه با گروه‌های ضد اسلامی و ضد شیعی، رسیدگی به مشکلات برخی از مؤمنین و پاسخگویی به سؤالات شرعی، اخذ وجوهات شرعی، کمک به برخی از مؤمنین برای اعزام به حج تمتع و... (مصاحبه با توفیق اسداف، مهرماه ۱۴۰۰). در حال حاضر، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری به دلیل سیاست‌های منفی کشور آذربایجان، فعالیت خود را به حالت تعلیق درآورده است.

ب) مؤسسه اکمال؛ این مؤسسه فعالیت زیادی در سراسر کشور آذربایجان دارد و نوع فعالیتشان بیشتر فرهنگی است. مثلاً در مرکز باکو، تولد حضرت فاطمه عَلَيْهَا را عید می‌گرفتند و آنقدر مراسم را متنوع و با روش‌های جدید برگزار می‌کردند که حتی بی‌دین‌ها هم جذب می‌شدند. در حال حاضر، دولت فعالیت این مؤسسه را ممنوع کرده است. البته گروه‌های وابسته به مؤسسه با ریاست حاجی شاهین فعالیت داشتند که در سحرگاه پنج‌شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ در ۴۸ سالگی بر اثر سکته قلبی، دارفانی را وداع گفت. (همان)

۳-۶-۴. امامزادگان

در کشور آذربایجان امامزادگان بزرگی مدفون هستند که محل زیارت شیعیان بوده و مردم از سراسر آذربایجان برای زیارت آنها در حرم‌هایشان حضور پیدا می‌کنند (مصاحبه با ابراهیم



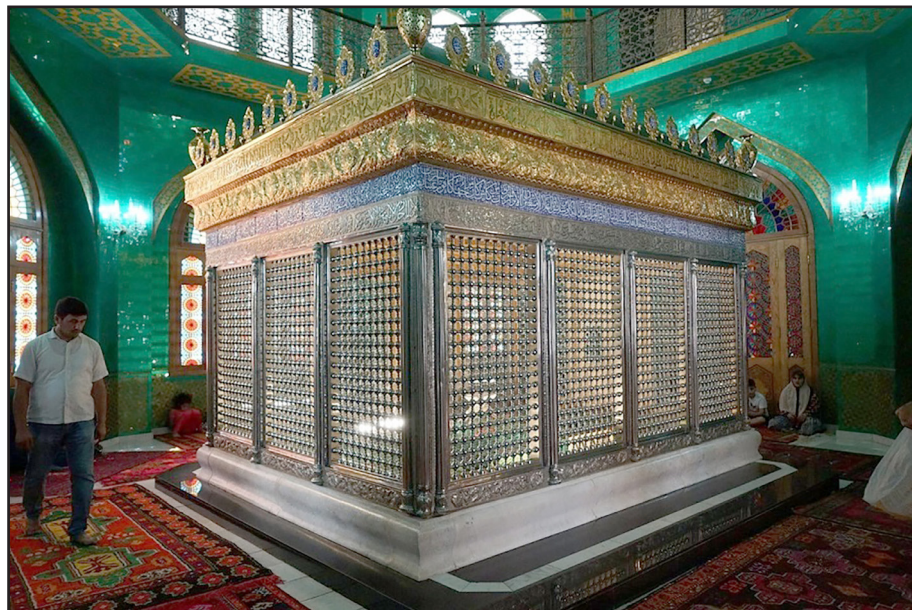
عیوض اف ۱۴۰۰، فعال فرهنگی و اجتماعی در جمهوری آذربایجان). مشهورترین امامزادگان عبارتند از:

الف) حرم مطهر حکیمه خاتون (زیارتگاه بی بی هیبت)، خواهر امام رضا علیه السلام که در منطقه ساحلی شیخان، ورودی باکو قرار دارد. بنابر روایتی در بحار الانوار چهار تن از اولاد امام رضا علیه السلام در آنجا دفن شده اند، به دستور حیدر علی اف، مسجد بزرگی بر روی آن بنا شده است که پنج کیلومتر با دریای خزر فاصله دارد. این مسجد در قرن سیزدهم ساخته شده و در سال ۱۹۹۹ م. بازسازی شده است.



ب) حرم مطهر رحیمه خاتون (زیارتگاه نارداران) خواهر امام رضا علیه السلام که در یکی از محله های باکو قرار دارد.

ج) امامزاده ابراهیم، پسر امام باقر علیه السلام در شهر گنجه که زیارتگاه دارای مسجد بزرگ و بسیار قدیمی است (رضایی، ۱۳۸۶: ۵۱/۲).



۴. احزاب و گروه‌های فعال شیعی کشور آذربایجان

گروه‌های شیعی و جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان در طول سال‌های گذشته، پس از جدا شدن از ترکیب اتحاد جماهیر شوروی، فرازونشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. شروع فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی نسبتاً آشکار و حضور در صحنه‌های گوناگون این کشور، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجسته‌تر شد. آنها با عنوان «خمینی‌چی‌ها» و بیشتر از منطقه نارداران باکو ابراز وجود کردند و به برخی اقدامات سیاسی دست زدند که این امر موجب احضار و تحت فشار قرار گرفتن آنها از سوی دستگاه‌های امنیتی و حکومتی شد؛ زیرا دولت آذربایجان تصور می‌کرد که این جریان‌ها از سوی ایران تغذیه می‌شوند. پس از سقوط رژیم کمونیستی و تشکیل اولین دولت مستقل جمهوری آذربایجان، به خصوص در دوران ریاست جمهوری ایلچی بیگ، جو شدید ضد ایرانی و ضد اسلامی بر سیاست‌های این کشور حاکم بود. با ازدست رفتن منطقه قره‌باغ و اشغال آن توسط ارمنه، حیدر علی‌اف قدرت را در دست گرفت و در ماه‌های ابتدایی حکومتش، گروه‌های شیعی اسلام‌گرا فعالیت قابل توجهی انجام دادند و حضور خوبی در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی داشتند و فعالیت‌های آنان در قالب حزب اسلام از جمله تحکیم موقعیت حزبی در باکو و دیگر شهرها و همچنین اتخاذ



مواضع در مسائل کشور و فعالیت های فرهنگی دینی ادامه یافت؛ اما پس از چند سال، حکومت حیدر علی اف با فرارسیدن انتخابات مجلس، محدودیت هایی را برای گروه های شیعی اسلام گرا ایجاد کرد. از جمله این محدودیت ها را می توان به جلوگیری از نامزدی نمایندگان حزب اسلام برای شرکت در انتخابات مجلس، لغو مجوز فعالیت رسمی این حزب و دستگیری و زندانی نمودن بزرگان این حزب اشاره کرد. در این مقطع فعالیت های اسلام گرایان در بعد سیاسی-اجتماعی دچار رکود قابل ملاحظه ای شد؛ اما بعد از آزادی برخی از رهبران گروه های اسلام گرای شیعی در سال ۱۳۷۹ ش. فعالیت هایشان دوباره اوج گرفت. در سال های اخیر، تفاوت عمده ای در فعالیت های سیاسی گروه های شیعی در جمهوری آذربایجان نسبت به گذشته مشاهده می شود و آن، عبارت است از ظهور چندین جریان و تشکل سیاسی و حضور قدرتمند در این صحنه ها و واکنش به مسائل مختلف جهان اسلام، مبارزه با اهانت به مقدسات اسلامی و تلاش هایی برای حضور در صحنه های سیاسی با وجود ممانعت های حکومت آذربایجان (جباری، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۴۱). از این رو، ضروری است که به گوشه هایی از فعالیت های احزاب، گروه ها و جریان های شیعی اشاره شود. نکته قابل توجه اینکه بستر اجتماعی کشور آذربایجان بعد از استقلال از شوروی، به لحاظ مذهبی در حدی نیست که بتوان حرکت های دینی در اندازه حزب انجام داد؛ لذا تشکیل چنین اموری در آذربایجان بیشتر دولت لائیک این کشور را حساس کرده و نسبت به شیعیان و دینداران سخت گیری شدید انجام می دهد. مهم ترین مسئله حال حاضر در کشور آذربایجان، دوری مردم از معارف اهل بیت علیهم السلام آگاهی نداشتن مردم از امور دینی و نبود شرایط و بسترهای لازم برای تقویت بنیه های دینی در این کشور است؛ اگرچه ۱۰ تا ۱۵ درصد مردم این کشور، دیندارند و امور دینی را رعایت می کنند، اما هنوز جامعه آذربایجان آمادگی لازم را برای ورود به عرصه کنشگری سیاسی-اجتماعی دینی ندارند. بنابراین، فعالیت های برخی از احزاب و تشکل های دینی در این کشور باعث زندانی شدن نیروهای ارزشی و دینی می شود (پاک آیین، «نشست علمی چالش های هویتی شیعیان آذربایجان»، ۱۳۹۶/۹/۱۱).

۴-۱. حزب اسلامی آذربایجان

حزب اسلام گرای شیعی در سال ۱۹۹۱ م. در منطقه نارداران تأسیس شد. اعضای این حزب خواهان گسترش فرهنگ اسلامی در آذربایجان بودند و برای استقلال اقتصادی



و سیاسی آذربایجان، تحت حاکمیت قوانین اسلامی مبارزاتشان را آغاز، هرگونه ناسیونالیسم قومی را رد کرده و شعار گسترش و توسعه فرهنگ اسلامی را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. حزب اسلامی آذربایجان را باید طرفدار اصلی اجرای الگوی نظام دینی دانست. این حزب معتقد است که فقط اسلام قادر به ایفای نقش سازنده در ایجاد آذربایجان مستقل است و همین اعتقاد، محور اساسی ایدئولوژی حزب اسلامی آذربایجان را تشکیل می‌دهد. این حزب که با دبیرکلی «حاج علی اکرام علی اف» تأسیس شده بود، پس از چهار سال فعالیت رسمی، در ۱۹۹۶ م. مجوز فعالیتش از سوی دولت لغو شد. این حزب اگرچه در این سال منحل و با دستگیری بزرگان خود مواجه شد، اما به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و دینی خود ادامه داد. این حزب امروزه به مهم‌ترین جریان مخالف سیاست‌های ضد اسلامی در جمهوری آذربایجان در کنار سایر مخالفان تبدیل شده است و در راستای دفاع از فرهنگ، هویت، مذهب و تاریخ مردم این کشور فعالیت می‌کند. هم‌اکنون رهبر این حزب، «دکتر محسن صمداف» در زندان به سر می‌برد (اشرفی، ۱۳۹۵).



اولین رهبر حزب اسلامی جمهوری آذربایجان
حاج علی اکرام علی اف



۴-۲. حزب دموکراتیک اسلامی

گروهی از اعضای حزب اسلامی آذربایجان در نوامبر ۲۰۰۲ م. گرد هم آمدند و حزب جدیدی را با عنوان «حزب دموکراتیک اسلامی» بنیان نهادند. این حزب از اصول اسلامی، دموکراتیک و ترکیسم حمایت می‌کند. به دلیل مخالفت‌های دولتی، حزب دموکراتیک اسلامی هنوز نتوانسته است فعالیت‌های رسمی خود را آغاز نماید. به همین دلیل به طور غیررسمی فعالیت می‌کند. مواضع حزب دموکراتیک اسلامی تا حدود زیادی به مواضع حزب اسلامی آذربایجان شباهت دارد (اشرفی، ۱۳۹۳).

۴-۳. گروه مسجد کوبینکا

این گروه تمام فعالیت‌های خود را در کنار فعالیت‌های مسجد انجام داده و در حال حاضر نیز فعال است (اشرفی، ۱۳۹۵).

۴-۴. گروه کوثر

اعضای این گروه را زنان تشکیل می‌دهند و مدیر آن خانم «گلبنیز» است. آنها در زمینه تبلیغ و تدریس برای بانوان در عرصه فرهنگی از جمله: آموزش قرآن، برگزاری مراسم‌های مذهبی و ... فعالیت دارند (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۳/۲).

۴-۵. گروه اهل بیت علیهم‌السلام

این گروه در شهر گوی چای فعالیت می‌کند. از جمله فعالیت‌های آنان، سرودن شعر و سرودخوانی در مراسم عروسی و جشن‌های بزرگ مانند عید غدیر، عید مبعث، عید فطر و ... است و با این کار، باعث جذب جوانان و گرایش به اسلام و شیعه می‌شوند (همان).

۴-۶. دیگر گروه‌های سیاسی شیعی و تشکل‌های همسو

در حالی که تا چند سال قبل گروه‌های اسلامی موجود در کشور آذربایجان در حزب اسلام و چند گروه محلی خلاصه می‌شد، اما در پی بلوغ سیاسی، تفاوت دیدگاه‌ها و دورماندن از برخوردهای حکومت، امروزه شاهد ده‌ها جمعیت و تشکل سیاسی و اجتماعی هستیم که در مقاطع گوناگون، نسبت به مسائل پیش آمده واکنش نشان می‌دهند و با کنار گذاشته شدن یکی، دیگری راه آنها را ادامه می‌دهند. امروزه وقتی از شیعیان این کشور و یا صاحب نظران سیاسی و از حضور و نفوذ آنها سؤال می‌شود، تعدادشان را رو به رشد می‌دانند. همچنین گرایش‌های دین‌مدار،



به ویژه مطالبه حق آزادی فعالیت‌های دینی در برخی دیگر از احزاب و گروه‌های سیاسی وجود دارد. «اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر» رامی‌توان یکی از همین گروه‌ها دانست. شیعه‌گری آذری‌ها علاوه بر رویکردهای سنتی و مبتنی بر عادت‌های عامیانه مردم که در بین طرفداران حزب اسلامی رایج می‌باشد، در اشکال روشنفکرانه و مترقی نیز تبلور یافته است. جریان مذهبی منتسب به «حاجی ایلقار ابراهیم اوغلو»، روشنفکر مذهبی، مهم‌ترین جریان شیعی مدرن در آذربایجان است. او رئیس اتحادیه اسلامی حمایت از حقوق بشر و نماینده انجمن بین‌المللی آزادی دینی در آذربایجان است. این روشنفکر مذهبی جوان که گفته می‌شود به مدت هشت سال به تحصیل علوم دینی و فلسفه اسلامی در دانشگاه‌های ایران مشغول بوده، از اندیشه‌های شهید مطهری علیه السلام تأثیر پذیرفته است. حاجی ایلقار در کنار توجه به شیوه‌های ملایم مذهبی، از منتقدان سرسخت حاکمیت اقتدارگرای علی‌اف است و به خاطر مخالفت با دولت در ۲۰۰۴ م. از امامت جماعت مسجد جامع باکو منع و با محدودیت‌های اساسی در فعالیت‌هایش مواجه شد (مصاحبه با یکی از طلاب کشور آذربایجان مستقر در ایران، مردادماه ۱۴۰۰). برخی از تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی شیعیان جمهوری آذربایجان عبارتند از:

الف) مرکز دفاع از آزادی اعتقادات به رهبری ایلقار ابراهیم اوغلو؛

ب) حزب اتحاد به رهبری حاج خودات خودی‌اف؛

ج) حزب فضیلت به رهبری حاج گوندوز حاجی‌اف؛

د) حزب سبز به رهبری مائیس گل علی‌اف؛

ه) اتحادیه اجتماعی دیرلر به رهبری آب گل سلیمان‌اف؛

و) اتحادیه اجتماعی بیرلیک به رهبری نامیک بابا خان‌اف؛

ز) مجمع دینی مسجد جامع شهر باکو؛

ح) حاج عبدال سلیمان‌اف، هیئت جعفری؛

ط) جریان حاج طالع باقراف، مسلمان بیلدی حرکاته؛

ی) جریان حسینون و مدافعان حرم؛

ک) جریان حاجی سردار، آذربایجان روحانیلرینون مجلسی (مصاحبه با دو نفر از طلاب

فعال و کنشگر اجتماعی در جمهوری آذربایجان، ۱۴۰۰/۴/۸).

علاوه بر آن، ائتلاف با سایر تشکل‌های همسو، از جمله تشکیل ائتلاف اتحادیه نیروهای

آذربایجان، ائتلاف مقطعی با احزاب مخالف، ائتلاف مقطعی در زمان انتخابات، ائتلاف



جمعیت‌ها و گروه‌های مذهبی در حوادثی نظیر حمله رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان از آن جمله هستند (جباری، ۱۳۸۹: ۱۸۰).

۵. فعالیت شیعیان آذربایجان

بعد از دوره استقلال که فضای سیاسی-اجتماعی برای شیعیان محدود شد، آنها رسماً دخالت خود را در سیاست ابراز نمی‌کنند؛ بلکه به عنوان مدافع حقوق بشر و ارزش‌های سنتی عمل می‌کنند. آنها برخی مواقع کنشگری خود را در سازمان‌ها و تشکل‌های اجتماعی اسلام‌گرا در مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به مسائل مذهبی در آذربایجان مطرح می‌نمایند. به عنوان مثال، در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۳ م. تعدادی از رهبران و بزرگان شیعی از مخالفان حمایت کردند و به همین خاطر، دستگیر و زندانی شدند. هم‌اکنون نیز شخصیت‌های مخالف و فعال شیعی هنگام ورود به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، به بهانه‌های مختلف توسط دولت دستگیر و زندانی می‌شوند. در کنار این فعالیت‌ها، سال ۲۰۱۵ م. تیپ «حسینیون» توسط برخی طلاب آذربایجان تشکیل شد که به تیپ «حسینچی‌لر» معروف شدند و فعالیت‌های مختلفی در مقابله با دولت آذربایجان انجام می‌دهند؛ این تیپ دارای شاخه فرهنگی، آموزشی و نظامی بوده و نیروی‌های خود را در زمینه فرهنگی و نظامی تربیت می‌کند. ایده پرداز فکری این گروه، «شیخ اورخان محمداف» و رهبر آنان «شیخ توحید ابراهیمی» هستند. این تیپ در سوریه نیز علیه نیروهای تکفیری فعال بودند و یکی از مهم‌ترین هدف‌هایشان را مقابله با تکفیری‌ها عنوان می‌کنند (مصاحبه با شیخ اورخان محمداف و شیخ توحید ابراهیمی، مردادماه ۱۴۰۰).

۶. روابط شیعیان و اهل سنت در جمهوری آذربایجان

با گذشت قرن‌های متمادی از سکونت شیعه و سنی در این منطقه، همچنان بین آنها روابط مسالمت‌آمیزی برقرار و با وجود تأثیر عوامل داخلی و خارجی، این روحیه حفظ شده است. به وضوح می‌توان پروژه‌های خنثاشده دولت‌های غربی را که با آذربایجان مخالف هستند و نقشه‌های حیل‌گرانه‌ای را که برای مهندسی مذاهب موجود در آذربایجان برای تضعیف تشیع اصیل آذری و تقویت افراط‌گرایی و وهابیت دارند، مشاهده کرد؛ اما تاکنون نتوانسته‌اند از هم‌بستگی مذاهب بکاهند و اختلاف ایجاد کنند. مذاهب مختلف در روابط اجتماعی، فرهنگی و انجام آداب و رسوم ملی با یکدیگر همکاری دارند. اختلاف بین گروه‌های وهابی و شیعیان اگرچه جزو سیاست‌های عوامل خارجی بوده است، اما به جز چند درگیری که در قصبه‌های مهدی‌آباد، بیله‌جری، بزونای باکو و چند شهر دیگر کشور اتفاق افتاده و به



دستگیری تعدادی از شیعیان و وهابی‌ها و حبس چندماهه آنان در سال ۱۳۸۵ ش. منجر شده، کمتر اتفاق افتاده است. در این زمینه حکومت برای حفظ امنیت و آرامش کشور، با چنین تنش‌هایی به صورت جدی برخورد کرده است (جباری، ۱۳۸۹: ۷۲).

نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعی در جهان اسلام است که در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و قربت‌های مهم فرهنگی، دینی و تاریخی با ایران دارد. مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به مذهب اکثریت مردم تبدیل شد. در بین اقوام ساکن در آذربایجان، آذری‌ها بیشترین سهم و تعداد را در کشور دارند و بعد از آنها تالش‌ها، لزگی‌ها، تاتارها، کردها و آوارها جمعیت‌های بعدی را تشکیل می‌دهند. امروزه شیعیان با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به خود و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری‌ها) از حیث توانمندی جمعیتی بالاترین مزیت را در آذربایجان دارند و به تبع این، حاکمیت و دولت نیز به طور کامل در دست آذری‌های شیعه مذهب است. جمهوری آذربایجان از این لحاظ وضع برجسته‌ای در بین کشورهای شیعه دارد. حاکمیت در آذربایجان ریاستی است و اختیارات اصلی در دست رئیس‌جمهور شیعه قرار دارد و رؤسای قوای دیگر نیز از حیث قومی و مذهبی شیعیان آذری هستند. افزون بر اینها، سایر اهرم‌های قدرت نظیر نمایندگان مجلس، شهردارها، نظامیان بلندپایه و رسانه‌های گروهی نیز تقریباً در دست شیعیان است.

جمهوری آذربایجان بعد از استقلال از شوروی همانند سایر جمهوری‌های این کشور در صدد بازگشت به هویت خود و به دست آوردن هویت مستقلی از دوران شوروی بوده و این امر چندین سال است که ادامه دارد، استقرار نظام سیاسی سکولار در جمهوری آذربایجان بعد از استقلال از شوروی، موجب شده تا اسلام به ویژه مذهب تشیع با ویژگی‌های خاصی در جامعه آذربایجان شکل بگیرد. پویش شدید اسلام سیاسی در این کشور و یا تمایل عمومی و ملی به استقرار یک نظام دینی هرگز شکل نگرفته است. هرچند این تلقی که عنصر اسلامی به طور کامل از حیات سیاسی و اجتماعی جامعه آذربایجان خارج شده است نیز برداشت صحیحی نیست؛ چراکه در بستر همین شرایط خاص اجتماعی و دینی، جریان‌های مختلف اسلامی اعم از شیعه، سنی و وهابی طی



دو دهه اخیر در جمهوری آذربایجان شکل گرفته است؛ هرچند ساخت سیاسی سکولار این کشور و رویکردهای دولت آن مانع از نقش آفرینی پوییش تعیین کننده احزاب اسلام گرا در روند تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور شده است.

استقلال جمهوری آذربایجان و تشکیل دولت ملی توسط شیعیان، فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضد دینی شوروی خارج شوند شیعه را احیا کنند. این رویداد توسط عوامل خارجی در منطقه قابل تقویت بود که بهترین فرصت در این خصوص وجود کشوری قدرتمند و تأثیرگذار همچون جمهوری اسلامی ایران بود که براساس ایدئولوژی انشعاب یافته از مذهب تشیع اداره می شود. ارتباط آسان شیعیان آذربایجان با ایران به ویژه در مناطق آذری نشین، عامل خارجی دیگری بود که سبب تقویت روحیه مذهبی در شیعیان آذربایجان می شد. سفرهای زیارتی شیعیان آذربایجان به ایران به ویژه به مشهد و تحصیل طلاب علوم دینی این کشور در حوزه های علمیه ایران به خصوص جامعه المصطفی العالمیه نیز می توانست سبب تحکیم جایگاه شیعه در آذربایجان شود. چنان که بسیاری از افرادی که پس از تحصیل در آن مرکز و سایر مدارس دینی ایران به آذربایجان بازگشته اند و در ترویج معارف اصیل اهل بیت علیهم السلام کوشیده اند.

کتابنامه

- مرتضی اشرفی، شیعیان جمهوری آذربایجان در گذر زمان، خبرگزاری حوزه، ۹ اسفند ۱۳۹۵ ش. -----
«تعامل و یا سلطه روسیه بر تاریخ سیاسی جمهوری آذربایجان»، پایگاه سیاسی اجتماعی کریمه اهل بیت علیهم السلام ۳۰ مهرماه ۱۳۹۳ ش.
- شیعیان جمهوری آذربایجان در گذر زمان، خبرگزاری حوزه، ۹ اسفند ۱۳۹۵ ش.
سید رضا میرمحمدی، آذربایجان در نکاپوی نقش بین المللی، تهران، ماهنامه ایراس، شماره ۱۸، ۱۳۸۶.
سایت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در باکو
دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، جمهوری آذربایجان (کتاب سبز)، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹.
محمد رضا حافظ نیا، در جمهوری آذربایجان چه می گذرد؟ مجله پاسدار اسلام، شماره ۱۹۰، ۱۳۷۶.
ولی کوزه گر کالجی، اسلام و جریان های اسلامی در جمهوری آذربایجان، تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳
عبد الوهاب تاشستان، تحولات اجتماعیه فرهنگی در آذربایجان، دین و احیای دینی، ترجمه: جلیل یعقوب زاده ی فرد، به نقل از:
Gunay, Unver, "Turkiye'de Toplumsal Degisme ve Din", Turk Yurdu, Sayi 116117-, Nisan- Mayıs. 1997
مصاحبه با توفیق اسد اف از نخبگان کشور آذربایجان و هیئت علمی دانشگاه مجازی المصطفی و کارشناس برنامه های اجتماعی فرهنگی شبکه هادی تی وی. آذرماه ۱۴۰۰.
مصاحبه با یکی از شهروندان فعال در امور اجتماعی در آذربایجان، آذرماه ۱۴۰۰.



- بخش دیپلماسی عمومی و رسانه ای سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو <https://azerbaijan.mfa.gov.ir> مصاحبه با یکی از فعالان عرصه رسانه اهل کشور آذربایجان، آذرماه ۱۴۰۰.
- مصاحبه با ابراهیم عیوض اف، فعال رسانه ای از جمهوری آذربایجان مهرماه ۱۴۰۰.
- خبرگزاری آران/ نگاهی به وضعیت آموزش و تحصیل در جمهوری آذربایجان <http://fa.arannews.com>
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ شهریور ۱۳۹۷، <https://www.irna.ir>
- ولی جباری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۹.
- رضا انصاری مهر، «دین و مذهب در جمهوری آذربایجان»، مجله علمی ترویجی طلوع، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۴.
- الیاس واحدی، برآورد استراتژیک آذربایجان، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۲.
- الیاس واحدی، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
- غلامرضا گلگی زواره ای، شناخت کشورهای اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- غلامرضا گلگی زواره ای، جغرافیای جهان اسلام، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
- مصاحبه با شیخ اورخان محمد اف و نیز شیخ توحید ابراهیمی، ایده پرداز و رهبر تیپ حسینیون، مرداد ماه ۱۴۰۰.
- ولی جباری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم، شیعه شناسی (وابسته به موسسه فرهنگی شیعه شناسی)، ص ۱۴۱-۱۳۹.
- نشست علمی چالش های هویتی شیعیان آذربایجان، جناب آقای پاک آیین سفیر سابق ایران در آذربایجان، مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۱.
- حسن رضایی و جمعی از نویسندگان، وضعیت شناسی شیعیان در جهان معاصر، ج ۲، ص ۴۳.
- مصاحبه با یکی از طلاب آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران؛ مردادماه ۱۴۰۰.
- مصاحبه با دو نفر از طلاب فعال و کنشگر اجتماعی در جمهوری آذربایجان مورخ ۱۴۰۰/۴/۸، قم.
- ولی جباری، شیعیان جمهوری آذربایجان، ص ۱۸۰.
- محمود تقی زاده داوری، گزارشی از آمار جمعیتی شیعیان کشورهای جهان بر اساس منابع اینترنتی و مکتوب، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۹۰.
- حسن رضایی و جمعی از نویسندگان، وضعیت شناسی شیعیان در جهان معاصر، تهران، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۷.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، جمهوری آذربایجان، تهران، کتاب سبز، ۱۳۹۰.
- حسن رضایی، وضعیت شناسی جهان اسلام و مسلمانان در مناطق مختلف جهان، ۱۳۹۷.
- رسول جعفریان، اطلس شیعه، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
- رسول جعفریان، اطلس شیعه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
- شیعیان جمهوری آذربایجان در ماه محرم، ۲۹ آبان ۱۳۹۱، منتشره در: <http://fa.arannews.com/News34318>.
- گزارش نشست هیئت کمیته دولتی همکاری با سازمان های دینی جمهوری آذربایجان، ۱۴ تیر ۱۳۹۶، منتشره در سایت خبرگزاری بین المللی قرآن به آدرس اینترنتی: <https://iqna.ir/fa/news/3615822>.



مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو

| ۸۳ |



ACIS - The Alliance Center for Iranian Studies
The Lester and Sally Entin Faculty of Humanities
Tel Aviv University

رضا کاظمی راد^۱

چکیده

یکی از موضوعاتی که در دوران معاصر به ویژه چند دهه کنونی از سوی بنیادها و نهادهای آکادمیک یهودی و صهیونیستی مورد توجه جدی قرار گرفته است، مطالعات خاورشناسی با رویکرد شیعه پژوهی است. این موضوع اگرچه از پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی وجود داشته اما پس از تأسیس این رژیم، با جدیت بیشتری دنبال شده و هزینه‌های فراوان مالی و انسانی برای آن صرف شده است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، مطالعات شیعه‌شناسی در مراکز علمی و دانشگاهی رژیم صهیونیستی وسعت و عمق خاصی یافت که تأسیس مراکز اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی و برپایی همایش‌های دوره‌ای، با حضور خاورشناسان و کارشناسان مطرح، آغازی از یک پروژه گسترده مطالعاتی بوده است. در این پژوهش با رویکرد توصیفی و البته بن‌مایه تحلیلی، به بررسی اجمالی مراکز شیعه پژوهی در سرزمین‌های اشغالی پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که یکی از مراکزی که سابقه و جایگاه ویژه‌ای در مقوله شیعه پژوهی دارد، مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو است که پژوهش‌های متعددی در قالب‌های مختلف در حوزه شیعه پژوهی داشته است.

واژگان کلیدی: خاورشناسی، شیعه پژوهی، انقلاب اسلامی ایران، مرکز مطالعات ایران‌شناسی، دانشگاه تل‌آویو، رژیم صهیونیستی.



مقدمه: شیعه‌پژوهی، برآیند مطالعات شرق‌شناسی

آن‌گونه که بسیاری از خاورپژوهان معترف‌اند، هیچ دینی به اندازه یهودیت در پیش‌بینی ظهور اسلام سابقه نداشته و نسبت به حقانیت دین مبین اسلام واقف نبوده است. از سوی دیگر، هیچ دینی به اندازه اسلام به‌ویژه در قرآن، یهودیت را معرفی نکرده است. خاورپژوهی در عصر حاضر به‌ویژه با رویکرد شیعه‌پژوهانه آن مورد توجه جدی یهودیان و صهیونیست‌ها بوده است و پس از تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی، توان و هزینه فراوانی صرف آن شده است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، مطالعات شیعه‌شناسی در مراکز علمی و دانشگاهی رژیم صهیونیستی وسعت و عمق خاصی یافت که تأسیس مراکز اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی و برپایی همایش‌های دوره‌ای، با حضور خاورشناسان و کارشناسان مطرح، آغازی از یک پروژه گسترده مطالعاتی بوده است.

مطالعات شرق‌شناسی

در سال‌های نخست تأسیس بخش مطالعات شرق‌شناسی در رژیم اشغالگر قدس در دهه سی میلادی، محققان یهودی تبار آلمانی حضور پررنگی در آن داشتند. به‌طور طبیعی، برای تربیت دانشجویان به جذب استاد نیاز بود و برای حل این معضل از یهودیان آلمان کمک گرفته شد. سنت مطالعات اسلامی در آلمان به‌طور جدی آغاز شده بود و اسلام‌شناسان نیز که در آن ایام به فعالیت و تحقیق درباره اسلام مشغول بودند، نقش مهمی در تکوین بخش مطالعات خاورشناسی در اسرائیل غاصب ایفا کردند.

ژوزف هورویتس^۱ (۱۹۳۱-۱۸۷۴م) از شیعه‌شناسان و قرآن‌پژوهان یهودی آلمانی که در دانشگاه فرانکفورت به فعالیت مشغول بود، برای پنج سال و به‌عنوان نخستین استاد مدعو، ریاست و تدریس بخش مطالعات شرق‌شناسی در رژیم اشغالگر قدس را برعهده گرفت. وی در دانشگاه برلین به تحصیل مطالعات شرق‌شناسی پرداخت و نزد استادانی چون ادوارد زاخاو تعلیم دید. پس از او نیز یهودی دیگری از دانشگاه فرانکفورت به‌نام گوتهلد ویل که در مطالعات فقه‌اللغه عربی و ترکی تخصص داشت، جانشین او شد. تلاش‌های استادانی چون پلاسنر^۲،

1. Joseph Horovitz
2. Gotthold Weil
3. Plassner



متخصص در طب و فلسفه اسلامی، ریولین، مترجم قرآن به زبان عبری، شلمو پینس، متخصص در فقه شیعه و فلسفه و کلام اسلامی و بسیاری دیگر در تکوین گروه مطالعات خاورشناسی در رژیم اشغالگر قدس تأثیر مهمی داشته است. پس از دوران جنگ‌های اعراب و اسرائیل، باتوجه به تداوم روند مهاجرت یهودیان، بخش‌های مختلف به فلسطین اشغالی، فعالیت‌های آکادمیک رژیم اشغالگر قدس گسترش یافت و در سیاستی جدید برای گسترش نفوذ هرچه بیشتر، برخی از دانش‌آموختگان دانشگاه عبری برای گذراندن دوران تحصیلات تکمیلی خود به دانشگاه‌های دیگر اروپایی از جمله مدرسه مطالعات شرقی - آسیایی لندن (SOAS) اعزام شدند.

چهره شاخص و تأثیرگذار این گروه، موشه شارون^۱ است. وی از پایان‌نامه دکترای خود با موضوع «خلافت عباسیان» در سال ۱۹۷۰م. و به راهنمایی برنارد لوپس^۲ دفاع نمود که تا به حال در دو جلد، تحریهای جدیدی از آن ارائه شده است. شارون همچنین به تازگی کتابی درباره «بهائیت» تألیف کرده و عهده‌دار نشر مجموعه کتیبه‌های برجمانده به زبان عبری در فلسطین است که انتشارات بریل در سه جلد، حاصل تحقیقات او را منتشر کرده است. پس از موشه شارون، اتان گولبرگ^۳، از شیعه‌شناسان بنام معاصر نیز در تداوم همین سنت، در مقطع دکترا و در دانشگاه آکسفورد به تحصیل پرداخت و موضوع پایان‌نامه‌اش را با عنوان «موضع امامیه در برابر صحابه» در سال ۱۹۷۱م. تألیف کرد.

تفکیک مطالعات شیعه‌پژوهی از خاورشناسی

تلاش اولیه گروه مطالعات خاورشناسی در سال‌های نخست، بیشتر ارائه خدمات به بخش وزارت خارجه و جنگ دولت رژیم صهیونیستی بود. همچنین نوپا بودن دولت و درگیری با اعراب، توان جدی گروه را برای انجام تحقیقات صرف بازداشته بود. با این حال، در همین سال‌ها دو تن از افراد تأثیرگذار به نام‌های دیوید آیولن (۱۹۱۴-۱۹۹۸م) و مایر ژاکوب^۴ بخش مطالعات اسلامی را به عنوان دپارتمان مستقلی از بخش مطالعات شرق‌شناسی دایر کردند و به تربیت شاگرد پرداختند و مطالعات شیعه‌پژوهی را به صورت جدی در رژیم اشغالگر قدس سامان

1. Moshe Sharon
2. Bernard Lewis
3. Ethan Kullberg
4. Mayer Jacob



دادند. تفکیک زمینه مطالعات اسلامی و پرداختن به موضوعات و مسائل ناظر به جهان اسلام به صورت مجزا و در دیارتمانی مستقل، آن هم در آغازین سال‌های احداث مرکزی آکادمیک در فلسطین اشغالی، به بهترین نحو از میزان اهمیت این حوزه مطالعاتی برای سردمداران حکومتی و سیاسی رژیم غاصب اسرائیل حکایت دارد که پرداختن آن را در اولویت قاطع نسبت به سایر عرصه‌ها قرار می‌داد.

در حال حاضر مطالعات ناظر به جهان اسلام و به طور خاص فعالیت‌های آکادمیک مرتبط با تشیع در پنج بخش مختلف در دانشگاه‌های رژیم اشغالگر قدس پیگیری می‌شود. در واقع نیاز به تفکیک حوزه‌های پژوهشی و تمرکز دقیق برای مطالعات هرکدام، تشکیل پنج بخش مجزا در مهم‌ترین دانشگاه، یعنی دانشگاه عبری اورشلیم را موجب شده است که دیگر دانشگاه‌های مهم فعال در زمینه مطالعات اسلامی نیز از این تفکیک الگو گرفته‌اند. این بخش‌ها عبارتند از:

۱. مطالعات اسلامی و خاورمیانه؛

۲. زبان و ادبیات عربی؛

۳. مطالعات هندی، ایرانی و ارمنی؛

۴. مطالعات آفریقایی؛

۵. مطالعات خاور دور.

امروزه مهم‌ترین دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی که در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی بر مطالعات اسلام‌شناسانه و شیعه‌پژوهانه تمرکز بیشتری دارند، عبارتند از: دانشگاه عبری اورشلیم، دانشگاه بارایلان، دانشگاه تل‌آویو و دانشگاه حیفا (تکیم، شیعه در آمریکای شمالی ایالات متحده آمریکا و کانادا، ص ۵). رصدهای میدانی حاکی از اهمیت موضوعاتی چون شیعیان ایران، مرجعیت پژوهی، تحرکات و اندیشه‌های ناظر به قلمرو تشیع در این دانشگاه‌هاست.

مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو

روی کارآمدن حکومت دینی در ایران، لزوم شناخت این همسایه اسرائیل غاصب را برای دانشجویان و دانش‌پژوهان این کشور دوچندان کرد. دانشگاه تل‌آویو که پس از دانشگاه عبری اورشلیم، دومین و مهم‌ترین دانشگاهی بود که در سرزمین‌های اشغالی تأسیس



شد، یکی از پیشگامان برپایی مرکز مطالعات ایران‌شناسی بود که هدف آن، شناخت فرهنگ شیعی ایران‌زمین و پیشینه تاریخی آن سرزمین پهناور و مناسبات باستانی ملت یهود با آن کشور و مردمانش بود. نخستین گام دانشگاه تل‌آویو برای شناساندن ایران به دانش‌پژوهان اسرائیلی، برپایی «کرسی ایران‌شناسی» بود. ایجاد این کرسی، با تلاش‌های پرویز نظریان، از یهودیان ایرانی ساکن لس‌آنجلس امکان‌پذیر شد. مدت کوتاهی پس از آن، مرکز مطالعات ایران‌شناسی با کمک مالی خانواده «معراج» تأسیس شد و به یاد دکتر حبیب لوی^۱، یکی از شخصیت‌های علمی جامعه یهودیان ایران که تألیفات او در زمینه شناخت پیشینه یهودیان ایران و جهان، یکی از آثار پیشگام در این زمینه بود، نام‌گذاری گردید.

هدف اصلی برپاکنندگان این مرکز پژوهشی در دانشگاه تل‌آویو، پژوهش درباره تاریخ



و فرهنگ شیعی مردم ایران، تاریخ یهودیان ایران، آشنایی با گذشته این سرزمین و انجام تحقیقاتی در رابطه با جایگاه ایران در میان کشورهای خاورمیانه و جهان و همچنین بررسی تاریخ معاصر و بازتاب سیاست‌های ایران بر منطقه و جهان عنوان شده است. این مرکز علاوه بر گنجاندن سرفصل‌های دانشگاهی در برنامه تحصیلی دانشجویان رشته‌های خاورمیانه و علوم سیاسی، انجام پژوهش‌های علمی درباره ایران را نیز تشویق می‌کند و به دانشجویان علاقه‌مند، به‌ویژه در مقطع دکترا بورس تحصیلی ارائه می‌دهد.

دیوید مناشری^۲

مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو با تلاش دیوید مناشری به مرکز مهمی در تحقیقات ایران‌شناسی تبدیل شد. او یکی از ایران‌شناسان مشهور اسرائیلی است. پس از اتمام دوران فعالیت پروفیسور مناشری در ریاست این مرکز در سال ۲۰۱۰م. پروفیسور مئیر

1. Habib Levi
2. David Menashri



لیتواک^۱ جانشین او شد. وی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ م. ریاست این مرکز را برعهده داشت. پس از لیتواک و از سال ۲۰۱۹ تا اواخر سال ۲۰۲۳ م. خانم لیورا هندلمن^۲ ریاست این مرکز را برعهده داشت که با پایان دوره ریاستش، مجدداً مئیر لیتواک از سال ۲۰۲۴ م. ریاست این مرکز را برعهده گرفت.

ازجمله اهدافی که این مرکز برای خود تعیین کرده، گردآوری و نگهداری اسناد، مدارک، عکس‌ها و آثار مربوط به زندگی یهودیان در ایران است.^۳



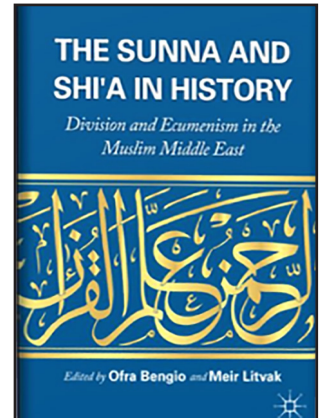
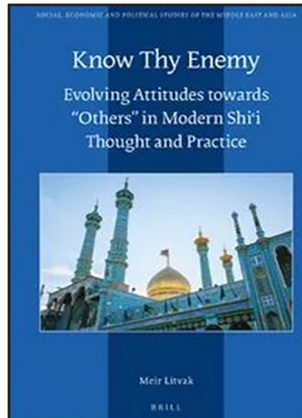
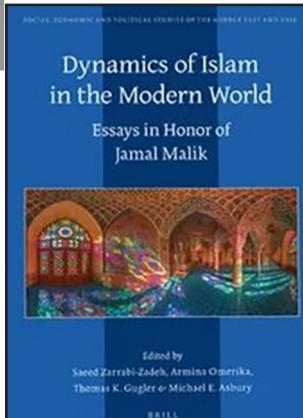
مئیر لیتواک

مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو، هر سال کتاب‌هایی را در رابطه با ایران و نتایج پژوهش‌های استادان و دانشیاران خود درباره آن کشور به صورت مقالات علمی منتشر

1. Meir Litvak
2. Liora Hendelman
3. <http://mfa.gov.il/MFAFA>



می‌کند. موضوع بیشتر کتاب‌های چاپ شده توسط این مرکز، مسائل مرتبط با تشیع و فرهنگ مردم ایران است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به سنی و شیعه در تاریخ،^۱ یهودیان ایران،^۲ یوپایی اسلام در جهان مدرن^۳ و دشمنت را بشناس^۴ اشاره کرد.



همچنین هر سال چند کنفرانس بین‌المللی توسط این مرکز دربارهٔ امور مختلف ایران از جمله وضعیت دینی و مسائل ناظر به تشیع در ایران برگزار می‌شود که برخی از ایران‌شناسان شامل بعضی استادان ایرانی از سراسر جهان برای سخنرانی در آن دعوت می‌شوند.

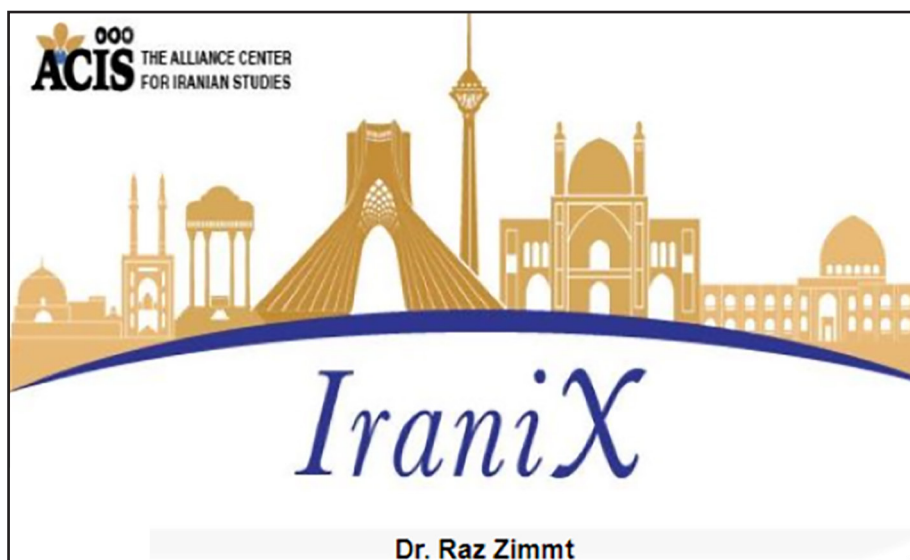
این مرکز مطالعاتی، استادان برجستهٔ بین‌المللی در امور ایران را نیز برای تدریس در دانشگاه تل‌آویو و یا برگزاری سخنرانی دعوت می‌کند. از مهم‌ترین این مدعوین، پروفیسور روبرت گلیو، استاد دانشگاه آکتر انگلیس و نیز ریچارد فرای^۵ بوده‌اند که در همایش‌های علمی این مرکز به صورت فعال شرکت داشته‌اند.

مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه تل‌آویو، گاهنامه‌ای نیز با نام «نبض ایران» (Iran-Pulse) منتشر می‌کند که شامل تحلیل‌های پژوهشگران این مرکز و نیز مقالات و یادداشت‌های دریافتی در موضوعات مختلف مربوط به ایران از جمله سیاست، تشیع در ایران، فرهنگ ایرانی - اسلامی، انقلاب و... می‌شود.^۶

1. The Sunna and Shi'a in History
2. The Jews of Iran
3. Dynamics of Islam in the Modern World
4. Know Thy Enemy
5. Richard Ferray
6. https://en-humanities.tau.ac.il/iranian/publications/irans_pulse



همچنین این مرکز نشریه دیگری را با نام «ایرانی‌کس» (Iranix) منتشر می‌کند که بنابر آنچه در چرایی انتشار این نشریه آمده است، هدف آن تمرکز بر جنبه‌های کمتر پرداخته شده از مذهب، فرهنگ، جامعه و سیاست ایران است. تاکنون پانزده شماره از این ویژه‌نامه منتشر شده است که انتشار آخرین شماره آن به ژانویه ۲۰۲۴ م. بازمی‌گردد. مدیریت انتشار این نشریه را دکتر «راز زیمت»^۱ برعهده دارد.



این مرکز همچنین متولی برگزاری همایش‌های ایران‌شناسی در دانشگاه تل‌آویو است و چهره‌های سرشناس و آکادمیک ایرانیان مقیم خارج از کشور را گرد هم جمع می‌کند. برخی از ایرانیانی که تاکنون در این همایش‌ها شرکت کرده‌اند، عبارتند از:

1. Dr. Raz Zimmt



ردیف	نام	سمت
	دکتر فرهنگ مهر	استاد دانشگاه و رئیس سابق دانشگاه پهلوی
	دکتر مسعود انصاری	نویسنده و پژوهشگر در مذاهب شرق
	دکتر علی‌اکبر جعفری	استاد زبان فارسی
	دکتر محمد عاصمی	نویسنده و پژوهشگر
	دکتر ون‌دیداد گلشنی	فلسفه و تاریخ زرتشت
	دکتر منوچهر تهرانی	اقتصاد ایران
	مسعود سپند	شاعر و نویسنده
	بانو مهرا ملک‌ی	مورخ
	دکتر اردشیر نوشیروانی	روان‌شناس

در تحلیل فلسفه وجودی و مأموریت این مرکز و مراکز مشابه باید گفت که باتوجه به جایگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران - به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی - در جهان امروز و به‌طور خاص در خاورمیانه، شناخت دین، فرهنگ و تاریخ این سرزمین برای دشمنان آن مقوله‌ای جذاب و البته ضروری است. بدون شک یافته‌های علمی این مراکز اعم از تاریخی، دینی و جامعه‌شناختی در اختیار مراکز تحلیلی‌گر و تصمیم‌ساز رژیم صهیونیستی در راستای دشمنی با جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت و - به نسبت - ملاک تصمیم‌گیری آنها خواهد بود.



ظرفیت‌شناسی شیعیان اسماعیلی در تعامل با تشیع اثناعشری

سید محمد مهدی جعفری^۱

چکیده

اسماعیلیه گروهی هستند که پس از رحلت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ قمری بوجود آمدند. ظرفیت‌های تعاملی میان امامیه و شیعیان اسماعیلی، با دو رویکرد تاریخی و معاصر قابل بحث و بررسی است. در رویکرد تاریخی، مولفه سیاسی و حاکمیتی، مولفه های علمی و فکری-فلسفی از جمله مهمترین مولفه‌هایی هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند. در دوره معاصر، پس از درگذشت المستنصر بالله، انشعاب بزرگی درون فاطمیان بوجود می‌آید و اسماعیلیه به دو دسته نزاریان و مستعلویان تقسیم شدند. نزاریان در نقاطی همچون شام، یمن، ایران، ماوراءالنهر، شبه قاره هند، کنیا، تانزانیا و اوگاندا مستقر شدند. در ایران، نزاریان طی سده‌ها، به صورت سنتی در کنار شیعیان امامی به گونه مسالمت آمیز زیسته‌اند. این مسئله، بستری مناسب جهت یگانگی فرهنگی، زبانی و پیوندهای تاریخی بر پایه میراث مشترک زبان فارسی میان ایرانیان امامی مذهب و اقلیت‌های اسماعیلی به وجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: شیعه، اسماعیلیان، نزاریان، مستعلویان



پس از رحلت امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ق. انشعاب بزرگی از شیعه امامیه به وجود آمد که بعدها اهمیت بیشتری یافت. اسماعیلیان هرچند همچون امامیه، امامت را به نص می‌دانستند، ولی درباره سلسله امامان پس از امام صادق علیه السلام با دیگر پیروان آن حضرت دچار اختلاف شدند. این جریان با محوریت فرزند بزرگ امام، اسماعیل که در حیات پدر از دنیا رفته بود، پا گرفت و حیات نسبتاً مستقل خود را از نیمه قرن دوم آغاز کرد. این جریان شیعی که گاه در ابتدای شکل‌گیری خود حمایت بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام را با خود داشت، علی‌رغم گفتمان ویژه‌اش در مواجهه با مسائل عقیدتی و سیاسی در طول تاریخ، به دلایلی از جمله اختلافات فکری، تفاسیر مختلف از نصوص دینی، جاه‌طلبی برخی رهبران و اختلاف در جانشینی دچار انشعابات گوناگون شد. آنها موفق شدند به موازات ساماندهی چارچوب‌های آغازین منظومه فکری خود، به عنوان یک فرقه شیعی در مغرب، مصر و شمال آفریقا خلافت باشکوه و پهناور «فاطمی» را ایجاد کنند. همواره ممکن است این‌گونه گمان شود که وقتی بحث از ظرفیت‌های تعاملی امامیه و شیعیان اسماعیلی به میان می‌آید، بدون نظر داشت تحولات تاریخی، باید به سراغ زمینه‌ها و بسترهای تعامل در دوران معاصر رفت. اما نوع روابط و مناسبات کنونی در پیوند با تحولات تاریخی بوده و در پرتو آن ارزیابی و بازتعریف می‌شود. از این رهگذر، مؤلفه‌هایی که به عنوان زمینه و ظرفیت‌های تعامل دو گروه از شیعیان می‌تواند مورد توجه قرار می‌گیرد با دو رویکرد تاریخی و معاصر بررسی می‌شود.

۱. رویکرد تاریخی

مقصود از این رویکرد، مجموعه رفتارها، اقدامات و روابطی است که می‌تواند تا اندازه‌ای به مثابه یک ظرفیت و به‌طور روشن‌تر ابزاری برای الگوگیری و اقتباس آگاهانه شیعیان امامی از شیعیان اسماعیلی قرار بگیرد.

۱-۱. مؤلفه سیاسی و حاکمیتی

سبعیه یا اسماعیلیان پس از جدایی از شیعیان امامیه، به ایجاد شبکه‌های تبلیغی با عنوان «الدعوة الهادیة» دست زده و با کوشش‌های «ابوعبدالله شیعی» و پس از گریز از مرکز خلافت سرزمین‌های شرقی (بغداد)، در آفریقای شمال آفریقا توانستند در سال ۲۹۷ق. به‌طور رسمی نخستین دولت شیعی را که عنوان خلافت بر خود داشت، توسط «عبیدالله مهدی»



در رقاده بنیان گذارند (نک: ابن اثیر، الكامل في التاريخ: ۴۴/۸-۴۸؛ العيون والحدائق، ۲۱۹/۴؛ ابن عذارى، البيان المغرب في أخبار الأندلس والمغرب: ۱۴۹/۱-۱۵۰). بدین ترتیب در جهان اسلام به‌طور هم‌زمان سه دستگاه خلافت متقارن شکل گرفت؛ عباسیان در بغداد، فاطمیان در مصر و امویان در اندلس. فاطمیان در اثر زلزله و افول تدریجی نفوذ عباسیان از اوایل سده چهارم، ابتکار عمل را در دست گرفته و توانستند دامنه قلمرو و پهنه خلافت شیعی را نه تنها در مصر و شمال آفریقا، بلکه در برهه‌ای به سراسر شامات و حتی مناطق یمن توسعه دهند. نوع زمامداری، مبانی اندیشه سیاسی حاکم، کوشش برای مشروعیت‌بخشی به گفتمان شیعی خلافت، تشکیلات و مراتب اداری و دیوان‌سالاری و نوع روابط و مناسبات اسماعیلیان فاطمی با دیگر دولت‌های محلی و خاندانی معاصر خود، به‌خصوص دولت‌های شیعی همچون حمدانیان حلب، دولت بنومرداس، سامانیان عهد امیرنصر سامانی و دیلمیان آل بویه و حفظ توازن قوا در کنش با آنها در طی ۲۷۰ سال را می‌توان زمینه تاریخی و کهن‌الگوی ((archetype) نظامات سیاسی شیعیان امامیه معاصر (به‌ویژه در چارچوب گفتمان نظام ولایت فقیه) به‌شمار آورد. همچنین نوع مواجهه با خلافت عباسی و اسماعیلیان نظری الموت در ایران با دولت سنی سلجوقی از این رهگذر قابل ارزیابی و مطالعه است.

۲-۱. مؤلفه‌های علمی و فکری - فلسفی

هویت آغازین شیعی و میراث چشم‌گیر مشترک این دو فرقه، به‌ویژه با رویکردهای خردگرایانه، تأویلی و باطنی در برابر ظاهرگرایی نظام سنی، بستر داد و ستدها و وام‌گیری‌هایی را میان امامیه و تعلیمیان اسماعیلی (نک: الأنساب سمعانی، (ذیل مدخل: تعلیمی) و تبصرة العوام في مقالات الأنام للشيرازي الآبي، ص ۷۶) اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. علی‌رغم پرهیز سنتی اسماعیلیان نزاری^۱ ایران از حدیث و علوم وابسته به آن و در مقابل، توجه به خردورزی و نص‌گزینی، آثار و جوامع حدیثی مهمی در دستگاه اسماعیلیان فاطمی مصر شکل گرفت که در بردارنده اصول، احادیث و اسامی قدیم شیعی بود و در آثار قاضی نعمان مغربی (قاضی القضاة فاطمیان (۳۶۳ق)) همچون شرح الاخبار، دعائم

۱. مراد از نزاریان، پیروان نزار، فرزند ارشد المستنصر بالله، هشتمین خلیفه فاطمی است که امروزه پس از شیعیان امامی مذهب دومین جامعه پرجمعیت شیعی را تشکیل داده و نماینده و رهبر معنوی فعلی ایشان امروزه کریم آقاخان (چهل‌ونهمین امام نزاریه) است.



الاسلام و کتاب التوحید (شامل خطبه‌های ناموجود در نهج البلاغه) و دیگر عالمان و نظریه‌پردازان نمود یافت. اسماعیلیان نزاری ایران که به انگیزه نفوذ هرچه بیشتر در بدنه جامعه ایرانی، بیشینه متون علمی فلسفی خود را به فارسی نوشته و در این راه اصرار می‌ورزیدند، بیشتر تولیدهای فکری و عقیدتی خود را با رویکرد باطنی و تعبیری به صورت نظم و نثر فارسی نوشتند. آثار ناصر خسرو (۴۶۳ق) همچون شرح قصیده فلسفی ابوالهیثم جرجانی، زاد المسافرین، وجه دین و جامع الحکمتین (که توفیق و الفتی میان حکمت دینی و حکمت یونانی بوده) را باید نمودی از این کوشش‌ها دانست که بعدها توسط پیروان وی، یعنی ناصریان تخارستان رواج و گسترش یافت و در دستگاه‌های کلامی و فکری دیگر از جمله امامیه مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از قرن هفتم به بعد، صوفیان یکی از علاقه‌مندان و متقاضیان آثار و متون منظومه تأویلی - اشاری اسماعیلیان شدند و علی‌رغم باور به شستن اوراق دفتر، در تبیین برخی مفاهیم صوفیانه برای مریدان خود این آثار را بسان دستینه‌های همواره همراه ایشان می‌شمردند. از نقطه نظر آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی و مقالات و باورهای هر یک، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸ق) که یکی از متفکران نامدار اسماعیلی است، می‌توان نام برد که کتاب الملل والنحل او اگر نه یگانه متن، بلکه از پرسامدترین مصادر کلامی و فرقه‌شناختی مورد استفاده شیعیان امامی، به ویژه حلقه شاگردان علامه حلی رحمته الله علیه بوده است.

بی‌هیچ گفتگو، شاخص‌ترین و برجسته‌ترین دانشمند، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) بود. فیلسوف و فرزانه اسماعیلی نظری که پس از سی سال خدمت به سنت شیعی اسماعیلی و تولید محصولات حکمی و فلسفی در جوامع قلعه‌نشین اسماعیلیان ایران، در پی تحولات سیاسی منجر به تسخیر قلاع اسماعیلیه و قلع و قمع آنها توسط تاران مغول به امامیان پیوست و منشأ خدمات ژرف و گسترده به جامعه شیعیان اثناعشری شد.

هرچند خواجه در خانواده‌ای دوازده‌امامی زاده شد و تحصیلاتش را در محیطی امامی به پایان رساند، اما مهم‌ترین بهره حیات علمی و معرفتی‌اش را به مدت سی سال میان نزاریان سپری نمود که شاید پربارترین مرحله زندگی او باشد. از این منظر، شاید بتوان با اندکی تسامح، تحول فکری و مذهبی خواجه را با برادران هارونی در سنت زیدیان ایران (قرن ۵ هجری) که شیخ طوسی در مقدمه کتاب التهذیب بدان اشاره نموده است، مقایسه کرد. در این زمان



است که او توانست رساله‌های بی‌شماری را در نجوم، کلام، فلسفه، ریاضیات، هندسه و دیگر موضوعات تألیف نماید. جایگاه خواجه چنان والا است که هریک از دانشمندان دو جریان شیعی اسماعیلی و امامی (به خصوص پس از سقوط بغداد) او را به مثابه اندیشمند و نظریه‌پرداز هم‌کیش خود قلمداد کرده‌اند. خواسته دانشمندان دوازده‌امامی قرون میانه که با اصرار هرگونه ارتباط بین او و اسماعیلیه و انتساب تصنیفات او را - که در بین اسماعیلیان نزاری رایج و محفوظ مانده - انکار کرده است و اقدامات و فعالیت‌های چشم‌گیر علمی چند دهه وی در جهت تعالی و تعمیق سنت‌های تفکر اسماعیلی را از سر تقیه و ترس از جان دانسته‌اند. موضوعی که آثاری همچون اخلاق ناصری و اخلاق محتشمی و از همه مهم‌تر زندگینامه خودنوشت وی موسوم به رساله سیر و سلوک این انگاره را نفی می‌کند.

خواجه پس از پیوستن به مغول و هنگامی که محتاج حمایت آنان بود، هم‌بستگی خود با شیعیان دوازده‌امامی را تأیید و چند رساله کلامی در راستای عقاید آنها همچون تجرید الاعتقاد - که تلفیقی از عقاید بنیادی امامیه با فلسفه ابن‌سینا می‌باشد - را به رشته تحریر درآورد. احتمالاً در اثر همین چرخش بود که رفته‌رفته از هویت اسماعیلی خود فاصله گرفت و دیباچه نخستین تقدیم اخلاق ناصری را تغییر داد.

بنابراین، نقش و تأثیر دانشمند جامعی همچون خواجه در نظام فکری کلامی و حتی فقهی امامیه، چنان ژرف است که اگر تاریخ تطور علم و معرفت در میان شیعیان امامی را به پیش و پس از حیات او تقسیم کنیم، گزاف نخواهد بود. ابتکاراتی چون تدوین کلام فلسفی امامیه، تصویر گفتمان سیاسی شیعی در عصر پسا خلافت عباسی و... را می‌توان نمود برجسته تاریخی پیوند ظرفیت‌های دو جریان شیعی دانست.

۲. رویکرد معاصر

پس از انشعاب بزرگ درونی فاطمیان در پی درگذشت المستنصر بالله (هشتمین خلیفه فاطمی مصر) در ۴۸۷ ق. اسماعیلیه به نزاریان و مستعلویان تقسیم شدند. نزاریان که به نزار، فرزند ارشد المستنصر باور داشتند، پس از به قدرت رسیدن برادر کوچک‌ترش، مستعلی (نهمین خلیفه فاطمی)، به مناطق مختلف کوچ کرده و در نقاطی همچون شام، یمن، ایران، ماوراءالنهر، شبه‌قاره هند، کنیا، تانزانیا و اوگاندا مستقر شدند. آنها در ایران، طی سده‌های مختلف به صورت سنتی در کنار شیعیان امامی به‌گونه مسالمت‌آمیز زیسته‌اند.



برخی از جامعه فارسی زبان ایشان همچنان امروزه در افغانستان و تاجیکستان حضور مؤثری داشته و جملگی آنان پیرو امام زمان خود، «کریم آقاخان چهارم» هستند که اگرچه اصلیتی ایرانی داشته، ولی در ژنوزاده و در پاریس بالیده است. این مسئله صرف نظر از جغرافیای سیاسی موجود که در گذشته شامل ایران و خراسان تاریخی می شده است، بستر مناسبی برای یگانگی فرهنگی، زبانی و پیوندهای تاریخی براساس میراث مشترک زبان فارسی میان ایرانیان امامی مذهب و اقلیت‌های اسماعیلی به وجود می آورد. به عنوان نمونه، اسماعیلیان خطه واخان بدخشان که در سرحدات ایغورستان یا ترکستان شرقی (ایالت شین جیانگ چین) قرار داشتند، همواره در طی تاریخ به مثابه حلقه اتصال میراث، گویش‌ها و گاه زبان‌های خاموش ایرانی بوده و از این راه بسیاری از آثار گم شده و مفقود ایران و اسلام را برای ترجمه به زبان ایغوری و یا گویش سُغدی (از شاخه زبان‌های ایرانی) دره زرافشان تاجیکستان و ازبکستان میزان قابل توجهی از سنت‌های فرهنگی ایران شرقی را حفظ نمایند (زبان‌های خاموش یوهانس فردریش، ترجمه یدالله ثمره و مرحوم استاد دکتر بدرالزمان قریب). در هند و سند، خوجه‌های امامی مذهب در کنار خوجه‌های آقاخانیه بهره‌های مستعلوی - طیبی که اصالتاً هندوتبار بوده‌اند و زیرشاخه‌های آن، نمونه یک جامعه آرام و بی تنش را به تصویر کشیده‌اند.

صرف نظر از کژی‌ها و ناستواری برخی باورهای نزاریان آقاخانی، ثروت، امکانات انبوه و شبکه گسترده تجاری و بازرگانی در قاره‌های پنج‌گانه جهان، شیعیان نزاری را برای رفع برخی تنگناها در چشم جامعه امامی مذهب به صورت یک فرصت بازمینه مذهبی مشترک ترسیم می‌کند. کریم آقاخان چهارم که چهل و نهمین امام اسماعیلیان و با شهرت «مولانا حاضر امام» از او یاد شده و از تیرماه ۱۳۳۶ ش. تاکنون امامت اسماعیلیان را برعهده دارد، در کنار احداث صدها مدرسه، دانشگاه، فرهنگستان، موزه، نهاد فرهنگی و مؤسسه اقتصادی که در کشورهای گوناگون بنیاد نهاد، شبکه توسعه آقاخان (agha khan development network) را نیز پایه‌گذاری کرد و به صورت گسترده در سراسر جهان در حال فعالیت است و به عنوان یکی از موفق‌ترین نهادهای توسعه و خیریه شناخته می‌شود. البته بیشتر فعالیت‌های خیریه و توسعه‌ای آقاخان در کشورهای فقیر است. با این همه، وی و گروه همکارانش به واسطه همین فعالیت‌های گسترده اقتصادی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی همچون شاه یا رئیس جمهوری بی‌کشور می‌باشد. اما



نهادهای زیر نظر او با ده‌ها هزار کارمند در بیش از پنجاه کشور جهان فعالیت می‌کنند. از این رو شیعیان اسماعیلی چه از منظر اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی و دیپلماسی، می‌توانند یاریگر ایران باشند. همان‌طور که جامعه شیعی ایران نیز به‌طور متقابل می‌تواند با ساماندهی هرچه بهتر به امکانات گردشگری و توریسم مذهبی همچون «دژ الموت» (یا آنچه‌نان که خودشان به این زیارتگاه مذهبی می‌گویند: «آشیانه عقاب») یا بازسازی دیوارهای باقی‌مانده «قلعه محلات» و ثبت ملی آن و پذیرایی از گردشگران اسماعیلی و جز آن و ساختن فیلم‌ها و مستنداتی از مشاهیر، ابنیه و آثار آنان، زمینه مفاهمه و نزدیکی بیشتر را فراهم کند.

علویان (اسماعیلیه دروزی) و نصیریان شام و ترکیه نیز که در طول تاریخ نسبتاً طولانی و گاه پوشیده خود آثار مهمی همچون تحف العقول ابن‌شعبه حرانی، توحید مفضل، هدایة الکبریٰ خُصیبی و... را به معارف جامعه شیعی عرضه نموده و در پُربارشدن تراث شیعی آسان‌گیری چشم‌گیری داشتند، در کنار حضور شیعیان علوی و گاه امامی طبریه، جولان، حیف و عسقلان (به‌ویژه زیارتگاه «مقام رأس الحسین» عسقلان / اشکلون) اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، می‌توانند فرصت و ظرفیتی راهبردی و کم‌مانند برای ایران و گفتمان شیعی آن در مدیترانه شرقی به‌شمار آیند و از همین راه شکل‌گیری دوباره «هلال خصیب شیعی» را فراهم آورند.



رویکردی راهبردی برای حضور فعال تشیع در آینده آفریقا

محمد رضا مرتضوی نیا^۱ | ۱۰۱ |

چکیده

کم‌وبیش در تمام کشورهای جهان، جمعیت شیعه بومی و غیربومی سکونت دارند؛ ولی متأسفانه در بسیاری از آنها، شیعیان حضور فعالی در اجتماع و سیاست ندارند و به طور کلی، چهره تصمیم‌ساز و اثرگذار در اجتماع نیستند؛ بلکه به عکس، کاملاً منفعل و در جوامع بسته زیست می‌کنند. این مسئله در آفریقا، شدت بیشتری دارد. یکی از علل آن، استعمار بلندمدت و دهشتناک دهه‌های گذشته است. یکی از پیش‌نیازهای تصمیم‌سازی و اثرگذاری در جامعه، داشتن تحصیلات عالی و دید عمیق نسبت به مسائل می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای اسلامی و تشیع، باید با تغییر در سیاست‌های خود در جذب دانشجوی خارجی، نسبت به این مسئله نگاهی پدران‌داشته و با برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک، دانشجویان متعهد، مؤمن و دانشمند را تربیت کند. این نه تنها به شأنیت بخشی و فعال‌سازی ظرفیت شیعیان در کشورهای مختلف کمک خواهد کرد، بلکه برای منافع بلندمدت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز به شدت مثبت و پرفایده خواهد بود.

واژگان کلیدی: آفریقا، شرق آفریقا، تحصیلات تکمیلی، دانشجوی شیعه، اثرگذاری سیاسی اجتماعی، راهبرد حضور



مقدمه

آفریقا نقطه‌ای استراتژیک و تأثیرگذار در آینده جهان است. این ادعایی است که شواهد زیادی بر آن وجود دارد. جوانی جمعیت آفریقا، وجود منابع معدنی و خدادادی فراوان در این قاره که موجب طمع کشورهای استعمارگر گذشته و به اصطلاح متمدن امروز شده است، از جمله شواهد این ادعا هستند. براساس آخرین آمار در سال ۲۰۲۱م. بیش از ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت آفریقا، بین ۰ تا ۴ سال و حدود ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت آن قاره بین ۴ تا ۱۷ سال سن داشتند؛ این یعنی حدود ۴۰ درصد جمعیت این قاره. در مقابل، تنها ۴۸ میلیون نفر از جمعیت آفریقا، بالای ۶۵ سال سن داشتند.^۱ این درحالی است که تنها ۱۶.۳٪ جمعیت اروپا بین ۱۵ تا ۲۹ سال سن دارند^۲ و این از پیری نگران‌کننده جمعیت در اروپا حکایت دارد.

جوانی جمعیت یک کشور، یعنی لزوم رسیدگی به نیازهای نسل جوان که بی‌تردید یکی از این نیازها، آموزش و پرورش است. این مسئله از یک سو و از سوی دیگر، باتوجه به پایان عصر استعمار سخت^۳ و عدم امکان حضور و دخالت آشکار در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات کلان ملت‌ها، آموزش و پرورش که زیرساخت کنترل آینده یک ملت است، اهمیت بیشتری می‌یابد.

اگرچه تعداد بالای شیعیان خبر خوشی است، ولی آنچه آزردهنده می‌باشد، شیعیانی هستند که بیشتر به خاطر عدم برخورداری از امکانات، تحصیلات عالی نداشته و در نتیجه در جامعه منفعل و تأثیرپذیرند و امکان تأثیرگذاری بر آینده ملت خود را ندارند. در صورتی می‌توان به تأثیرگذاری در آینده یک ملت امیدوار شد که نسلی فرهیخته تربیت و در سطوح مختلف مدیریتی خرد و کلان وارد شوند.

۱. آموزش عالی کلید ورود به دروازه آینده آفریقا

بی‌تردید آموزش و پرورش نقشی حیاتی در ساماندهی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک

۱. <https://www.statista.com/statistics/1226211/population-of-africa-by-age-group/>

۲. <https://ec.europa.eu/eurostat/web/products-eurostat-news/-/ddn-20221104-1>

۳. استعمار نرم توسط استعمارگران دیروز همچنان ادامه دارد و آنها در حال غارت اموال و منابع کشورهای جهان سوم و به خصوص آفریقایی هستند.



کشور دارد؛ زیرا دانش‌آموزان امروز سیاست‌گذاران و کارگزاران فردا و آینده هر کشور هستند. برای تغییر آینده هر ملتی، باید زیرساخت آموزش و پرورش تغییر یابد. به طور کلی تغییر این زیرساخت، در دو ساحت قابل تصور است:

الف) سطوح زیرین که از پیش دبستان آغاز و تا دبیرستان ادامه می‌یابد؛

ب) سطوح فوقانی که همان آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی است.

متأسفانه استعمارگران مدرن از دهه‌ها قبل و آنگاه که خود به صورت فیزیکی و سخت مشغول استعمارگری بودند، برای این دوره برنامه‌ریزی کرده و سیستم آموزش و پرورش جدیدی برای کشورهای استعمارشده خود تدوین کردند.

امروزه در بسیاری از کشورهای آفریقایی دو سیستم آموزش فعال وجود دارد:

۱. سیستم آموزشی دولتی؛ تمامی مدارس دولتی و نیز برخی مدارس غیرانتفاعی از آن پیروی می‌کنند و میراث دوران استعمار هستند که متأسفانه مبتنی بر حفظ است و نه فهم. در این سیستم نه دانش‌آموزان و نه حتی معلمان قدرت خرید کتاب را ندارند. تمام تلاش معلمان، آماده‌سازی محتوا و تمام دغدغه دانش‌آموزان، نسخه‌برداری از محتوای تهیه‌شده توسط معلم است. در این سیستم، دانش‌آموز فرصتی برای فهم مطالب پیدا نمی‌کند و باید فقط بر حفظ آن متمرکز شود. در این سیستم قدرت فکر و تحلیل از دانش‌آموز گرفته و او مطیع و فرمان‌بردار تربیت می‌شود. دقیقاً همان چیزی که استعمار در پی آن بوده است.

۲. سیستم آموزش وارداتی آکسفورد، کمبریج و...؛ برخی از مدارس غیرانتفاعی با پذیرش سیستم آکسفورد، کمبریج و یا دیگر سیستم‌های آموزشی وارداتی، در واقع از مدارس تابعه این سیستم آموزشی قرار می‌گیرند. در این سیستم، محتوای آموزشی مورد تأیید آکسفورد و کمبریج است و حتی تقویم آموزشی و امتحانی این مدارس نیز از این سیستم پیروی می‌کند. مدارس که تابع سیستم آکسفورد یا کمبریج هستند، غالباً شهریه‌های بالایی دارند که بیشتر مردم توان پرداخت آن را ندارند. بنابراین، این مدارس ویژه قشر متمول و نسبتاً مرفه هستند.

سطوح زیرین، بستری است که باید در بوم نسبت به آن برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کرد. اما سطوح فوقانی، بستری است که به دلیل نیاز به زیرساخت‌های متعدد و نیز عمق‌یابی تحصیلات، امکان اجرا و برنامه‌ریزی آن در بوم وجود ندارد و یا به شدت مشکل است.



بنابراین، بسیاری از کشورهایی که رویکرد استراتژیک و بلندمدت نسبت به آفریقا دارند، برای این سطح سرمایه‌گذاری کرده و در نتیجه، چاره‌ای جز پذیرش دانشجو از بوم در کشور مقصد ندارند.

جمهوری اسلامی ایران لااقل در این برهه، امکان ورود در سطوح زیرین را ندارد؛ زیرا این سطح هم هزینه بالایی را به کشور تحمیل می‌کند و هم بازدهی پایینی دارد. از سوی دیگر، پایه‌ریزی سیستم آموزشی مستقل، زمان زیادی را به خاطر فرایندهای طولانی بروکراتیک، به خود اختصاص می‌دهد. همچنین اگر متمایل به پذیرش و اجرای سیستم‌های آموزشی موجود باشد که دستاوردی برای کشور نخواهد داشت؛ چراکه در هر صورت بازی در زمینی است که بازیگردان آن جمهوری اسلامی نیست.

سطوح فوقانی، یعنی آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، بستری است که ورود به آن ممکن و در دسترس است. در سال‌های اخیر، دانشگاه‌های کشور - به جهات مختلف که عمدتاً در مقاصد مالی و اقتصادی خلاصه می‌شود - به سمت پذیرش دانشجو از کشورهای دیگر سوق پیدا کرده‌اند. رویکرد مالی و اقتصادی، اگرچه منفی نیست، کامل و استراتژیک هم نیست. همچنین محدود نمودن گزینه جذب دانشجو به چند کشور محدود همسایه همچون عراق، سوریه، افغانستان و هندوستان نیز از نداشتن نگاه استراتژیک در این زمینه حکایت دارد.

آمار تعداد دانشجویان خارجی از دیگر کشورها و به خصوص از کشورهای آفریقایی در ایران و ترکیه، حاوی این پیام است که تاکنون برنامه منسجمی برای جذب دانشجو از کشورهای آفریقایی وجود نداشته است. براساس اعلام منابع رسمی، تعداد دانشجویان آفریقایی در دانشگاه‌های کشور حدود ۲۹۰ نفر است؛ در حالی که در کشور ترکیه، این آمار به حدود ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این آمار در کنار تلاش رژیم صهیونیستی برای جذب دانشجوی آفریقایی در رشته‌هایی همچون کشاورزی، معدن و...، وخامت اوضاع را نشان می‌دهد. این رژیم اخیراً طی فراخوانی اعلام کرده است که درصدد جذب ۱۵ هزار دانشجو از کشورهای آفریقایی در رشته‌های مذکور است. این جذب نه برای اغراض اقتصادی، بلکه با هدف حضور فعال و تأثیرگذار در آینده آفریقا است.



۲. چالش‌ها، فرصت‌ها و بایدها

در دو سه سال اخیر، رویکرد مثبتی در سازمان امور دانشجویی اتخاذ شده و تلاش‌هایی برای جذب دانشجویان از کشورهای آفریقایی صورت پذیرفته و به‌طور کلی، امکانات خوبی برای دانشجویان خارجی فراهم آمده است؛ اگرچه هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب، راه طولانی‌ای وجود دارد.

۲-۱. چالش‌ها و موانع

از جمله موانع و چالش‌هایی که در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌ها در مسیر جذب دانشجویان از کشورهای آفریقایی وجود دارد، عبارتند از:

- تعدد رقبای قوی همچون چین، ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی با برنامه‌ها و طرح‌های بورسیه بعضاً جذاب‌تر برای جذب دانشجویان، همچون پذیرش دانشجویان در کشور مبدأ توسط دانشگاه‌های برتر، مدت و فرایند کوتاه جذب، ثبت‌نام و اعزام، پرداخت تمام هزینه‌ها اعم از بلیط، ویزا، اقامت، تحصیل، غذا و... و روشن و واضح بودن تمام مراحل جذب و پذیرش از ابتدا تا انتها برای دانشجویان.
- قدمت بیشتر فعالیت رقبای آفریقا و شناخته‌تر بودن دانشگاه‌های رقیب؛
- پشتیبانی دولتی و انجام هزینه‌های نسبتاً بالای تبلیغاتی برای دانشگاه‌های رقیب توسط دولت‌ها با توجه به اهداف خاصی که آنها در پی‌اند؛
- تبلیغات سوء و بعضاً سنگ‌اندازی برخی کشورهای غربی و نیز رژیم صهیونیستی در محدود کردن روابط کشورهای آفریقایی با جمهوری اسلامی ایران؛
- وجود فقر در آفریقا و عدم توانایی بسیاری از دانشجویان در فراهم آوردن هزینه‌های تحصیل و سفر به ایران؛
- وجود برخی احساسات نژادپرستانه در ایران و در اذهان مردم نسبت به مردمان رنگین‌پوست (اگرچه این احساسات امروزه در سایه روشنگری‌های صورت گرفته تا حد زیادی کنترل شده است)؛
- تفاوت سیستم آموزشی در کشورهای آفریقایی با سیستم آموزشی جمهوری اسلامی ایران.



۲-۲. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

علی‌رغم وجود موانع و چالش‌ها، دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی دارد که تحصیل دانشجویان در این دانشگاه‌ها را مغتنم نموده و ترغیب‌کننده ایشان برای سفر به ایران است. از جمله فرصت‌ها و ظرفیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. موقعیت علمی قابل قبول و در برخی رشته‌ها خیلی خوب دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران؛
۲. هزینه زندگی و تحصیل نسبتاً ارزان در ایران؛
۳. اسلامی بودن کشور ایران که جذابیت زیادی برای دانشجویان مسلمان به خصوص دانشجویان شیعه خواهد داشت؛
۴. امکان فراگیری زبان فارسی که برای بسیاری از دانشجویان اهمیت بالایی دارد (به خاطر دستیابی به منابع وسیعی که تنها به زبان فارسی است و نیز چون امروزه این زبان یکی از زبان‌های جهان اسلام شناخته می‌شود)؛
۵. امکان بهره‌مندی از دوره‌های بصیرت‌افزایی عقیدتی و سیاسی علاوه بر بهره‌مندی از تحصیل در مقاطع و رشته‌های مختلف دانشگاهی؛
۶. فضای باز تبلیغاتی برای جذب و اعزام دانشجو در بسیاری از کشورهای آفریقایی؛
۷. وجود تعداد قابل توجه شیعیان جوان خوجه اثناعشری در کشورهای آفریقایی (به خصوص شرق آفریقا) که بیشتر برای تحصیلات تکمیلی، تمایل برای سفر به دیگر کشورها را دارند؛
۸. وجود مؤسسه‌ها، مراکز و افراد مسلمان / شیعه متمول با امکان پشتیبانی مالی از دانشجویان اعزامی؛
۹. وجود ریزنی‌های فرهنگی و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کشورهای آفریقایی که امکان تسهیل در امر تبلیغ و جذب دانشجو را دارند؛
۱۰. وجود مؤسسه‌ها و افراد بانفوذ در سطح آفریقا که به اعزام دانشجو به دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند هستند؛
۱۱. وجود مفاسدهی در غرب و دانشگاه‌های کشورهای غربی که رغبت را از دانشجوی مسلمان و شیعه برای سفر به این کشورها برای تحصیل کم‌فروغ می‌کند.



۲-۳. بایدها و بایسته‌ها

بی‌تردید برای دستیابی به این هدف و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به یکی از قطب‌های تربیت دانشجو، باید مقدماتی فراهم و در چهار حوزه نظام جذب، ثبت نام، برنامه‌ریزی آموزشی و نیز فوق برنامه‌ها تغییرهایی ایجاد شود. در زمینه نظام جذب، باید با استفاده از ظرفیت‌های بومی و آشنای به بوم، تمام تلاش در جهت خالص‌سازی و تصفیه دانشجویان پیش از جذب صورت پذیرد. خصوصاً در موارد بورسیه کامل. با توجه به اینکه هزینه بورسیه، هزینه بسیار بالایی را به کشور تحمیل می‌کند. در مرحله ثبت نام، شفافیت و کوتاه کردن فرایند آن پس از اطمینان از انتخاب دانشجویان برای پذیرش و همچنین نهایی کردن پذیرش دانشجو در کشورهای مقصد، به جای موکول کردن آن به مراجعه به ایران لازم است. در مرحله برنامه‌ریزی آموزشی، باید فرصت حضور دانشجویان خارجی در ایران مغتنم شمرده شود و علاوه بر پرداختن به دروس اصلی، از برنامه‌های دینی، بصیرتی و فرهنگی نیز استفاده شود تا تغییرهای مثبتی در دانشجو به لحاظ اعتقادی و جهان‌بینی ایجاد شود. علاوه بر این، استفاده از تجربه‌های موفق دیگر مجموعه‌ها همچون «جامعة المصطفی العالمیة» که با دانشجویان و طلاب خارجی در ارتباط بوده‌اند، همچون تجربه ثبت نام و دوره‌های فشرده آموزش زبان فارسی نیز به شدت توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از بهترین و سریع‌ترین راه‌ها برای نفوذ مثبت و سازنده در آفریقا، بهره‌مندی از ظرفیت تربیت دانشجو است. برای دستیابی به این مهم باید با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم، هدفمند کردن پذیرش، انتخاب رشته و تربیت و تهذیب این دانشجویان، جوانانی دانشمند، متعهد و شیعه را به کشورهای آفریقایی راهی کرد تا با تصدی مناسب و موقعیت‌های خطیر در این کشورها، نه تنها در راستای منافع ملی کشورشان در مقابل استکبار حرکت کنند، بلکه منافع سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که فراهم‌آورنده این موقعیت و امکانات برای آنان بوده است را در نظر بگیرند.



آشنایی با شیعه پژوهان: طاهره قطب الدین

چکیده

طاهره قطب الدین پژوهشگر و استاد ادبیات کلاسیک عرب و مطالعات اسلامی دانشگاه شیکاگو از جمله پژوهشگرانی است که در فضای علمی غرب به مطالعه و تحقیق در حوزه معارف و آموزه‌های شیعی با تأکید بر فاطمیان پرداخته است. توجه وی به نهج البلاغه و سخنان امیر مومنان و نگارش آثار متعدد در این باره از جمله علایق پژوهشی وی به شمار می‌آید. اصول تفسیر نمادین فاطمی (تاویل)، عزاداری کربلا در میان شیعیان فاطمی هند، سخنان زینب و ام کلثوم پس از شهادت امام حسین (ع) در کربلا، تقوا و فضیلت در اسلام اولیه، «طیبیان بهره داودی: ایدئولوژی، ادبیات، آموزش و فعالیت اجتماعی» و «خطبه‌های علی بن ابی طالب (ع): در تلاقی آموزه‌های اصلی اسلامی قرآن و سنت، مبتنی بر فطرت فرهنگی قرن هفتم عربستان» از جمله آثار او در حوزه مطالعات شیعه است. او همچنین مقالات متعددی در دایره المعارف اسلام و سایر دایره المعارف‌ها نوشته است.

واژگان کلیدی: طاهره قطب الدین، نهج البلاغه، شیعه، فاطمیان، بهره



طاهره قطب الدین^۱ پژوهشگر و استاد ادبیات کلاسیک عرب و مطالعات اسلامی دانشگاه شیکاگو^۲، از جمله پژوهشگرانی است که در فضای علمی غرب در زمینه معارف و آموزه‌های شیعی با تأکید بر فاطمیان مطالعه و تحقیق می‌کند. توجه وی به کتاب شریف نهج البلاغه و سخنان امیرمؤمنان علیه السلام و نگارش آثار متعددی در این باره، از جمله علایق پژوهشی وی به شمار می‌رود.

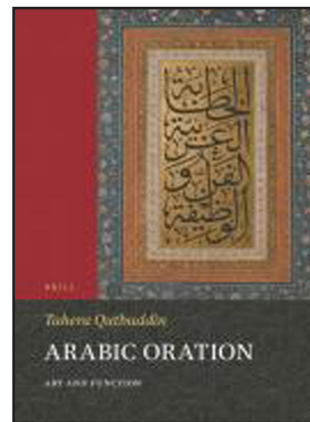
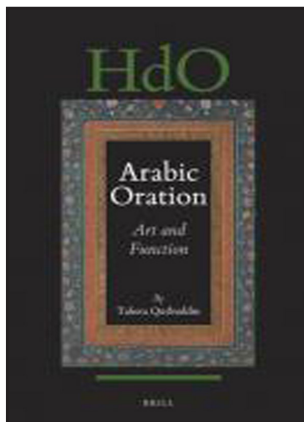


طاهره قطب الدین از سال ۲۰۰۲ م. استاد ادبیات عرب و مطالعات اسلامی در گروه زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو است. همچنین عضو مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشیار دانشکده الهیات و رئیس مطالعات بین رشته‌ای اصلی در مقطع کارشناسی در علوم انسانی (۲۰۰۹-۲۰۱۹ م) نیز بوده است. طاهره، دکترا (۱۹۹۹ م) و کارشناسی ارشد (۱۹۹۴ م) خود را از دانشگاه «هاروارد» و کارشناسی ارشد تمهیدی (۱۹۹۰ م) و کارشناسی (۱۹۸۸ م) را از دانشگاه «عین الشمس» قاهره اخذ کرده است. وی دوره دبیرستانش (۱۹۸۴ م) را در کالج «سوفیای بمبئی» گذرانده است.

آخرین تک‌نگاری وی «خطابه عربی: هنر و کارکرد» (بریل، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱) است که در آن تئوری

جامعی از این ژانر برجسته در دوره شفاهی آن، قرن هفتم تا هشتم پس از میلاد ارائه کرده و تأثیر مستمر آن بر خطابه مسلمانان معاصر را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

پروژه‌های کنونی وی شامل ویرایش و ترجمه «مجموعه خطبه‌های



1. Tahera Qutbuddin, The University of Chicago; Pick Hall 212; btq@uchicago.edu
2. <https://nelc.uchicago.edu/faculty/qutbuddin>



امام علی علیه السلام از شریف رضی «با عنوان نهج البلاغه است و همچنین یک تک‌نگاری درباره سیره دینی - سیاسی و موعظه‌های اخلاقی امام علی علیه السلام براساس خطبه‌ها و رسائل اوست که توسط Guggenheim Fellowship (۲۰۲۰-۲۰۲۱) تأمین مالی می‌شود.

طاهره قطب‌الدین همچنین به عنوان سردبیر مشاور مجموعه‌های «کتابخانه ادبیات عرب» انتشارات نیویورک و مجموعه «اسلام شیعی بریل: متون و مطالعات» فعالیت می‌کند. همچنین به عنوان مدیر برنامه بورسیه جشن قطبی،^۱ بمبئی و سلسله کنفرانس‌های بین‌الادیانی آن، تقریباً^۲ فعالیت دارد.

دانشجویان تحصیلات تکمیلی وی در حال کار بر روی موضوعات مختلفی هستند که بیشتر آنها در موضوعات ادبیات عرب است؛ از آن جمله می‌توان به شعرهای قبیله‌ای در عربستان پیش از اسلام و نقش حدیث در لغت‌شناسی عربی اشاره کرد. همچنین طاهره در کمیته پایان‌نامه دانشجویان شاغل در رشته‌های تاریخ اسلام، اندیشه اسلامی و ادبیات فارسی و نیز دانشجویان گروه ادبیات تطبیقی و مدرسه الهیات خدمت می‌کند.

خطابه عربی و موعظه اسلامی، ویژگی‌های ادبی و تفسیر نمادین قرآن، روایات اخلاقی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، خطبه‌های امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ویژگی‌های گسترده شعر کلاسیک عربی، زنان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین عقاید، تاریخ و ادبیات شیعیان فاطمی و طیبیه (بهره) به ویژه اندیشه مؤیدالدین شیرازی و سید طاهر سیف‌الدین، از جمله موضوعات مورد علاقه وی در پژوهش هستند.

برخی از آثار طاهره قطب‌الدین که در زمینه مطالعات شیعی به نگارش درآمده، چنین است:^۳

۱. اصول تفسیر نمادین فاطمی (تأویل)؛ تحلیلی براساس مجالس مؤیدیه مؤید الشیرازی (م ۴۷۰ ق/۱۰۷۸ م).^۴

1. <https://qjisp.org/>
2. <http://taqreeb.org/>
3. <https://chicago.academia.edu/TaheraQutbuddin>
4. Principles of Fatimid Symbolic Interpretation (Tāwīl): An Analysis Based on the Majālis Mu'ayyadiyya of al-Mu'ayyad al-Shīrāzī (d. 470/1078).



این اثر فصل پنجم از کتاب عقل، باطنی و حجیت در اسلام شیعی^۱ است که در انتشارات بریل و در سال ۲۰۲۱ م. به چاپ رسیده است.^۲

۲. عزاداری کربلا در میان شیعیان فاطمی طیبی هند؛ جنبه‌های اعتقادی و اجرایی مرثیه عربی سید طاهر سیف‌الدین «یا سیدالشهدا»، مجله مطالعات مروری شیعه، ۲۰۲۱ م.^۳

۳. سخنان زینب و ام‌کلثوم پس از شهادت حسین در کربلا؛ سخن حق به قدرت، ۲۰۱۹ م.
این اثر فصلی از کتاب شهدای «دیگر»: زنان و شاعرانگی جنسیت، ایثار و مرگ در ادبیات جهان (شهادت و ادبیات)^۴ است.

۴. تقوا و فضیلت در اسلام اولیه؛ دو خطبه امام علی علیه السلام، ۲۰۱۹ م.^۵

این اثر فصل ششم کتاب خودتعالی و فضیلت: دیدگاه‌هایی از فلسفه، روان‌شناسی و الهیات^۶ است که در سال ۲۰۱۹ م. در انتشارات راتلج به چاپ رسیده است.^۷

۵. خطبه‌ای پیرامون تقوا از امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام؛ چگونه آهنگ کلام (ریتیم) کلاسیک عربی به طور ضمنی متقاعد می‌سازد؟^۸

این اثر در کتاب دین و تجربه زیبایی‌شناسی: نمایشنامه، خطابه و ادبیات^۹ در سال ۲۰۱۸ م. در انتشارات دانشگاه «هیدلبرگ» به چاپ رسیده است.

1. Reason, Esotericism, and Authority in Shi'i Islam.
2. <https://brill.com/view/book/9789004465503/BP000014.xml>
3. Karbala Mourning among the Fāṭimid-Ṭayyibī Shī'a of India: Doctrinal and Performative Aspects of Sayyidnā Ṭāhir Sayf al-Dīn's Arabic Marthiya, "O King of Martyrs" (Yā Sayyida l-Shuhadā'ī).
4. Orations of Zaynab and Umm Kulthum in the Aftermath of Ḥusayn's Martyrdom at Karbala: Speaking Truth to Power.
5. The 'Other' Martyrs: Women and the Poetics of Sexuality, Sacrifice, and Death in World Literatures (Martyrdom and Literature) Paperback – July 3, 2019 by Alireza Korangy, Editor: Leyla Rouhi.
6. Piety and Virtue in Early Islam: Two Sermons by Imam Ali.
7. Self-Transcendence and Virtue: Perspectives from Philosophy, Psychology, and Theology.
8. <https://www.routledge.com/Self-Transcendence-and-Virtue-Perspectives-from-Philosophy-Psychology/Frey-Vogler/p/book/9780367732653>
9. A Sermon on Piety by Imam 'Alī ibn Abī Ṭālib: How the Rhythm of the Classical Arabic Oration Tacitly Persuaded.
10. Religion and Aesthetic Experience: Drama—Sermons—Literature, 2018.



۶. تأملات علی علیه السلام در دنیا و آخرت در بافت زندگی و روزگار او.^۱

این اثر، مقاله‌ای است که در کتاب مقالاتی در فیلولوژی، تاریخ و فلسفه اسلامی^۲ که در سال ۲۰۱۶ م. به چاپ رسیده است.

۷. آرمان‌های فتح فاطمی و پشتوانه‌های اعتقادی در اشعار قائم بامرالله، ابن‌هانی الاندلسی، امیر تمیم بن المعز و مؤید شیرازی.^۳

این اثر در کتاب شعر و تاریخ: ارزش شعر در بازسازی تاریخ عرب^۴ در سال ۲۰۱۱ م. میلادی منتشر شده است.

۸. طیبیان بهره‌داودی: ایدئولوژی، ادبیات، آموزش و فعالیت اجتماعی.^۵

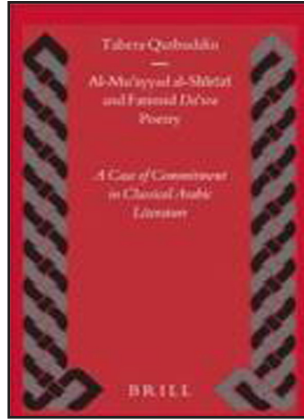
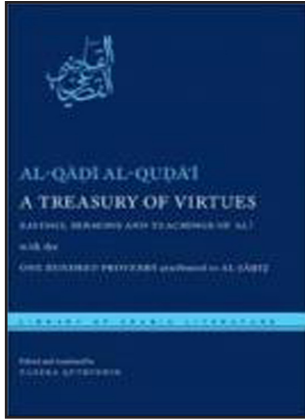
این اثر در مجموعه تاریخ جدید اسماعیلیان؛ تداوم و تغییر در جامعه مسلمانان^۶ با ویراستاری فرهاد دفتری در سال ۲۰۱۱ م. به چاپ رسیده است.

۹. خطبه‌های علی بن ابی‌طالب علیه السلام: در تلاقی آموزه‌های اصلی اسلامی قرآن و سنت، مبتنی بر فطرت فرهنگی قرن هفتم عربستان.^۷

این مقاله در مجموعه مقالات دو زبانه (فرانسو - انگلیسی)^۸ در سال ۲۰۱۲ م. به چاپ رسیده است.

۱۰. گنجینه فضایل؛ سخنان و مواعظ و معارف امام علی علیه السلام با صد ضرب المثل منسوب به جاحظ، انتشارات دانشگاه نیویورک، ۲۰۱۴ م.^۹

1. Alī's Contemplations on this World and the Hereafter in the Context of His Life and Times.
2. Essays in Islamic Theology and Philosophy, 2016.
3. Fatimid Aspirations of Conquest and Doctrinal Underpinnings in the Poetry of al-Qā'im bi-Amr Allāh, Ibn Hāni' al-Andalusī, Amīr Tamīm b. al-Mu'izz, and al-Mu'ayyad al-Shīrāzī.
4. Poetry and History: The Value of Poetry in Reconstructing Arab History. Edited by Ramzi Baalbaki, Saleh Said Agha, and Tarīf Khalīdī. Beirut: American University of Beirut Press, 2011.
5. The Dāudi Bohra Tayyibis: Ideology, Literature, Learning, and Social Practice.
6. A Modern History of the Ismailis; Continuity and Change in a Muslim Community, Farhad Daftary (ed), I.B.Tauris 2011.
7. The Sermons of Ali ibn Abi Talib: At the Confluence of the Core Islamic Teachings of the Qur'an and the Oral, Nature-Based Cultural Ethos of Seventh Century Arabia.
8. La predicación medieval: sermones cristianos, judíos e islámicos en el Mediterráneo, 2012.
9. A Treasury of Virtues: Sayings, Sermons, and Teachings of Ali, New York University Press, 2014.



۱۱. شعر مؤید شیرازی و دعوه فاطمیان، بریل، ۲۰۰۵ م.^۱
- مدخل‌های نوشته شده توسط طاهره قطب‌الدین در دایرة‌المعارف اسلام:
۱. المؤید الشیرازی، ۲۰۲۰ م.
 ۲. ادريس عماد الدين، ۲۰۱۸ م.
 ۳. ابن ابی الحديد، ۲۰۱۸ م.
 ۴. بهره، ۲۰۱۳ م.
- مدخل‌های نوشته شده در سایر دایرة‌المعارف‌ها:
۱. خطبه؛ دایرة‌المعارف ایرانیکا، ۲۰۱۳ م.
 ۲. حسین بن علی؛ دایرة‌المعارف اندیشه سیاسی اسلام پرینستون، ۲۰۱۲ م.
 ۳. فاطمیان؛ جامعه‌شناسی فرهنگی خاورمیانه، آسیا و آفریقا، ۲۰۱۱ م.
 ۴. فاطمه (الزهره) بنت محمد؛ دایرة‌المعارف تمدن اسلامی قرون وسطی، ۲۰۰۵ م.
 ۵. زینب بنت علی، دایرة‌المعارف دین، ویراست دوم، ۲۰۰۵ م.

1. Al-Mu'ayyad al-Shirazi and Fatimid Da'wa Poetry: A Case of Commitment in Classical Arabic Literature; Brill Academic Publishers, 2005.



وضعیت‌شناسی شیعیان در روسیه

چکیده

روسیه با جمعیتی بالغ بر ۱۴۲ میلیون نفر، ادیان متعددی را در خود جای داده است که یکی از این ادیان اسلام است. در مورد وضعیت فعلی مسلمانان روسیه اطلاعات دقیقی در دست نیست. در قرن ۸ میلادی منطقه داغستان در روسیه، اولین مردمی بودند که اسلام آوردند. در اوایل قرن ۱۰ میلادی، حاکم منطقه بلغار روسیه اسلام را به عنوان دین رسمی پذیرفت و در قرن ۱۳ حاکم مغول «ارتش طلایی» در منطقه قفقاز و شمال دریای خزر حکم رانی می‌کرد، مسلمان شد و در نتیجه بسیاری از قبایل ترک نژاد این مناطق هم شروع به اسلام آوردن کردند. شیعیان کشور روسیه بیشتر آذری هستند و در شهرهای بزرگ صنعتی ساکن شدند که شمار آنان را به صورت تخمینی حدود سه میلیون نفر ذکر کرده‌اند. بسیاری از شیعیان در فرهنگ روسی هضم شده‌اند و از اسلام و تشیع هیچ اطلاعاتی ندارند. از این رو بسیاری از مسلمانان و البته شیعیان، به دنبال محصولات فرهنگی مناسبی هستند که به زبان روسی تولید شده باشد تا بتوانند این شکاف فرهنگی را به گونه‌ای جبران کنند. جنگ آذربایجان و ارمنستان، یکی از نقاط عطف در رابطه میان شیعیان آذری با نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی بود. تبلیغات گسترده‌ای که ایران را حامی ارمنستان نشان داد، باعث شد که بسیاری از آذری‌ها از ایران فاصله بگیرند.

واژگان کلیدی: روسیه، شیعیان، فرهنگ، آذری زبان، داغستان



روسیه پهناورترین کشور جهان با جمعیتی بالغ بر ۱۴۲ میلیون نفر از نژادهای گوناگون است که ادیان مختلفی مانند دین اسلام را به صورت بومی در خود جا داده است. هدف این مقاله آن است که «وضعیت فعلی شیعیان در روسیه» را بررسی کند. البته برای درک این وضعیت، چاره‌ای نیست جز اینکه ابتدا شرایط کلی جامعه روسیه مطالعه و سپس موقعیت شیعیان واکاوی شود.

شاید عجیب باشد که بدانیم، اطلاعات چندان دقیقی در مورد وضعیت فعلی مسلمانان روسیه در دست نیست! برای مثال، حتی در مورد جمعیت آنها نیز آمارهای مختلفی ارائه می‌شود. مرکز آمار روسیه جمعیت مسلمانان را حداکثر نزدیک به ۱۵ میلیون نفر ارزیابی می‌کند؛ اما خود مسلمانان معتقدند که این آمار بسیار بیش از این است و شاید تا ۳۰ میلیون نفر هم برسد. راولیل عین‌الدین، یکی از چهار مفتی برتر روسیه در سال ۲۰۱۷ م. اعلام کرده بود که جمعیت مسلمانان این کشور ۲۵ میلیون نفر است. ممکن است به حساب آوردن یا نیاوردن جمعیت مهاجران در این اختلاف بی‌تأثیر نباشد. عامل دیگری که بی‌تأثیر نیست، تمایل نداشتن بسیاری از مردم روسیه برای اعلام عقاید دینی خود است. درنهایت، سیاست‌های کلان فرهنگی دولت مرکزی نیز در این اختلاف آماری بی‌اثر نیست.



برای درک بهتر شرایط، ابتدا باید برخی اطلاعات اولیه را در مورد ادیان روسیه و تاریخ گسترش آنها در این کشور بررسی کنیم. بسیاری از مورخان بر این باورند که اولین حکومت مرکزی روس‌ها در قرن نهم میلادی و به مرکزیت شهر کیف فعلی بود. پس از قدرت‌گرفتن



این حکومت، برای ایجاد اتحاد و هم‌بستگی میان مردم مختلفی که در آن زندگی می‌کردند، «ولادیمیر بزرگ» (قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم میلادی) به دنبال انتخاب یک دین واحد برای مردمش بود و سرانجام مسیحیت ارتدوکس که در امپراطوری بیزانس رواج داشت را برگزید. علت اصلی این انتخاب را شاید نتوان با قاطعیت مشخص کرد؛ اما گفته می‌شود که مسیحیت ارتدوکس از پذیرش بهتری در میان مردم آن منطقه برخوردار بود. نکته مهم اینکه دین مسیحیت از ابتدا به‌عنوان یک انتخاب سیاسی و حاکمیتی وارد منطقه روسیه شد و نه به‌عنوان نجات‌بخش جان انسان‌ها و ارائه‌دهنده سعادت ابدی! هرچند سرانجام در قرن سیزدهم میلادی و با حمله مغول، این حکومت پایان پذیرفت، اما مسیحیت ارتدوکس را در مناطق اوکراین، بلاروس و غرب روسیه فعلی گسترش داد.

پیرامون چگونگی ورود اسلام به جغرافیای فعلی روسیه، گفته می‌شود که در قرن هشتم میلادی، مردم منطقه داغستان به اسلام گرویدند و اولین مردمی از جغرافیای کنونی روسیه بودند که اسلام آوردند. در اوایل قرن دهم میلادی و ۶۶ سال قبل از اینکه ولادیمیر بزرگ، مسیحیت را برای کشورش انتخاب کند، «آلمیش ایلتابار» حاکم منطقه بلغار روسیه (نزدیک جمهوری تاتارستان فعلی) اسلام را به‌عنوان دین رسمی پذیرفت. بنابراین، اسلام به صورت رسمی قبل از مسیحیت وارد روسیه شد. در قرن سیزدهم میلادی، حاکم مغول «ارتش طلایی» (قبیله طلایی) که در منطقه قفقاز و شمال دریای خزر حکمرانی می‌کرد، مسلمان شد و در نتیجه بسیاری از قبایل ترک‌نژاد این مناطق هم اسلام آوردند که «تاتارها» یکی از آنها بودند. پس از فروپاشی این حکومت در قرن پانزدهم میلادی، حکومت‌های مختلف ترکی در روسیه حاکم بودند و به گسترش اسلام کمک کردند.

چه شد که مسیحیت دین اول روسیه شد؟ به‌طور خلاصه، درگیری‌های نظامی بین حکومت‌های روس و خان‌های ترک پس از قرن‌ها و بیشتر به خاطر اختلاف‌های داخلی مسلمانان و کمک‌هایی که گاهی خود آنها به روس‌ها می‌کردند تا یکدیگر را شکست دهند (مشابه وضعیت مسلمانان اندولس) بالأخره پایان یافت و نتیجه آن، برتری کامل روس‌ها بود و همین برتری، گسترش بیشتر مسیحیت نسبت به اسلام را سبب شد. تاریخ پرفرازونشیب رابطه مسلمانان و مسیحیان، بی‌شک تأثیرش را بر رابطه فعلی آنها نیز می‌گذارد، هرچند که اندک باشد. میل به استقلال در میان مسلمانان روسیه همچنان زنده است. نکته دیگر آنکه از قدیم میان حکومت‌های مسلمان اتحادی شکل نگرفت و همین چنددستگی هنوز هم



در میان نهادهای مسلمان روسیه مشاهده می‌شود.

انقلاب کمونیستی ضربه سنگینی به دینداران روسیه وارد کرد. در طول سالیان متمادی، تعداد زیادی از دینداران و فعالان دینی روسیه توسط کمونیست‌ها کشته شدند. ممنوع شدن تبلیغات دینی و حمله‌های فکری گسترده به باورهای مردم آن کشور در طول هفتاد سال، باعث شد که دینداری در میان مردم این منطقه رو به کاهش بگذارد، هرچند به طور کامل نبود. بسیاری از مردم نسبت به دین بی‌تفاوت و برخی نیز دین‌ستیز شدند. این پایان ماجرا نبود. با فروپاشی شوروی، موج سنگین غرب‌گرایی و معنویت‌زدایی در روسیه شدت گرفت. هرچند در زمان شوروی دینداری ممنوع بود، اما فرهنگ مطالعه و پرهیز از جنبه‌های مادی زندگی باعث شده بود که نوعی معنویت و اخلاق اجتماعی در میان مردم شکل بگیرد. اما امروزه همین معنویت و اخلاق هم در حال رخت‌بستن از جامعه روسیه است. وقتی با فعالان دینی روسیه صحبت می‌کنید، با حسرت می‌گویند که در زمان شوروی خدا نداشتیم، اما معنویت و اخلاق داشتیم؛ حالا هیچ‌کدام را نداریم.

می‌توان ادعا کرد که در زمان حکومت کمونیسم بر روسیه، تمام افراد خدا‌باور به نوعی به هم نزدیک شده بودند؛ اما پس از فروپاشی، اختلاف‌ها آرام‌آرام بازگشتند. جنگ‌های اول و دوم چچن و عملیات‌های تروریستی که به مسلمانان نسبت داده شد، باعث شد که اسلام در رسانه‌های روسیه با خشونت و تروریست همراه شود. در ادامه و با حملات یازده سپتامبر و موج جهانی نفرت علیه مسلمانان، وضعیت بدتر شد. حالا مردم روسیه از مسلمانان می‌ترسیدند و آنها را غیرمنطقی و خشن می‌دانستند. از سوی دیگر، مسلمانان نیز احساس می‌کردند مورد ظلم واقع شده‌اند و این تصورات غلط است؛ بلکه آنها قربانیان اصلی هستند. همین دوگانگی سبب بیشتر شدن اختلاف‌ها می‌شد. بدتر از این هم ممکن بود؛ مسلمان‌هایی که سال‌ها بدون آموزش دینی رشد کرده بودند و حالا آزادی عمل داشتند تا دوباره به اسلام برگردند، هیچ راهنمایی جز مبلغان سلفی نداشتند که با حمایت‌های فراوان راهی مناطق مسلمان‌نشین روسیه شدند و بر دامنه اختلافات افزودند و کار را به جایی رساندند که تبلیغ سلفی‌گری در روسیه ممنوع شد. حتی کار به جایی رسید که هرگونه گفتگوی دینی در خارج از محیط مؤسسه‌های دینی ممنوع اعلام شد. برای مدتی چاپ برخی کتاب‌های حدیثی مانند صحیح بخاری ممنوع گردید.



در زمان حکومت شوروی، برنامه‌های فرهنگی خاصی در روسیه جریان داشت که عمدتاً در تقابل با سیاست‌های غرب شکل گرفته بود؛ هرچند این برنامه‌های فرهنگی و اجرایی آنها ضعیف بود، اما پس از فروپاشی شوروی، هرج و مرج فرهنگی عجیبی در روسیه شکل گرفت و خلأ نهاد‌های نظارتی و حمایتی فرهنگی، سبب شد که در جامعه روسیه نوعی ولنگاری رخ دهد و فرهنگ غرب مانند سیلی، جامعه روسیه را درنوردد. حتی دولت مرکزی نیز به این نتیجه رسیده بود که باید هرچه سریع‌تر با بدنه اروپا همنوا و یک‌رنگ شود؛ برای همین نه تنها جلوی هجوم فرهنگی غرب را نمی‌گرفت، بلکه اصلاً آن را حجه نمی‌دانست و تنها نتیجه طبیعی از بین رفتن دو قطبی کمونیست و لیبرالیست می‌دانست. حتی تحرک‌های نظامی غرب را هم نتیجه رسوب‌های فکری سابق می‌شمرد و فکر می‌کرد که به زودی اروپا خواهد فهمید که شوروی تمام شده و روسیه یک کشور جدید است که برای اروپا تهدیدی نیست (پوتین در یکی از سخنرانی‌های اخیرش به صراحت این نکته را گفت). اما انتظار روس‌ها به درازا کشید و اروپا در سیاست‌هایش تغییری نداد و روس‌ها برآن شدند که از خود دفاع کنند.

در سال‌های انتهایی شوروی و ابتدای شکل‌گیری نظام جدید روسیه، آنچه از دست رفته بود، هویت روسی بود. روس بودن هیچ معنایی نداشت و مؤلفه‌های خاصی را هم دربر نمی‌گرفت. به عبارت دیگر، چنین ملتی رو به اضمحلال بود و دولت مرکزی باید تمام تلاشش را انجام می‌داد تا هویت مستقلی را تعریف کند و یک ملت را پدید آورد. در این فرایند، مسیحیت ارتدوکس به عنوان یکی از مؤلفه‌های ملیت روس در نظر گرفته شد؛ نه فقط به خاطر پیشینه تاریخی، بلکه تا قطب معنوی تمام پیروان ارتدوکس در دنیا باشد و عنوان «رم سوم» را زنده کنند (رم اول در ایتالیا، رم دوم در بیزانس و رم سوم در روسیه). اما مشکلی اساسی در این بین وجود داشت؛ حکومت روسیه لائیک بود نه دینی! در نتیجه نمی‌توانست آشکارا از مسیحیت ارتدوکس حمایت کند. علاوه بر اینکه مسلمانان جمعیت قابل توجهی در روسیه داشتند و باید فکری به حال آنها می‌کرد. مشکل دیگر، نیاز اقتصاد روسیه به مهاجران و نیروی کار ارزان بود و بیشتر از هر جایی، کشورهای آسیای میانه مسلمان، مبدأ اصلی مهاجران بودند. یعنی جمعیت مسلمان‌ها روز به روز در حال افزایش بود. علاوه بر اینکه مسیحیان معتقد بسیار اندک بودند و غلبه فرهنگ غرب، نرخ فرزندآوری را در میان غیرمسلمانان بسیار کاهش داده بود. حمایت‌های اقتصادی کشورهای عربی از مسلمانان



روسیه که چاشنی افراط را به همراه دارد و همچنین علاقه تاریخی و قومیتی بسیاری از مسلمانان روسیه به کشور ترکیه و بهره‌برداری ترک‌ها از این موقعیت، مشکل دیگر در جامعه روسیه بود. آشفته‌بازاری که دولت مرکزی روسیه با آن مواجه بوده و است، سبب می‌شود که هر فعال فرهنگی - دینی با درک صحیح از شرایط، به فعالیت در جامعه روسیه اقدام نماید. هنگامی که با فعالان فرهنگی مسلمان صحبت می‌کنید، آنها از شرایط فعلی ناراضی‌اند و دولت را کمی در این وضعیت مقصر می‌دانند؛ همچنین ناراحت هستند که حمایت‌های رسمی دولت از آنها، تنها ظاهری و تبلیغاتی است و آن دولت در عمل، از کلیسای ارتدوکس بسیار بیشتر حمایت و حتی برای همین، آمار رسمی مسلمانان را کمتر اعلام می‌کند. البته خود آنها اعتراف دارند که اتحاد و هم‌بستگی میان فعالان مذهبی مسلمان وجود ندارد و هر کسی در پی تشکیلات درست‌کردن برای خود است. دولت مرکزی هم از این شرایط بهترین استفاده را می‌کند. حتی پوتین از میان چهار مفتی مشهور روسیه، هیچ‌کدام را انتخاب نمی‌کند و به آنها محوریت نمی‌دهد؛ بلکه با هرکدام به نوبت ملاقات دارد. در این اوضاع، مسلمانان نمی‌توانند کادرسازی کنند و فعالیت‌های تشکیلاتی معناداری انجام دهند؛ این یعنی از نظر فرهنگی در موضع منفعل قرار دارند و منتظرند ببینند که دست تقدیر چه برای آنها مقدر کرده است (البته باید گفت که این شرایط در قفقاز متفاوت است و در چچن و دربند، اتحاد مسلمانان قوی‌تر می‌باشد).

حال وقتی با مقامات کلیسای ارتدوکس صحبت می‌کنید، به صراحت بیان می‌کنند که حمایت مناسبی از آنها نمی‌شود و گویا دولت به جذب مهاجران مسلمان علاقه بیشتری دارد تا حفظ فرهنگ اصیل روسیه. آنها به صراحت اعلام می‌کنند که رسانه‌های روسیه اصلاً روس نیستند و در دستان یهودیان افتاده و تخریب فرهنگی روسیه را دامن می‌زنند. پدر اعظم مسکو در ماه‌های اخیر، چندبار از سیاست‌های مهاجرتی انتقاد و آن را منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی حال و آینده روسیه معرفی کرده است. واقعیت آن است که مسیحیت ارتدوکس چندان بعد تبلیغی قوی ندارد و حتی در زمینه دفاع از خود و پاسخگویی به شبهات نیز چندان فعال نیست. بیشتر به معنویت منفعل و پذیرا علاقه دارد؛ گویا آفریده شده است تا مردم را در هر شرایطی راضی نگه دارد و شاید برای همین بود که کمونیست‌ها، دین را افیونگر ملت‌ها می‌نامیدند. هرچند این قضاوت کاملاً جانبدارانه



است، اما به‌شخصه هیچ‌وقت نمی‌توان قدرت استدلال مذهب شیعه را با آنچه در مسیحیت ارتدوکس یافت می‌شود، مقایسه کرد.

جالب‌تر اینکه فعالان فرهنگی روسیه بر این باورند که نباید در فعالیت‌های فرهنگی پررنگ ظاهر شد تا دولت حساس نشود؛ زیرا دولت در صورت عدم توانایی برای رقابت، آن را محدود خواهد کرد و این برای تبلیغ مذهب شیعه در روسیه شرایط بدی را مهیا می‌کند.

در چنین شرایطی که به‌صورت کلی اطلاعات دقیقی در مورد مسلمانان نمی‌توان به‌دست آورد، دقیق‌شدن روی گروه خاصی از آنها، یعنی شیعیان، کار را به‌مراتب سخت‌تر می‌کند. برای مثال، فرض کنید که می‌خواهیم بدانیم سرانۀ مطالعه در میان شیعیان چه اندازه است. تقریباً غیرممکن است که بتوان از میان آمار و ارقام رسمی ارائه‌شده به این مطلب دست یافت. یا اصلاً می‌خواهیم بدانیم که شیعیان بیشتر در چه شغل‌هایی فعالیت دارند. این را هم نمی‌توان با آمار قابل اتکا بیان کرد.

می‌توان گفت که شیعیانی که به‌صورت سنتی و بومی در جغرافیای روسیه زندگی می‌کنند، بیشتر در نزدیکی مرز آذربایجان و در شهر دربند و آذری‌زبان هستند. البته در منطقه «مسکین‌جا» و در شهر «ماخاچکالا» نیز جمعیت کمی از شیعیان لرگی ساکن هستند. شیعیان در سایر مناطق روسیه، به‌صورت سنتی و بومی تا قبل از زمان کوچ اجباری شوروی، حضوری نداشته‌اند. شاید یکی از دلایلی که مردم روسیه اطلاعات کمتری از شیعیان دارند نیز همین باشد.

در زمان شوروی و به‌خصوص استالین، بسیاری از آذری‌هایی که در منطقه قفقاز جنوبی زندگی می‌کردند، به‌صورت اجباری به مناطق مختلف شوروی فرستاده شدند. البته این کوچ اجباری فقط مخصوص آنها نبود و چچنی‌ها نیز از قربانیان این کوچ اجباری بودند. بسیاری از مسلمانان منطقه قفقاز در این کوچ اجباری جان خود را از دست دادند؛ اما آنهایی که زنده ماندند، باعث گسترش اسلام در نقاطی از شوروی شدند که تا آن زمان آشنایی چندانی با اسلام نداشتند. شیعیان نیز در این همین فرایند تا دورترین نقاط شوروی کوچ داده شدند و مذهب تشیع را با خود به مناطق مختلف بردند. البته بسیاری از مردم منطقه آذربایجان نیز در دهه‌های بعد از مرگ استالین، عمدتاً برای یافتن شرایط بهتر کاری، به شهرهای بزرگ‌تر روسیه کوچ کردند و هم‌اکنون در شهرهایی مثل مسکو، شاهد سه نسل مختلف از مهاجران هستیم.



همان‌طور که از مطالب بالا می‌توان فهمید، بیشتر شیعیان کشور روسیه از نژاد آذری هستند و در شهرهای بزرگ و صنعتی روسیه ساکن شده‌اند. به صورت تخمینی گفته می‌شود که سه میلیون نفر از شیعیان در روسیه زندگی می‌کنند. اما چه میزان از این افراد همچنان به سنت‌های خویش پایبندند و ارتباط ایمانی خود را با مذهب تشیع حفظ کرده‌اند؟ شاید نتوان پاسخ دقیق و یا حتی تخمینی به این پرسش داد؛ چراکه هیچ اطلاعات آماری دقیقی در دست نیست. برخی از شیعیان با تلاش فراوان توانسته‌اند ایمان و سنت‌هایشان را حفظ کنند؛ اما بسیاری دیگر نیز کاملاً در فرهنگ روسیه هضم شده‌اند؛ به گونه‌ای که فرزندان آنها خود را حتی آذری هم نمی‌دانند، چه برسد به شیعه! یعنی هیچ اطلاعاتی از اسلام و تشیع ندارند و تنها از نظر تولد می‌توان آنها را مسلمان دانست. اگر بخواهیم میزان حضور در مراسم‌های مذهبی مثل روز عاشورا را معیار پایبندی به مذهب بدانیم، شاید بتوان گفت که در بهترین حالت، تنها پانصد هزار نفر از این افراد توانسته‌اند یک ارتباط حداقلی را با مذهب تشیع حفظ کنند.

یکی از نکات مهم آن است که کودکان در مدارس روسیه باید به زبان روسی تحصیل کنند و در نتیجه آرام‌آرام، زبان رسمی آنها از زبان والدین فاصله می‌گیرد؛ تاجایی که تسلط فرزندان به روسی بیشتر از والدین می‌شود. در این شرایط، کودکان در معرض محصولات و تبلیغات فرهنگی قرار می‌گیرند که والدین آنها را کمتر تجربه می‌کنند و در نتیجه شکافی فرهنگی میان نسل‌ها رخ می‌دهد؛ چیزی که به وضوح می‌توان میان نسل اول و سوم مهاجران در روسیه شاهد آن بود. این امر البته به شیعیان اختصاص ندارد و همه مهاجران در این زمینه مشترک هستند و می‌توان گفت که این برنامه دولت مرکزی روسیه، برای هضم ملیت‌های مختلف در فرهنگ روسیه است. باور فعالان فرهنگی این است که این سیاست در سال‌های اخیر قوت گرفته است.

در این شرایط، بسیاری از مسلمانان و البته شیعیان، به دنبال محصولات فرهنگی مناسبی هستند که به زبان روسی تولید شده باشد تا بتوانند این شکاف فرهنگی را به گونه‌ای جبران کنند و نسل‌های بعدی خود را از نظر فرهنگی حفظ نمایند. البته کشورهایی مثل ترکیه، به این خلأ فرهنگی پی برده و تلاش کرده‌اند که در بین اهل سنت، به این نیاز پاسخ دهند. البته پس از آنکه روابط سیاسی ترکیه و روسیه رو به سردی گذاشت، فعالیت فرهنگی ترکیه



نیز از طرف حاکمیت روسیه با محدودیت‌هایی مواجه شد. این دقیقاً برعکس شرایطی است که هم‌اکنون ایران تجربه می‌کند و باتوجه به همگرایی سیاسی ایران و روسیه، نه تنها چنین محدودیت‌هایی برای ایران اعمال نمی‌شود، بلکه چراغ سبزی نیز از طرف حاکمیت روسیه به ایران نشان داده می‌شود.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که به دلیل نزدیکی زبانی که میان بسیاری از مسلمانان اهل سنت روسیه با ترکیه وجود دارد (همه متعلق به نژاد بزرگ ترک هستند)، استقبال عمومی بهتری از آنها انجام می‌شود. البته همین تأثیر را در کشور آذربایجان و تا حدی میان مهاجران آذری روسیه هم شاهد هستیم. حال اگر غول رسانه‌ای ترکیه با حجم سرسام‌آور محصولات رسانه‌ای و فرهنگی آن را در نظر بگیریم، چندان سخت نیست که حدس بزنیم ترکیه از چه ظرفیت اثرگذاری بالایی در روسیه برخوردار است. امری که حاکمیت روسیه از آن وحشت دارد و آن را به‌گونه‌ای در راستای طرح کلی پان‌ترکیسم و تجزیه روسیه می‌داند. جالب این است که کشور ترکیه به‌عنوان یک مقصد گردشگری، برای بسیاری از مردم غیرمسلمان روسیه هم جذاب است و بسیاری از آنها به فرهنگ ترکیه و زبان آن علاقه‌مند هستند.

یکی از موانع عمده در زمینه فعالیت‌های مذهبی شیعیان، آن است که تا پیش از این نمی‌توانستند مؤسسه‌های فرهنگی خود را به‌صورت قانونی به ثبت برسانند؛ چراکه ما مفتیات شیعه نداریم و همه متعلق به اهل سنت است و هیچ‌کدام حاضر نبودند به آسانی به شیعیان اجازه فعالیت بدهند. اما در سال‌های اخیر این مشکل برطرف شده است و هم‌اکنون در شهر مسکو، حداقل سه جمعیت شیعه به‌صورت رسمی به فعالیت مشغول هستند و حسینیه و مسجد هم دارند. بیشتر آنها آذری هستند و آداب و رسوم خود را تا حد زیادی حفظ کرده‌اند. «مرکز اسلامی مسکو» که توسط دفتر مقام معظم رهبری؟ حظ؟ اداره می‌شود، نقش مرکزی را در میان شیعیان دارد؛ هرچند که این نقش می‌تواند بسیار مؤثرتر و پررنگ‌تر هم باشد.

باید گفت که کمی بی‌مهری - به‌صورت غیرعمدی - نسبت به شیعیان غیرآذری صورت گرفته است. وقتی غالب یک جامعه از یک فرهنگ هستند و درصد محدودی از فرهنگ‌های دیگر، طبیعی است که برنامه‌ریزی‌ها متناسب با فرهنگ غالب خواهد بود. حتی بسیاری از



مراسم‌ها (مثل نماز جمعه، عزاداری‌ها و...) نیز به زبان آذری برگزار می‌شود. تعداد مراسم‌هایی که به زبان روسی برگزار می‌شوند، کمتر هستند و همین، یعنی شیعیان غیرآذری و حتی نسل جدید آذری‌ها که با زبان روسی انس بیشتری دارند، از این برنامه‌ها فاصله می‌گیرند. متأسفانه برخی از این شیعیان جذب جریان‌های فکری شده‌اند که مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند و برای ایران هزینه‌ساز خواهند بود.

جنگ آذربایجان و ارمنستان، یکی از نقاط عطف در رابطه میان شیعیان آذری با نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی بود. تبلیغات گسترده‌ای که ایران را حامی ارمنستان نشان داد، باعث شد که بسیاری از آذری‌ها از ایران فاصله بگیرند. حال پرسش اصلی این است که مرجع فکری این شیعیان چه کسی خواهد بود؟ به‌طور کلی شیعیانی که با ایران ارتباط نمی‌گیرند، از کجا تغذیه فکری می‌شوند؟ با اندک تأملی می‌توان دریافت که کدام گروه‌های شیعه تعداد زیادی شبکه‌های تلویزیونی و بازوی رسانه‌ای قوی دارند. جالب اینکه بسیاری از طلبه‌های جامعه المصطفی العالمیه نیز از این جریان‌ها متأثر می‌شوند.

نکته زیرکانه این جریان‌های فکری آن است که خود را مدافع ارزش‌های اصیل شیعی قلمداد می‌کنند. آنها مخالف جریان تقریب هستند و آن را سازش با اهل سنت و تزییع حق ائمه علیهم‌السلام می‌دانند. به‌ویژه و در ایام شهادت حضرت زهرا علیها‌السلام، این جریان‌ها عواطف شیعیان را تحریک و آنها را جذب می‌کنند. از سویی این افراد افراطی، بسیاری از علمای شیعه را سازشکار و یا پیرو سیاست‌های حکومت قلمداد و از این طریق، سعی می‌کنند تا بین عموم مردم و طبقه علمای شیعه فاصله بیندازند.

باتوجه به توضیح‌های پیشین، چندان دشوار نیست که بفهمیم افراطی‌گری شیعیان به نفع چه کسی خواهد بود. زاویه‌گرفتن با دولت مرکزی روسیه، طاغوت دانستن آن و لزوم مخالفت همه‌جانبه با دولت از یک سو و کافر دانستن سایر مسلمانان و جبهه‌گرفتن در مقابل آنها از سوی دیگر، نسخه‌ای است که در آینده نزدیک نه تنها به تحت فشار رفتن شیعیان در روسیه منجر خواهد شد، بلکه روابط روسیه و ایران را هم تحت الشعاع قرار خواهد داد. جالب اینکه مقامات روسیه از ایران توقع دارند که برای مقابله با افراطی‌گری، نه تنها در شیعیان، بلکه در میان همه مسلمانان به آنها دست یاری برساند.

نباید فراموش کرد که عقلانیت شیعه، یکی از مهم‌ترین امتیازهای آن است و اگر اجازه



دهیم جریان‌های افراطی قوت بگیرند، این امتیاز را آرام‌آرام از دست خواهیم داد. از روزنه همین عقلانیت است که می‌توان با سایر مسلمانان و حتی مسیحیان روسیه، باب گفتگو را باز کرد و به دنبال ارزش‌های مشترک رفت و جبهه متحدی را علیه ارزش‌های غربی شکل داد. کلیسای ارتدوکس ارزش‌های غربی را شیطانی قلمداد می‌کند و به صراحت از ایران تقاضا دارد که برای مبارزه با این جریان‌ها، با آنها همکاری کند. بی‌تردید سرمایه‌گذاری بر تربیت دینی صحیح کودکان و نوجوانان شیعیان می‌تواند گام مؤثری در رفع مشکلات پیش‌رو باشد. حضور قوی رسانه‌ای و تبلیغی - ترویجی و آگاهی‌بخشی به شیعیان و حتی سایر گروه‌های مسلمان روسیه، می‌تواند بسیاری از توطئه‌های دشمنان را خنثا کند. فراموش نکنیم که جریان‌های تندروی سلفی همین رقیب اصلی ایران در روسیه هستند و به صورت پنهانی علیه ایران و تشیع تبلیغات مسموم انجام می‌دهند و عموم مسلمانان روسیه را نسبت به ایران بدبین می‌کنند. در همین راستا، جریان‌های افراطی شیعه به کمک آنها می‌آیند و محتوای لازم جهت دستاویز قراردادن را در اختیارشان می‌گذارند. بدون تردید، حضور مؤثر و قوی ایران و ارتباط مستقیم با مسلمانان روسیه، می‌تواند بسیاری از تهمت‌ها را رفع و حقیقت را نمایان کند.

به خوبی به خاطر دارم که هیئتی از فعالان فرهنگی روسیه برای بازدید به ایران آمدند. خبرنگاری در جمع آنان بود که از او پرسیدم چگونه می‌توان چهره مثبتی از ایران را در روسیه به نمایش بگذاریم. در جواب گفت: «کافی است فقط ایران را همان‌گونه که هست به مردم نشان دهید؛ فقط کاری کنید که گردشگران بیشتری از روسیه به ایران بیایند و آنگاه بسیاری از مشکلات حل می‌شود. ایرانی که به ما معرفی کرده‌اند، بسیاری منفی‌تر و سیاه‌تر از چیزی است که من با چشم‌های خود می‌بینم. مهم نیست که ایران در چه زمینه‌هایی کمی یا کاستی دارد، همین ایران واقعی ده‌ها مرتبه بهتر از چیزی است که در ذهن ما ساخته‌اند.»

بنابراین، در نهایت باید بپذیریم که دولت روسیه شریک استراتژیک ایران است و نمی‌توانیم در اجرای برنامه‌های فرهنگی خود، بی‌توجه به حساسیت‌های آنها و برنامه‌های کلان فرهنگی دولت مرکزی روسیه گام برداریم. پس اگر قرار است در روسیه فعالیت فرهنگی داشته باشیم، باید ابتدا شرایط کلی صحنه را بشناسیم و سپس اقدام کنیم.



دوفصلنامه علمی معرفت شیعه ۴۰
سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

قائمة المحتويات

۱۱ برنامج الدراسات الشيعية: جامعة ليدن بهولندا
۲۹ دراسات الإمامة في العالم المعاصر.....
۴۹ التطور التاريخي لمفهوم الولاية في القرون الأولى.....
۶۱ شيعة جمهورية أذربيجان عبر الزمن.....
۸۳ مركز الدراسات الإيرانية جامعة تل أبيب.....
۹۳ الإسماعيلية: نشأتها وتفاعلاتها مع الإمامية.....
۱۰۱ نهج استراتيجي لتعزيز حضور الشيعة الفعال في إفريقيا في المستقبل.....
۱۰۹ من علماء الدراسات الشيعية: طاهرة قطب الدين.....
۱۱۵ وضعية الشيعة في روسيا.....
۱۲۷ خلاصة المقال.....

برنامج الدراسات الشيعية: جامعة ليدن بهولندا

الملخص:

برنامج الدراسات الشيعية هو برنامج دراسي وبثي يتم تنفيذه في إطار مركز الإسلام والمجتمع بجامعة ليدن في هولندا. هدف الجامعة هو سد الثغرات القائمة من خلال التوسع في دراسة الدراسات الشيعية في كافة تخصصاتها ومجالاتها ومناهجها من خلال عقد الندوات والمؤتمرات والمحاضرات والمناظرات والدورات التدريبية وزيادة المعرفة بين العلماء. وبالإضافة إلى مركز دراسة الفكر والتاريخ الإسلامي، يوجد مركز آخر يسمى مركز دراسة الإسلام والمجتمع (LUCIS) التابع لكلية العلوم الإنسانية، والذي يضم كافة الأنشطة التي تتم في مجال الإسلام والتاريخ الدراسات الشيعية في جامعة ليدن. تنظر مركز دراسة الإسلام والمجتمع في موضوعين رئيسيين أساسيين لبرامج أبحاث المركز: الوحدة والتنوع؛ التفاوض حول الإسلام؛ وتفسير الإسلام من الداخل والخارج.

الكلمات المفتاحية: دراسات الشيعية، جامعة ليدن، مركز الدراسات الإسلامية والمجتمع

دراسات الإمامة في العالم المعاصر

الملخص:

يمكن تقسيم دراسات الإمامة إلى تيارات قديمة وعميقة وبعض التيارات الجديدة في الفترة المعاصرة. في الخلفية التاريخية للتشيع، وخاصة عند الشيعة الإمامية، نحن أمام أربعة مقاربات أو تيارات في بحث الإمامة، تشكلت تدريجياً منذ القرون الأولى في عصر الحضور وامتدت حتى الآن، وما زال لها جماهير إلى اليوم. وبطبيعة الحال، فإن لدى بعض علماء الشيعة وجهة نظر مختلطة، وبطريقة ما، يجمعون بعض التيارات معاً ويقدمون تفسيراً مختلطاً مختلفاً. وإذا أردنا تسمية هذه التيارات الأربعة بالترتيب التاريخي، فإن التيار الأول هو تفسير المحدثين. ثم تدفق المتكلمين وبعد ذلك يتشكل التفسير الفلسفي للإمامة، والذي يبدأ حوالي القرن الخامس الهجري، وأخيراً يتشكل المنهج الصوفي للإمامة من القرنين السادس والسابع. ورغم أن هذه التيارات الأربعة لم تنطلق في وقت واحد، إلا أن التيارات الأربعة جميعها اليوم لها ممثلون في الفكر الشيعي.

الكلمات المفتاحية: دراسة الإمامة، الشيعة، التدفق المتكلمين، التدفق الفلسفي

التطور التاريخي لمفهوم الولاية في القرون الأولى

الملخص:

يركز الكتاب على المقارنة بين طريقة فهم الشيعة والصوفية لمفهوم الولاية. وقد تناول المؤلف أولاً التطور التاريخي لمفهوم الولاية عند الشيعة، ثم اتبع نفس المسار في مؤلفات الصوفية، وأتى في نهاية الكتاب بفصل يقارن بين هاتين المجموعتين. إن نقطة الانطلاق الرئيسية للمؤلف في تحليل مفهوم الولاية في كل من المذهب الشيعي والصوفية هي مفهوم السلطة. وبحسب المؤلف، فإن مفهوم الولاية كان في البداية مفهوماً سياسياً، لكنه مع مرور الزمن اكتسب جوانب ميتافيزيقية وكونية وأضيف إليه معنى لاهوتي. وكتاب سالم بن قيس الهلالي هو أول كتاب تمت مراجعته. المصنف الشيعي الثاني هو كتاب الايضاح فضل بن شاذان. بالنسبة للصوفية، كانت نظرية الولاية نوعاً من نظرية خلافة النبي، وما كان محل اهتمام الصوفية هو القيادة الروحية والدينية للمجتمع الإسلامي. يدرس هذا الكتاب تطور مفهوم الولاية في ثلاثة أعمال للحركة الصوفية الإسلامية الأولى. الكتاب الأول هو الصادق أبو سعيد أحمد بن عيسى الخراز (ت ۲۸۶هـ) والكتاب الثاني تفسير القرآن العزيز سهل التستري (ت ۲۸۳هـ) والكتاب الثالث سيرة الأولياء الترمذي. (ت ۲۹۵هـ).

الكلمات المفتاحية: الشيعة، الصوفية، الولاية، السلطة، الحكومة

شيعة جمهورية أذربيجان عبر الزمن

الملخص:

أذربيجان يبلغ عدد سكانها أكثر من ۱۰ مليون نسمة، ذات أغلبية مسلمة 7.۸۵٪ شيعة، وهي ثاني دولة شيعة في العالم الإسلامي، وتقع على الحدود الشمالية لجمهورية إيران، ولها أهمية ثقافية ودينية وتاريخية القواسم المشتركة مع إيران. بعد الاستقلال عن الاتحاد السوفييتي الذي تأثر بالأفكار الماركسية خلال الحكم الشيوعي، ظلت هذه الدولة تحاول العودة إلى هويتها والحصول على هوية مستقلة عن الحقبة السوفييتية. ومن القضايا المهمة المحيطة بهذا البلد هو حال الأديان والمذاهب، وخاصة الإسلام والديانة الشيعية فيه. وفي هذا السياق تتضاعف أهمية التعرف على وضع الشيعة في المجالات: الدينية والاجتماعية والثقافية والممارسات الدينية وغيرها من مكونات الشيعة في ذلك البلد، لذلك فإن هذا المقال ذو المنهج الوصفي والمنهج الميداني تناولت أوضاع الشيعة في هذه الأرض.

الكلمات المفتاحية: الوضع الثقافي، الوضع الاجتماعي، الشيعة، جمهورية أذربيجان، الوضع الديني

مركز الدراسات الإيرانية جامعة تل أبيب

الملخص:

بعد قيام الكيان الصهيوني، تم إنفاق الكثير من الطاقة والمال على الدراسات الاستشرافية على غرار الدراسات الشيعية. ومع قيام الثورة الإسلامية في إيران، اكتسبت الدراسات الشيعية في المراكز العلمية والأكاديمية للكيان الصهيوني اتساعاً وعمقاً خاصين. وفي السنوات الأولى لتأسيس الدراسات الشرقية في الكيان الصهيوني، تم استخدام اليهود الألمان كأساتذة لتدريب الطلاب. وكان من بين هؤلاء الأساتذة جوزيف هورويتز، وجوتيلد فايل، وموشيه شارون. وفي الأعوام (١٩١٨-١٩١٤)، أنشأ ديفيد آين وماير جاكوب قسم الدراسات الإسلامية كقسم مستقل عن قسم الدراسات الشرقية وقاموا بتدريب الطلاب وتنظيم الدراسات الشيعية بشكل جدي في ظل النظام الصهيوني. حالياً، تتم متابعة الدراسات المتعلقة بالعالم الإسلامي وتحديداً الأنشطة الأكاديمية المتعلقة بالمجال الشيعي في خمسة أقسام مختلفة في جامعات النظام الصهيوني. هذه الأقسام هي: الدراسات الإسلامية والشرق أوسطية؛ اللغة العربية وآدابها؛ الدراسات الهندية والإيرانية والأرمنية؛ دراسات الشرق الأقصى.

الكلمات المفتاحية: مركز الدراسات الإيرانية، جامعة تل أبيب، الشيعة، إيران، النظام الصهيوني

الإسماعيلية: نشأتها وتفاعلاتها مع الإمامية

الملخص:

الإسماعيلية إحدى فرق الإسلام الشيعي نشأت بعد وفاة الإمام الصادق (عليه السلام) عام ١٤٨ هـ. يمكن بحث إمكانيات التفاعل بين الإمامية والإسماعيلية من منظورين: تاريخي ومعاصر. في المنظور التاريخي، تُعدّ المكونات السياسية والحكومية، والمكونات العلمية والفكرية والفلسفية من أهم العوامل التي ستم مناقشتها في هذه المقالة. أما في العصر الحديث، فقد حدث انشقاق كبير داخل الفاطميين بعد وفاة المستنصر بالله، مما أدى إلى انقسام الإسماعيلية إلى فرقتين: النزارية والمستعلية. استقرّ النزاريون في مناطق مثل بلاد الشام واليمن وإيران وما وراء النهر وشبه القارة الهندية وكينيا وتنزانيا وأوغندا. في إيران، عاش النزاريون جنباً إلى جنب مع الشيعة الإمامية لعدة قرون بسلام. يخلق هذا الوضع أرضية مناسبة للوحدة الثقافية واللغوية والروابط التاريخية القائمة على التراث المشترك للغة الفارسية بين الإيرانيين الإمامية وأقلييات الإسماعيلية.

الكلمات المفتاحية: الشيعة، الإسماعيلية، النزاريه، مستعلية، التفاعل

نهج استراتيجي لتعزيز حضور الشيعة الفعال في إفريقيا في المستقبل

الملخص:

يعيش الشيعة، سواءً من السكان الأصليين أو الوافدين، في جميع أنحاء العالم. لكن للأسف، في كثير من الحالات، يفتقر الشيعة إلى التمثيل النشط في المجتمع والسياسة. بشكل عام، ليسوا من صناع القرار أو المؤثرين في المجتمع، بل يعيشون بشكل سلبي إلى حد ما في مجتمعات مغلقة. هذه المشكلة أكثر حدة في إفريقيا، حيث يرجع أحد أسبابها إلى الاستعمار الطويل والقاس الذي شهدته العقود الماضية. ومن المتطلبات الأساسية لصنع القرار والفاعلية في المجتمع الحصول على تعليم عالٍ وفهم عميق للقضايا. تقع على عاتق الجمهورية الإسلامية الإيرانية مسؤولية تغيير سياساتها لجذب الطلاب الأجانب مع الأخذ في الاعتبار هذه المشكلة. ومع التخطيط الدقيق والتفكير الاستراتيجي، يجب أن تعمل على تخريج طلاب ملتزمين ومؤمنين وذوي معرفة. وهذا لن يساعد فقط على تمكين وتفعيل قدرات الشيعة في مختلف البلدان، بل سيكون أيضًا إيجابيًا للغاية ومفيدًا للمصالح السياسية والاقتصادية طويلة الأجل للجمهورية الإسلامية الإيرانية.

الكلمات المفتاحية: إفريقيا، الدراسات العليا، الطلاب الشيعة، التأثير الاجتماعي والسياسي

من علماء الدراسات الشيعية: طاهرة قطب الدين

الملخص:

كانت طاهرة قطب الدين أستاذة الأدب العربي في قسم لغات وحضارات الشرق الأدنى بجامعة شيكاغو لمدة واحد وعشرين عامًا. وكانت أيضًا عضوًا في مركز دراسات الشرق الأوسط ولجنة دراسات جنوب آسيا، بالإضافة إلى عضو هيئة تدريس مشارك في كلية اللاهوت، ورئيسًا لمدة عشر سنوات للدراسات الجامعية الرئيسية متعددة التخصصات في العلوم الإنسانية. تركز أبحاث البروفيسور قطب الدين في الأدب العربي الكلاسيكي والدراسات الإسلامية على التقاطعات الأدبية والدينية والسياسية في الشعر والنثر. تشمل اهتماماتها الشعر العربي الكلاسيكي، والخطب، والرسائل، والأمثال، والسرد، والشعر، وفقه اللغة؛ خطب وأقوال الإمام علي بن أبي طالب؛ الحديث الأخلاقي وخطب النبي محمد؛ البهرة الفاطمية والطيبة؛ السمات الأدبية والتفسير الرمزي للقرآن؛ الأدب النسائي العربي الكلاسيكي؛ وتاريخ اللغة العربية ووظائفها وأنواعها الأدبية في الهند.

الكلمات المفتاحية: طاهرة قطب الدين، شيعة، فاطمية، البهرة، نهج البلاغة

وضعية الشيعة في روسيا

الملخص:

يبلغ عدد سكان روسيا أكثر من ١٤٢ مليون نسمة، ويوجد في روسيا العديد من الديانات، أحدها الإسلام. لا توجد معلومات دقيقة حول الوضع الحالي للمسلمين في روسيا. وفي القرن الثامن، كانت منطقة داغستان في روسيا أول شعب اعتنق الإسلام. وفي بداية القرن العاشر الميلادي، اعتنق حاكم منطقة روسيا البلغارية الإسلام كدين رسمي، وفي القرن الثالث عشر، حاكم "الجيش الذهبي" (القبيلة الذهبية) الذي حكم منطقة القوقاز و شمال بحر قزوين، أصبحت مسلمة، ونتيجة لذلك، بدأت العديد من القبائل التركية في هذه المناطق أيضًا في اعتناق الإسلام. وأغلب الشيعة في روسيا من الأذربيين ويستقرون في المدن الصناعية الكبرى التي يقدر عددهم بنحو ثلاثة ملايين نسمة. العديد من الشيعة منغمسون في الثقافة الروسية وليس لديهم أي معلومات عن الإسلام والتشيع. ولذلك يبحث الكثير من المسلمين، وبالطبع الشيعة، عن منتجات ثقافية مناسبة يتم إنتاجها باللغة الروسية من أجل تعويض هذه الفجوة الثقافية. كانت الحرب بين أذربيجان وأرمينيا إحدى نقاط التحول في العلاقة بين الشيعة الأذربيين والمؤسسات الثقافية للجمهورية الإسلامية. أدت الدعاية واسعة النطاق التي أظهرت إيران كمؤيد لأرمينيا إلى إبعاد العديد من الأذربيين بأنفسهم عن إيران.

الكلمات المفتاحية: روسيا، الشيعة، الثقافة، اللغة الأذرية، داغستان

Shia Studies Scholars: Tahera Qutbuddin

Abstract

Tahera Qutbuddin was Professor of Arabic Literature in the Department of Near Eastern Languages and Civilizations at the University of Chicago for twenty-one years. She was also a member of the Center for Middle Eastern Studies and the Committee on South Asian Studies, as well as an associate faculty member of the Divinity School, and ten-year chair of the undergraduate major Interdisciplinary Studies in the Humanities. Professor Qutbuddin's research in classical Arabic literature and Islamic studies focuses on intersections of the literary, the religious, and the political in poetry and prose. Her interests include classical Arabic poetry, orations, epistles, aphorisms, narrative, poetics, and philology; orations and sayings of Imam Ali ibn Abi Talib; ethical hadith and orations of the Prophet Muhammad; Fatimid and Tayyibi Bohra poetry, history, theology, and law; literary features and symbolic exegesis of the Quran; classical Arabic women's literature, including orations and poetry; and the history, functions, and literary genres of Arabic in India.

Keywords: Tahera Qutbuddin, Shia, Fatimid, Bohra, Nahj al-Balagha

Shia in Russia

Abstract

Russia has many religions, one of which is Islam. There is no accurate information about the current situation of Muslims in Russia. In the 8th century, the Dagestan region in Russia was the first people to convert to Islam. At the beginning of the 10th century AD, the ruler of the Bulgarian region of Russia accepted Islam as the official religion, and in the 13th century, the ruler of the Mongol "Golden Army" (Golden Tribe), who ruled in the Caucasus region and north of the Caspian Sea, became a Muslim and as a result, many Turkic tribes of these regions also started converting to Islam. Shiites in Russia are mostly Azeri and settled in big industrial cities, whose number is estimated to be around three million people. Many Shiites are absorbed in Russian culture and have no information about Islam and Shiism. Therefore, many Muslims, and of course Shiites, are looking for appropriate cultural products produced in the Russian language in order to compensate for this cultural gap. The war between Azerbaijan and Armenia was one of the turning points in the relationship between Azeri Shiites and the cultural institutions of the Islamic Republic. The widespread propaganda that showed Iran as a supporter of Armenia caused many Azeris to distance themselves from Iran.

Keywords: Russia, Shiites, culture, Azeri language, Dagestan

Imam Ja'far al-Sadiq (AS) in 148 AH. The potential for interaction between Imami and Ismaili Shi'a can be examined from both historical and contemporary perspectives. In the historical context, the political and sovereign dimensions, as well as the scholarly and philosophical-intellectual components, are among the most significant factors that will be investigated in this article. In the contemporary era, following the death of al-Mustansir Billah, a significant schism occurred within the Fatimids, resulting in the division of the Ismailis into two groups: the Nizari Ismailis and the Mustali Ismailis. The Nizari Ismailis settled in regions such as Syria, Yemen, Iran, the Indian subcontinent, Kenya, Tanzania, and Uganda. In Iran, the Nizari Ismailis have coexisted peacefully with Imami Shi'a for centuries. This creates a favorable environment for cultural and linguistic unity, as well as historical ties based on the shared legacy of the Persian language between Imami Shi'a Iranians and Ismaili minorities.

Keywords: Shia, Ismailis, Nazarians, Mustalawis, interaction

A Strategic Approach to the Active Presence of Shi'a in the Future of Africa

Abstract

Shia populations, both native and non-native, reside in almost all countries of the world. Unfortunately, in many cases, Shias do not have an active presence in society and politics. They are generally not decision-makers or influencers in society. Instead, they are quite passive and live in closed communities. This issue is more severe in Africa, one of the causes of which is the long and terrible colonialization of the past decades. One of the prerequisites for decision-making and effectiveness in society is having higher education and a deep understanding of issues. The Islamic Republic of Iran should take a paternalistic approach to this issue by changing its policies on attracting foreign students. With careful planning and strategic thinking, it should work to train committed, faithful, and knowledgeable students. This will not only help to empower and activate the capacity of Shias in different countries, but it will also be highly positive and beneficial for the long-term political and economic interests of the Islamic Republic of Iran.

keywords: Africa, postgraduate education, Shiite students, socio-political influence

Research Article

دوفصلنامه علمی
معرفت شیعه/ ۴

سال دوم، شماره ۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Vol. 2, Autumn and
Winter 2024, No 4

| 6 |

issues surrounding this country is the state of religions, especially Islam and Shia in it. In this regard, it doubles the importance of getting to know the situation of Shiites in the fields of religion, social, cultural, religious practices and other components of Shiites in that country. therefore, this article with a descriptive approach has dealt with the situation of Shiites in this land.

Keywords: cultural situation, social situation, Shiites, Republic of Azerbaijan, religious situation

The Alliance Center for Iranian Studies Tel Aviv University

Abstract

Oriental studies with the approach of Shia studies is one of the topics that has received serious attention in the contemporary era, especially in the current few decades, from Jewish and Zionist academic foundations and institutions. Although this issue existed before the formation of the Zionist regime in the occupied territories, but after the establishment of the regime, this issue was pursued more seriously and a lot of financial and human costs were spent on it. With the occurrence of the Islamic revolution in Iran, Shia studies in the scientific and academic centers of the Zionist regime gained a special breadth and depth, and the establishment of Islamic studies and Shia research centers and also holding the periodical conferences, with the presence of prominent orientalists and experts, was the beginning of an extensive study project. In this research, with a descriptive and analytical approach, an overview of Shia research centers in the occupied territories has been investigated. The findings of this research indicate that one of the centers that has a history and a special position in the field of Shia studies is the Alliance Center for Iranian Studies of Tel Aviv University, which has conducted numerous researches in different formats in the field of Shia studies.

Keywords: Oriental Studies, Shiite Studies, Islamic Revolution of Iran, the Alliance Center for Iranian Studies, Tel Aviv University, Zionist regime.

Ismaili Shi'ism in combination with Twelver Shia

Abstract

The Ismailis are a branch of Shia Islam that emerged following the passing of

The historical evolution of the concept of Wilayah in the first centuries

Research Article

دوفصلنامه علمی
معرفة شيعه / ۴

سال دوم، شماره ۴

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Vol. 2, Autumn and
Winter 2024, No 4

| 5 |

Abstract

The book focuses on the comparison of the way Shiites and Sufis understand the concept of Wilayah. The author first examined the historical development of the concept of Wilayah among the Shiites and then followed the same path in the works of the Sufis, and at the end of the book, she brought a chapter comparing these two groups. The author's main point of departure in analyzing the concept of Wilayah in both Shiism and Sufism is the concept of authority. According to the author, the concept of Velayat was initially a political concept, but with the passage of time, it acquired metaphysical and cosmological aspects and theological meaning was added to it. Salim bin Qais Hilali's book is the first book that has been reviewed. The second Shiite work is Kitab al-Izah Fazl bin Shazan. Like the book of Salim bin Qais, in the book of al-Izah, the political understanding of the concept of Wilayah, which meant the succession and caliphate of the Prophet after his death, had a central place. The concept of Wilayah in the Age of Absence gradually changed from a purely political concept to a theological concept with metaphysical dimensions. This was an event whose beginning can be traced in the book Al-Mahasen al-Barqi and its evolution in the book Al-Kafi. For the Sufis, the theory of guardianship was a kind of theory of the succession of the Prophet, and what was in the focus of attention for the Sufis was the spiritual and religious leadership of the Islamic society. This book studies the evolution of the concept of wilayah in three works of the first movement of Islamic Sufism.

Keywords: Shia, Sufi, Wilayah, authority, government

Shiites of the Republic of Azerbaijan over time

Abstract

Azerbaijan, with a population of more than 10 million people, with a Muslim majority and 85% Shiites, is the second Shiite country in the Islamic world, located on the northern borders of the Republic of Iran, and has important cultural, religious and historical commonalities with Iran. After independence from the Soviet Union, which was influenced by Marxist and anti-religious ideas during the communist rule, this country has been trying to return to its identity and gain an independent identity from the Soviet era. One of the important

The research capacity of the Shia studies program at Leiden University in the Netherlands

Abstract

The Shia studies program is a study and research program that is being implemented under the center of Islam and society at Leiden University in the Netherlands. The aim of the university is to fill the existing gaps by expanding the studies of Shia studies in all its specializations, fields and approaches through holding seminars, conferences and training workshops, lectures, debates, summer training courses and increasing knowledge among scholars. In addition to the Center for the Study of Islamic Thought and History, there is another center called the Center for the Study of Islam and Society (LUCIS) under the Faculty of Humanities, which includes all the activities carried out in the field of Islam and Shiite studies at Leiden University. LUCIS considers two main themes that are central to the center's research programs: unity and diversity; the negotiation of Islam; and the interpretation of Islam from Inside and Outside.

Keywords: Shia Studies, Leiden University, Center for Islamic and Society Studies

Imamate studies in the contemporary world

Abstract

Imamate studies can be divided into old and deep-rooted currents and some new currents in the contemporary period. In the historical background of Shia, especially in Imami Shia, we are faced with four approaches or currents of Imamate study, which have been gradually formed since the first centuries in the age of presence and have extended until now, and they still have fans today. In other words, the poles of the Imamate of Shia are mainly derived from these four currents. Of course, some Shia scholars have a mixed view and, in a way, combine some currents together and present a different mixed interpretation. hadithi or the revelatory interpretation of Imamate, theological, philosophical and mystical interpretation of Imamate are four currents in the Imamate studies. Although these four currents did not start at the same time, today all four currents have representatives in Shia thought.

Keywords: imamate Study, Shia, theological flow, philosophical flow

Table of Content

The research capacity of the Shia studies program at Leiden University in the Netherlands.....	11
Imamate studies in the contemporary world.....	29
The historical evolution of the concept of Wilayah in the first centuries.....	49
Shiites of the Republic of Azerbaijan over time.....	61
The Alliance Center for Iranian StudiesTel Aviv University.....	83
Ismaili Shi'ism in combination with Twelver Shia.....	93
A Strategic Approach to the Active Presence of Shi'a in the Future of Africa.....	101
Shia Studies Scholars: Tahera Qutbuddin.....	109
Shia in Russia.....	115
Abstract.....	1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



Managing Editor:
Seyed Mahdi Alizadeh Mousavi

Editorial Board:

Reza Berenjkar

Full Professor of University of Tehran

Imdad Turan

Assistant Professor of University of Religions
and Denominations

Mohammad Hasan Zamani

Assistant Professor of Al-Mustafa University

Mohammad Taqi Sobhani

Head of Imamate Cultural Foundation

Reza Mokhtari

Head of the Shiite bio-Bibliographical Institute

Seyed Abolhasan Navab

Head of the University of Religions and
Denominations

Ma'rifat-i Shi'a (Shi'a Knowledge):

A bi-Quarterly Research Journal

Vol. 2, Autumn and Winter 2024, No. 4

Editor in Chief:

Seyed Hamed Alizadeh Mousavi

Page Setup: Nader Barqhi

Designer: Morteza Fathollahi

License No.: 83154

Address: No. 27, Alley 19,
Shahid Fatemi St, Qom, Iran.

Postal Code: 3715655756

Site: Shiaknowledge.com

Email: marefatshia@gmail.com

Eitaa: 09052995341